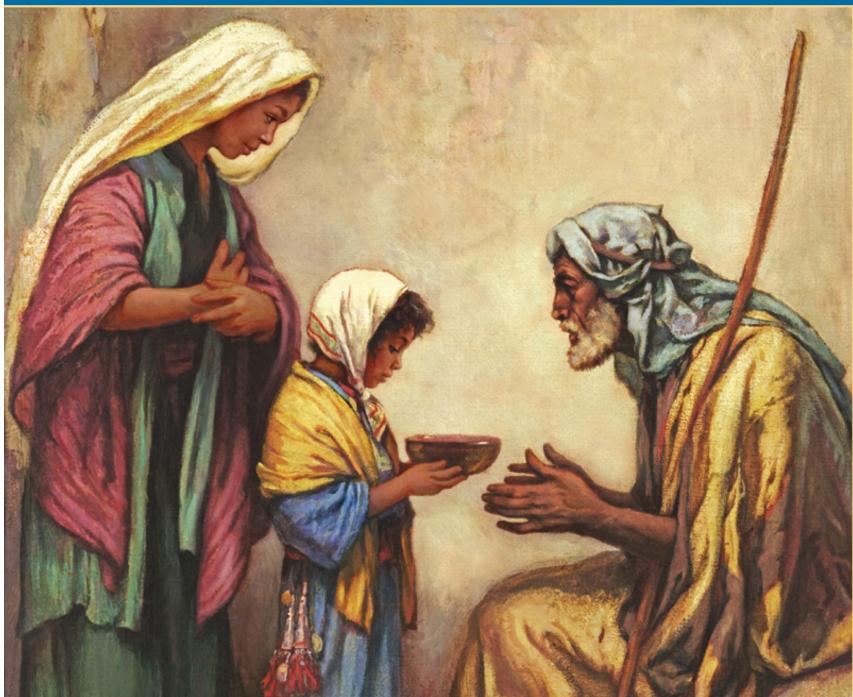


راهنمای مطالعه کلام خداوند

سه ماهه اول ۲۰۱۸ | زانویه، فوریه، مارس

«مبادرت»

انگیزه ای قلبی مبنی بر نگهداری و نظارت بر امانت های خدا



جمع پرهیزکاران اهل کتاب

فهرست مطالب

۱	۳۰ دسامبر تا ۵ ژانویه	۱
۲	۱۲ تا ۶ ژانویه	۱۳ می‌بینم، می خواهم، می گیرم
۳	۱۹ ژانویه	۱۳ تا ۱۳ خدا یا ثروت
۴	۲۶ ژانویه	۲۰ تا ۲۶ گریز از راههای دنیوی
۵	۲ فوریه	۲۷ می باشین فراغدنی
۶	۳ تا ۹ فوریه	۴۵ نشانه‌های یک مباشر
۷	۱۰ فوریه	۵۴ صادق بودن با خدا
۸	۲۳ فوریه	۶۳ تأثیر تقدیم ۵۵ یک [عشر]
۹	۲ مارس	۷۲ عوض شُکرانه
۱۰	۹ مارس	۸۱ نقش مباشرت
۱۱	۱۶ مارس	۹۰ بدھی — یک تصمیم روزانه
۱۲	۲۳ مارس	۹۸ عادات یک مباشر
۱۳	۳۰ مارس	۱۰۷ ثرات مباشرت

Editorial Office: 12501 Old Columbia Pike, Silver Spring, MD 20904

Come visit us at our Web site: <http://www.absg.adventist.org>

Principal Contributor

John H. H. Mathews

Editorial Assistant

Sharon Thomas—Crews

Middle East and North Africa Union

Editor

Clifford R. Goldstein

Pacific Press® Coordinator

Wendy Marcum

Publishing Coordinator

Michael Eckert

Associate Editor

Soraya Homayouni

Art Director and Illustrator

Lars Justinen

Translation to Farsi

Rezvan Ahmadi

Publication Manager

Lea Alexander Greve

Design

Justinen Creative Group

Farsi Layout and Design

Marisa Ferreira



Sabbath School
Personal Ministries

حق چاپ محفوظ و مخصوص کنگره عمومی ادوبتیستهای روز هفتم میباشد. هیچیک از بخش‌های این کاتابه راهنمای مطالعه کتاب مقدس مدرسه سبت و پیزه بزرگسالان بدون اجازه قابلی و کتبی از کنگره عمومی ادوبتیستهای روز هفتم (جزمال کفرانس) قابل ویرایش، تغییر، اصلاح، اقتباس، ترجمه، تکثیر یا انتشار نیست. دفاتر بخش‌های تابعه کنگره عمومی ادوبتیستهای روز هفتم مجاز استند تا طبق دستورالعمل و پیزه ای ترتیبی اختاذ مایند تا کاتابه راهنمای مطالعه کتاب مقدس مدرسه سبت و پیزه بزرگسالان ترجمه گردد. حق طبع و نشر مطالب ترجمه شده و انتشار آنها متعلق به کنگره عمومی است. عنوانی (ادوبتیستهای روز هفتم) و (ادوبتیست) و آزم شعله کون جزو اسمی و علمات تجاری ثبت شده متعلق به کنگره عمومی ادوبتیستهای روز هفتم میباشد و استفاده از آن بدون اجازه قابلی از کنگره عمومی منوع است.



زندگی مباشر مسیحی

پیش از آنکه خود را مسیحی بنامیم و نیاز برای تغییر را حس کنیم باید وضعیت گناه آلود خود را تشخیص بدھیم. تنها و بطور کامل از طریق عیسی است که این تغییر و تحول در وجود و زندگی ما شکل می پذیرد. و یک تجلی از کار او در زندگی ما در حوزه نظارت و مباشرت در امور او می باشد. اگر چه مباشرت در برگیرنده جنبه های مختلفی از زندگی مسیحی می باشد، اکنون آن را بطور گسترده به عنوان دارایی های ملموس و غیر ملموس برای جلال خدا، تعریف خواهیم نمود.

همانگونه که در کتاب مقدس تعلیم داده شده است، مباشرت در کنار سایر موارد، به ابزاری قدرمند بر ضد خطرات مادی گرایی (علاقه به قملک و سایل و اشیاء) یا بطور کلی دنیاپرستی می باشد که یکی از بزرگترین دام های روحانی است که دشمن جان ها در پیش روی ما قرار می دهد. بسیاری از مردم قادر به تشخیص این موضوع نیستند که ثروت و دارایی چیزهای پستی هستند، چاشنی های مصنوعی که در نهایت طعم خود را از دست می دهند. متاسفانه، بسیاری از جانها بدلیل غفلت از گسترش از زنجیرهای عالیق دنیوی، از دست می روند. طریق های دنیوی — «شهوت جسم و خواهش چشم و غرور زندگانی» (اول یوحنا باب ۲ آیه ۱۶) — همه می توانند از طریق اصول مباشرت در زندگیمان تغییر کنند و یا حتی مورد اجتناب قرار بگیرند.

به همین دلیل است که در این فصل، به موضوع مباشرت و آنچه که می تواند با درباره نحوه زندگی، آنگونه که خواست خداست نگاهی می اندازیم که شامل رهایی از دلبستگی به دنیا و همه مظاهر آن می شود. مباشرت، نمودی عملی و روزانه در خصوص متابعت از عیسی را مبتادر می سازد؛ ابراز عشق و علاقه به خدا، وسیله ای برای زندگی

کردن در حقیقت که در مسیح به ما داده شده است. ما مبادران خدا هستیم زیرا خدا ما را از ابتدا دوست داشت.

زندگی مبادرتی ما بنابراین، شامل طرز برخورد، تحول ایمانی، تعهد، انضباط شخصی و بسیاری چیزهای دیگر می‌باشد. ما باید خدمتگزاران وفادار و قابل اعتماد خدا باشیم و از طریق ارتباط با عیسی در همه کارهایی که انجام می‌دهیم و هر چیزی که بیان می‌کنیم، عاری از نفس و خودپرستی زندگی کنیم. ما در مدرسه مسیح در می‌یابیم که نتیجه مبادرت، رضایت از زندگی عادلانه است. ما باید بیاموزیم که دارایی‌های خدا را برای جلال او اداره کنیم، و برای به اقام رسانیدن مأموریت او، تأمین بودجه کنیم.

مبادرین خدا اکنون مثل «تصویر تیره و تار آینه» می‌بینند (اول قرنطیان باب ۱۳ آیه ۱۲)، اما عیسی بوضوح می‌بیند. او کار خود را به ما می‌سپارد. حتی در میان تطمیع‌های جهان که پنهانی است، ما همچنان مسئول مدیریت مناسب استعدادها، دارایی‌ها، سلامتی و محیط زیست می‌باشیم. این درس‌ها طراحی شده اند تا مسئولیت‌های ما به عنوان مبادر را تعلیم بدهند و اینکه ما اکنون چگونه از طریق فیض خدا می‌توانیم آن مسئولیت‌ها را انجام دهیم، نه به منظور بدست آوردن نجات بلکه به عنوان ثمره داشتن آن.

زندگی ما به عنوان مبادران مسیحی، خصلت خدا را به جهان انعکاس می‌دهد. در زندگی کسانی که شهامت دارند تا بر اصول کتاب مقدس ایستادگی نمایند، زیبایی، شادمانی و قدوسیت و خدایپرستی مشاهده می‌شود، خصوصاً اصولی که بر ضر گرایش و جریان فرهنگی ماست. هر کسی وسوسه می‌شود که در بی‌خدایی زندگی کند؛ وسوسه‌ها همگی در اطراف ما، آشکار و به روش‌های زیرکانه وجود دارند. به ما مسیحیان بویژه مبادران مسیحی، نه تنها راه‌های فرار از این وسوسه‌ها نشان داده شده اند بلکه قدرت انجام آن نیز وعده داده شده است.

در نهایت، خواهیم شنید که یکی از دو احساسات با ما سخن خواهد گفت: «من هرگز شما را نمی‌شناسم. از من دور شوید، ای بدکاران!» (متی باب ۷ آیه ۲۳)، یا «آفرین ای غلام خوب و امین تو در کار کوچکی امانت و درستی خود را نشان دادی و حالا کارهای بزرگ را به تو خواهم سپردم. بیا و در شادی ارباب خود شریک باش» (متی باب ۲۵ آیه ۲۳). این امید و دعای ماست که آنچه که در درس این فصل درباره مبادرت آموزش داده می‌شود، بما کمک کند تا در مسیری طی طریق کنیم که در واقع این کلام را به واقعیت مبدل کند که «بیا و در شادی ارباب خود شریک باش».

جان اچ. اچ. متیوز (John H. H. Mathews) دارای مدرک دکترا در رشته خدمت و بشارت از دانشگاه اندروز، یک مبشر تدھین شده است که در فلوریدا، آلاما، آیووا، میسوری، تنسی و نبراسکا خدمت کرده است. او در حال حاضر مدیر خدمات مبادرتی بخش شمال آمریکا می‌باشد.

تأثیر مادیگرایی



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اول یوحنا باب ۲ آیات ۱۶ و ۱۷؛ لوقا باب ۱۴ آیات ۲۶ تا ۳۳، باب ۱۲ آیات ۱۵ تا ۲۱؛ تشنیه باب ۸ آیات ۱۰ تا ۱۴؛ اول تیموتائوس باب ۶ آیه ۱۰؛ یوحنا باب ۱۵ آیه ۵؛ غلاطیان باب ۲ آیه ۲۰.

آیه حفظی: «و همشکل این جهان مشوید بلکه به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید تا شما دریافت کنید که اراده نیکوی پسندیده کامل خدا چیست» (رومیان باب ۱۲ آیه ۲).

کلام خدا به قوم خدا می‌گوید که «هم شکل این جهان نشوند» (رومیان باب ۱۲ آیه ۲)، اما وسوسه و تطمیع مادیگرایی، تمایل مفرط برای ثروت و آنچه که فکر می‌کنیم ثروت می‌تواند به همراه بیاورد، قدرتمند است. تعداد کمی از مردم، خواه ثروتمند یا فقیر، از خطر مادیگرایی به دور هستند. این خطر شامل مسیحیان نیز می‌شود. ثروتمند بودن اشکالی ندارد و یا حتی تلاش بسیار به منظور فراهم نمودن راحتی برای خود و عزیزانتان ایرادی ندارد. اما هنگامی که پول یا آنچه بدنبال آن می‌آید، تمام جنبه‌ها را فرا می‌گیرد، ما در دام شیطان افتاده ایم و در حقیقت «هم شکل این جهان شده ایم». جهان این ایده را متبارد می‌سازد که زندگی خوب و پربرکت تنها می‌تواند در پول یافتد شود. اما پول نقابی است که شیطان به منظور اطمینان از داشتن وفاداری ما، در پشت آن پنهان می‌شود. مادیگرایی یکی از سلاح‌های انتخابی شیطان علیه مسیحیان می‌باشد. بعلاوه، چه کسی پول و آنچه که می‌تواند برای ما مهیا سازد را دوست ندارد؟ بزرگترین دستاورد پول و ثروت، لذت لحظه‌ای و آنی آن می‌باشد اما در پایان نمی‌تواند پاسخگوی عمیق ترین نیازهای ما باشد.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۶ ژانویه آماده شوید.

خدای این جهان

پول به خدای این جهان تبدیل شده است و مادیگرایی مذهب آن می باشد. مادیگرایی یک نظام غیر طبیعی و دسیسه آمیز می باشد که امنیت موقعت و زودگذر را ارائه می دهد اما ضامن سلامت و ایمنی اخروی نیست.

مادیگرایی آنگونه که در اینجا آن را تعریف می کنیم، زمانی است که تمایل برای ثروت و داری ها مهم تر و با ارزش تر از واقعیت های روحانی می شوند. دارایی ها ممکن است ارزشمند باشند اما ارزش آنها نباید ما را اسیر خود سازند: «شخص پول دوست، هرگز از پول سیر نمی شود و کسی که طالب ثروت است، هرگز به آنچه دلش می خواهد نمی رسد» (جامعه باب ۵ آیه ۱۰). این مشکل، اشتیاق به داشتن به متاع این جهان است: مهم نیست ما چقدر بدست می آوریم، این هرگز کافی نیست؛ ما سخت تر و سخت تر برای بیشتر و بیشتر بدست آوردن چیزهایی که هرگز میتوانند ما را اقناع و خشنود کنند به خود فشار می آوریم. این یک تله است!

اول یوحنای باب ۲ آیات ۱۶ و ۱۷ را بخوانید. این آیات درباره آنچه واقعا اهمیت دارد، چه چیزی به ما می گویند؟

لوقا باب ۱۶ آیات ۲۶ تا ۳۳ را بخوانید. عیسی نیز در اینجا درباره آنچه که از اهمیت بسیار برای مسیحیان برخوردار است، چه چیزی به ما می گوید؟

شاید بتواند اینگونه گفته شود: کسانی که پول یا اشتیاق به پول برایشان به یک واقعیت همه گیر تبدیل می شود، در واقع بهای آن را حساب می کنند. «چه سود دارد که آدم تمام جهان را ببرد اما جان خود را ببازد؟» (مرقس باب ۸ آیه ۳۶).

«هنگامی که مسیح به زمین آمد، به نظر می رسید که بشریت به سرعت در حال رسیدن به پایین ترین وضعیت خود بود. پایه های اصلی جامعه تضعیف شده بودند. زندگی دروغین و تصنیعی شده بود ... تمام نظام های مذهبی، نفوذشان بر ذهن و روح را در سرتاسر جهان از دست می دادند. دروغ و کذب همه جا را نفرت انگیز کرده بود و در پی به انحطاط کشیدن اندیشه ها بود و بدین سبب بشر به خیانت و مادیگرایی روی آورد. آنها که ابدیت را از ذهن خود خارج کرده بودند، برای زمان حال زندگی می کردند.» — الن جی. وايت، 75, pp. 74,

مردم به خیانت در امانت و مادیگرایی روی آورده بودند و تنها برای زمان حال زندگی می کردند؟ این مطلب آشنا به نظر نمی رسد؟

چه کسی دوست ندارد که مالک متعاقی نباشد؟ پرسش این است: ما چگونه می توانیم بدانیم چیزهایی که مالکش هستیم، حتی اگر کم، ما را در تصرف خود ندارند؟ تنها چه کسی باید مالک ما باشد و ما چگونه می توانیم از آن اطمینان یابیم؟

۱ ژانویه

دوشنبه

پر کردن انبارها

لوقا باب ۱۲ آیات ۱۵ تا ۲۱ را بخوانید. در اینجا پیام برای ما چیست؟ چگونه ممکن است اصل موجود در اینجا در مورد کسی که لزوماً ثروتمند نمی باشد، اعمال شود؟

خواه غنی یا فقیر باشیم، اشتیاق ما برای تملک متعاق می تواند ذهنمان را از آنچه که واقعاً اهمیت دارد، دور سازد و در عوض بر آنچه که تنها موقعی و زودگذر است و مطمئناً ارزش از دست دادن زندگی ابدی را ندارد، متمرکز سازد.

ما احتمالاً امروزه هرگز در برابر یک مجسمه ساخته شده از طلا یا نقره تعظیم نخواهیم کرد و آن را پرستش نمی کنیم. با این وجود، همچنان می توانیم در خطر پرستش طلا و نقره، تنها به شکلی دیگر باشیم.

این تمثیل در بسیاری از نقاط جهان، جایی که زندگی تقریباً منحصر به بdest آوردن اموال می باشد، بسیار کاربردی است. خرده فروشان، فروختن محصولات خود را به یک هنر در سطح جهانی تبدیل نموده اند. استراتژی کلی بازاریابی آنها بر این پایه است که به اندیشه ما اینگونه القا کنند که خوشحالی یا رضایت ما زمانی خواهد بود که آنچه را که می فروشنند بدست آوریم. یک شرکت بسیار موفق محصولی تولید می کند، به اندیشه ما القا می کند که به آن نیاز داریم و آنگاه آنرا به ما می فروشد. و حقیقت این است: حقه آنها گرفت! حتی مسیحیان که امیدشان به این جهان نیست، در برابر این فریب در امان نمی باشند.

تنیه باب ۸ آیات ۱۰ تا ۱۴ را بخوانید. اعضای کلیسا به چه روش هایی ممکن است در معرض خطر تهدیدی که در اینجا نسبت به آن هشدار داده شد، قرار داشته باشند؟

چه مثال هایی از کتاب مقدس یا جهان امروزی می توانید بیابید که در آنها جمع آوری ثروت و دارایی های مادی، معنویت، محبت خدا و اشتیاق به چیزهای روحانی و ملکوتی فرد افزایش یافت؟ لطفاً پاسخ های خود را در کلاس مطرح نمایید.

۲ ژانویه

سه شنبه

جذابیت مادیگرایی

جهان تبلیغات قدرتمند است. شرکت ها برای قرار دادن تصاویر محصولاتشان در برابر ما، میلیاردها هزینه می کنند. آنها تقریباً همیشه از افراد جذاب و زیبا برای تبلیغ آنچه که می فروشنند، استفاده می کنند. ما به آن آگهی نگاه می کنیم و خود را در آن می بینیم، نه اینکه به کالا نگاه کنیم بلکه در واقع خود را مانند افرادی که در آگهی هستند می بینیم.

اگر بخاطر حیله گری ماهرانه نبود (و گاهی اوقات نه اینکه حتی زیرکانه هم بوده باشد) مادیگرایی آنچنان هم تاثیر گذار نبود چرا که شهوانیت در تار و پود تبلیغات باقته شده است. این قدرتمندترین شیوه تبلیغات است اما مانند سم برای مسیحیانی که در برابر خطرهای مادیگرایی در تقالا هستیم، که اکثر ما چنین می باشیم، عمل می کند.

متى باب ۶ آیات ۲۴ تا ۲۶ را بخوانید. بر طبق اندیشه و عمل مسیحی، چشم نشان دهنده چیست؟ ما به عنوان افراد مسیحی، چگونه باید با تصاویر زیرکانه ای که ما را به استفاده از آنچه که واقعاً نیازمند نیستیم، وسوسه می کند، عکس العمل نشان دهیم؟

تبلیغاتی که نفسانیت را به محصولات خرد فروشی اضافه می کند، می تواند به ابزاری قدرتمند تبدیل شود. خرد فروشان با ایجاد هیجان در ذهن مصرف کنندگان، محصولات خود را می فروشنند. تجربه یک خیال پردازی هوس انگیز و خالص است اما جواب می دهد. خیال پردازی مردم را گویی به یک قلمرو هستی دیگر می برد، اگر چه زودگذر است ولی می تواند تقریباً افسون کننده باشد. این تبدیل به یک مذهب دروغین می شود که هیچ دانش و حقیقت روحانی تعلیم نمی دهد و با این وجود در حال حاضر بسیار جذاب و فریبینده است که بسیاری از مردم نمی توانند در برابر آن مقاومت کنند. ما آن را می خواهیم و احساس می کیم که سزاوارش هستیم، پس چرا آن را بدست نیاوریم؟ تنها خدا می داند که چه مقادیر زیادی خرج شده است برای چیزهایی که تبلیغ کنندگان ما را متقاعد سازند که به چیزی نیاز داریم.

اما می‌گوییم به روح رفتار کنید، پس شهوات جسم را بجا نخواهید آورد» (غلطیان باب ۵ آیه ۱۶). اگر چه ما تمایل داریم بیاندیشیم که شهوات جسم تنها در مفهوم جنسی هستند، به چه روش‌های دیگری ممکن است در معرض خطر انجام این شهوات باشیم؟

۳ زانویه

چهارشنبه

عشق و علاقه به خود

«زیرا به آن فیضی که به من عطا شده است، هر یکی از شما را می‌گوییم که فکرهای بلندتر از آنچه شایسته است مکنید بلکه به اعتدال فکر نمایید، به اندازه آن بهره ایمان که خدا به هر کس قسمت فرموده است» (رومیان باب ۱۲ آیه ۳).

خدا فرمود، «دل تو از زیباییات مغدور گردید و به سبب جمالت حکمت خود را فاسد گردانیدی» (حزمیال باب ۲۸ آیه ۱۷). شیطان که بخارط زیبایی و جمالی که داشت ستاره صبح نامیده می‌شد با این اندیشه که بزرگتر از آنچیزی است که در واقع بود خود را فریب داد. هنگامی که او در دل خود گفت، «مثل حضرت اعلیٰ خواهم شد» (اشعیا باب ۱۴ آیه ۱۴)، او جاه طلبی نشان داد و حقی را مطالبه نمود که شایسته آن نبود. خود فریبی و جاه طلبی دو خصلت شیطان گمراх بودند.

این آیات درباره سقوط لوسيفر، باید به ما بگويند که در بسیاری جهات، گناه اصلی مربوط به خودشیفتگی می‌شود که در فرهنگ لغت بصورت «خود شیفتگی مفرط، عشق به خود و خود بزرگ بینی» تعریف می‌شود. چه خصوصیاتی در هر یک از افراد بشر به احاطه کشیده شده، مقیاس‌های بزرگتری در زمینه خود فریبی می‌باشند؟ با این وجود، این صفات متداول تر از آنچه تصور می‌شود، می‌باشند. نبوکدنصر با غرور فکر می‌کرد از آنچه هست، بزرگتر بود (دانیال باب ۴ آیه ۳۰). فریسیان نیز باور این هوس گمراه کننده را فرا گرفتند (لوقا باب ۱۸ آیات ۱۱ و ۱۲ را ببینید). ثروت نیز در صورت مراقب نبودن، می‌تواند به فریب ما منجر شود.

اول تیموتائوس باب ۶ آیه ۱۰ را بخوانید. پولس در اینجا در مورد چه خطری هشدار می‌دهد؟

پولس به اهالی تیموتائوس اندرز می‌دهد که از انواع مردم بد برحدزr باشند (دوم تیموتائوس باب ۳ آیات ۱ تا ۵)، از جمله «دوستداران پول». این علاقه به پول می‌تواند

اطمینان بیش از حد به خود و نگرش بزرگ نمایی خودستایی و غرور را تقویت کند. این بدین دلیل است که مادیگرایی در افرادی که دارای اموال بسیاری همراه با احساس مهم بودن می باشند، رسوخ می کند. گذشته از هر چیز، همه می خواهند ثروتمند باشند اما تنها عده کمی موفق به رسیدن به آن می شوند. از اینو فرد متمول به آسانی در منجلاب خود شیفتگی و غرور و خودستایی فرو می رود.

فیلیپیان باب ۲ آیه ۳ را بخوانید. این آیه چگونه به ما در درک اینکه چرا مادیگرایی و رفتاری که می تواند بپروراند، بسیار با کمال مطلوب مسیحی در تضاد می باشد، کمک کند؟

۴ ژانویه

پنجشنبه

عبد بودن مطلق مادیگرایی

افراد زیادی هستند که خدا را دوست دارند. هویت ایشان با هویت خدا بصورتی آمیخته شده است که دارایی های مادی نمی تواند آنها را از خدا جدا سازد.

ثنیه باب ۷ آیه ۶، اول پطرس باب ۲ آیه ۹، یوحنا باب ۱۵ آیه ۵ و غلاطیان باب ۲ آیه ۲۰ را بخوانید. متعلق به خدا بودن به چه معناست و ما هویت واقعی خود را از کجا می یابیم؟

خدا می فرماید، «من تاک هستم و شما شاخه ها ... جدا از من هیچ نمی توانید کرد» (یوحنا باب ۱۵ آیه ۵). ارتباط مستقیم و امن می باشد. «تمام اطاعت های حقیقی از قلب می آیند. در مورد مسیح کار قلب بود. و اگر ما رضایت داشته باشیم، او به همان صورت افکار و اهداف ما را با خود یکی خواهد نمود، قلب ها و ذهن های ما را مطابق با اراده خود خواهد آمیخت، که در صورت اطاعت از او ما تنها انگیزه های خود را به همراه داشته باشیم.» — الن جی. وايت، برگرفته شده از کتاب آرزوهای اعصار.

The Desire of Ages, p. 668

از سوی دیگر، مادیگرایی هویتی بما می بخشد که متراծ با دارایی هایمان است. به عبارت دیگر ما خود را بر اساس آنچه داریم و آنچه از کالاهای این جهان می توانیم بخریم، تعریف می کیم. یعقوب به ما در برابر این قضیه هشدار می دهد: «سیم و زر شما زنگ زده و زنگ آنها مدرکی علیه شمامست و مانند آتش بدن شما را خواهد سوزانید. شما حتی تا این روزهای

آخر هم به اندوختن ثروت مشغولید» (یعقوب باب ۵ آیه ۳). «اندوختن» به معنی جمع آوری و ذخیره کردن گنجینه های بسیار می باشد؛ مهمتر اینکه بسیاری در آن گنجینه ها، کم یا زیاد، هویت خود را می یابند (لوقا باب ۱۲ آیات ۱۹ تا ۲۱).

مادیگرایی نوعی اختلال هویت است. بدین معنی که برای بسیاری از ما، هویتمان با دارایی های یمان در هم آمیخته است. دارایی هایمان به بتی برای ما تبدیل می شوند (متی باب ۶ آیات ۱۹ تا ۲۱). همانطور که فردی گفت، «من بدون وسائل هیچ هستم». چقدر غم انگیز که ما تنها می توانیم از طریق دارایی های زمینی مان، خود را تعریف نماییم. چه شیوه زندگی سطحی، زودگذر و در نهایت باطل بودن، بویژه برای کسی که ادعای مسیحی بودن دارد. آیا ما با خدا یا با دارایی هایمان شناسایی می شویم؟ در نهایت، یکی از این دو خواهد بود.

چه میزان از هویت شما به دارایی هایتان مربوط می شود؟

جمعه

۵ ژانویه

مطالعه بیشتر: «امروزه دشمن، جان ها را بسیار ارزان می خرد. جمله «شما خود را بیهوده فروختید»، نص کلام است. یکی جان خود را برای تحسین جهان می فروشد و دیگری برای پول؛ یکی برپایه هوس ها خشنود است و دیگری برای سرگرمی های دنیوی. چنین معاملاتی روزانه انجام می شوند. شیطان برای خرید خون مسیح مناقصه می کند و آنها را علی رغم بهای بی نهایتی که برای آزادیشان پرداخت شده است ارزان می خرد.» — الن جی. وايت، شهادتهایی برای کلیسا، Testimonies for the Church, vol. 5, p. 133 خرید جان ها از طریق مادیگرایی، هدف شیطان است و دام های ظاهری هر قلبی را جذب می کنند. مادیگرایی نمی تواند سخن بگوید اما همه زبان ها را می داند. مادیگرایی می داند چگونه لذت و خشنودی را برای ثروتند و فقیر فراهم کند و باعث شود آنها بگویند، «من همه آنچه که لازم دارم را در اینجا دارا هستم؛ چرا نگران چیز دیگری باشم؟» از این رو، مادیگرایی ذهن را فاسد می کند؛ باعث می شود مردم بجای اطمینان به خدا، با آنچه دارند اعتماد کنند. با این وجود خداوند متعال می فرماید، پادزهر «نه به قدرت و نه به قوت بلکه به روح من» است (زکریا باب ۴ آیه ۶)، زمانی که ما خود را تسليم خدا می کنیم و مصمم می شویم مادیگرایی نمی تواند در برابر کنترل روح القدس تاب بیاورد و با فیض او نباید اجازه بدھیم که مادیگرایی زندگی ما را اداره کند.

سوالاتی برای بحث

۱. ما حتی در صورت فقیر بودن و نداشتن دارایی های بسیار، به چه روش هایی همچنان می توانیم در معرض خطراتی که در این هفته به آنها پرداختیم، قرار داشته باشیم؟
۲. برخی از مردم می گویند، «من به پول اهمیت نمی دهم. پول برای من معنایی ندارد.» (اغلب، کسی که چنین حرفی می زند، پول زیادی دارد). چرا در اکثر موارد، این اصلاً درست نیست؟ امور مالی مهم هستند؛ و نقشی در زندگی ما دارند. سؤال این است: ما چگونه می توانیم پول و نیازمان به آن را در چشم انداز درست مطابق کتاب مقدس قرار دهیم؟
۳. «بطور انسان، به سبب ضعف جسم شما سخن می گوییم، زیرا همچنان که اعضای خود را بندگی نجاست و گناه برای گناه سپردید، همچنین الان نیز اعضای خود را به بندگی عدالت برای قدوسیت بسپارید. زیرا هنگامی که غلامان گناه می بودید از عدالت آزاد می بودید. پس آن وقت چه ثمر داشتید از آن کارهایی که الان از آنها شرمنده اید که انجام آنها موت است؟» (متی باب ۶ آیات ۱۹ تا ۲۱). آنچه عیسی در اینجا به ما می گوید را بدقت بخوانید. چگونه آنچه او به ما می گوید، روشنی قدرتمند برای محافظت از ما در برابر خطرات مادیگرایی می باشد؟



مورمور شدن برای خدا

توسط اندرو مک‌چسنی، تبلیغ دینی ادونتیست

صفن کرامت که یک راننده کامیون است مور مور شدن را دوست دارد. او وقتی که به موعظه ای گوش می دهد دستانش مور مور می شود. این اتفاق در حین دعا و زمانی که درباره دلدادگی تازه اش به عیسی می گوید، رخ می دهد. کرامت در مصحابه ای در دانشگاه کارائیب جنوبی، یک مؤسسه آموزشی وابسته به ادونتیست روز هفتم در جزیره ترینیداد و توباگو با نشان دادن بازوی برهنه خود، گفت: «من واقعاً حضور خدا را در اینجا احساس می کنم.» موب بر روی پوست تیره اش راست شده بود.

او گفت، «وقتی از خدا صحبت می کنیم، این اتفاق همیشه برای من می افتد. من این را نشانه ای از اینکه تنها نیستم، می دانم.»

کرامت در بخش زیادی از عمر ۵۳ ساله خود احساس تنهایی کرده است. او تنها فرزند خانواده بود و مادرش وقتی او جوان بود، از دنیا رفت. او توسط پدری دائم الخمر در اجتماعی مسلمان در ترینیداد بزرگ شد.

کرامت گفت، «پدرم همیشه مست بود، پس من باید وقتی او به خانه می آمد از دستش فرار می کردم. تنها به خودم تکیه می کردم.»

کرامت به طور مرتب همراه با دیگر کودکان در مراسم مسجد محل شرکت می کرد. پس از ازدواج، او و همسرش به دین هندو گرویده و هشت بچه را بزرگ کردند که همه آنها در کلیسای کاتولیک رم مسیحی شدند.

اما کرامت همچنان احساس تنهایی می کرد. چنانچه به دنبال راه بهتری بود، ماری جوانا را ترک کرد. چند سال بعد سیگار را ترک نمود و زمانی پس از آن، خوردن مشروبات الکلی را کنار گذاشت.

این زمان بود که مور مور شدنها شروع شد. کرامت پس اینکه از طریق کلاس کتاب مقدس کودکان که دانشگاه به کودکان محله ارائه می داد، به جلسات بشارتی دعوت شد، شرکت در آنها را شروع کرد. فرزندان کرامت در کلاس های هفتگی که توسط استادان دانشگاه تدریس می شد، شرکت می کردند.

کرامت گفت، «انجیل به روش بسیار واضحی اعلام می‌شد و پس از ۵۰ سال من خداوند را برای اولین بار ملاقات کردم.»

کرامت و سه فرزندش به سالین ۱۲، ۱۴ و ۱۶ تعمید داده شدند. از او در پاسخ به این پرسش که اگر مورمور شدن‌ها تمام شود، آیا احساس خواهد کرد که خدا او را ترک کرده است، توضیح داد: «نه! هرگز! او گفت که در واقع مور شدن را نشانه‌ای از اینکه تنها نیست، می‌داند. او گفت، «خدا با من است.»

بخشی از هدایای سبیت سیزدهم این فصل به کلیسای دانشگاه کارائیب جنوبی فرستاده خواهد شد تا این دانشگاه بتواند برنامه‌های بشارتی خود از جمله کلاس هفتگی کتاب مقدس کودکان که منجر به تعمید کرامت (در چپ) و فرزندانش شد را گسترش دهد.

می بینم، می خواهم، می گیرم



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: دوم قرنتیان باب ۸ آیات ۱ تا ۷؛ متی باب ۱۳ آیات ۳ تا ۷، ۷ پیدایش باب ۳ آیات ۱ تا ۶؛ اشعیا باب ۵۶ آیه ۱۱؛ متی باب ۲۶ آیات ۱۴ تا ۱۶؛ دوم پطرس باب ۱ آیات ۵ تا ۹.

آیه حفظی: «دانه‌ای که به داخل خارها افتاد مانند کسی است که پیام را می‌شنود اما نگرانی‌های زندگی و عشق به پول آن پیام را خفه می‌کند و ثمر نمی‌آورد» (متی باب ۱۳ آیه ۲۲).

علاقه به پول و دارایی‌های مادی می‌تواند از زوایای بسیار گوناگونی ما را مجدوب خود کند. الن جی. واابت اقدام شیطان برای تطمیع ما را از طریق خدجه های مادیگرایی تشریح می‌کند. «برو، صاحبان زمین و پول را برای دلواپسی های این زندگی به مستی بکشان. جهان را در برابر ایشان به جذاب ترین حالتش ارائه کن تا آنها ثروت خود را در اینجا انباسته کنند و علاقه خود را بر روی چیزهای زمینی متمرکز کنند. ما باید منتها تلاش خود را بکنیم تا مانع بشویم کسانی که در راه خدا کوشش می‌کنند نتوانند به مالی دست یابند که آنرا بر علیه ما بکار ببرند. پول را در سطح و مقام خود نگاه داریم. آنها هر چه مال و اموال بیشتری بدست آورند، با بیرون آوردن زیردستان ما از زیر یوغ ما به حکمرانی ما لطمه بیشتری می‌زنند. کاری کن آنها بیشتر نگران پول باشند تا اینکه ملکوت مسیح را بنا کنند و حقایقی را که ما از آن تنفر داریم منتشر کنند، و ما نباید از نفوذ آنها هراس داشته باشیم؛ زیرا ما می‌دانیم که هر فرد خودخواه و طمع کاری، زیر یوغ ما خواهد آمد و در نهایت از قوم خدا خواهد شد.» —

Counsels on Stewardship, pp. 154, 155

متأسفانه، به نظر می‌رسد که این اقدام شرم آور کار خود را خواهد کرد. پس بیایید به این خطرات و آنچه کلام خدا به منظور اجتناب از این دام‌های روحانی به ما می‌گوید، نگاهی بیاندازیم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۳ ژانویه آماده شوید.

۷ ژانویه

یکشنبه

کامیابی انجیل

یک واعظ محبوب تلویزیونی، پیامی ساده دارد: خدا می‌خواهد به شما برکت بدهد، و گواه برکتش فراوانی دارایی‌های مادی شماست. به عبارت دیگر اگر شما وفادار باشید، خدا شما را ثرومند می‌سازد.

این اندیشه یا انواع دیگر آن، کامیابی انجیل نامیده شده است: از خدا پیروی کنید و او در دارایی‌های دنیوی، شما را ثرومند خواهد کرد. این اندیشه چیزی جز توجیه مذهبی دروغین برای مادیگرایی نیست، زیرا آنچه در واقع می‌گوید این است، آیا می‌خواهید مادیگرا باشید و درباره آن احساس خوبی داشته باشید؟ خوب، ما برایتان «انجیل» را داریم.

با این وجود، ارتباط دادن انجیل به ثروت تضمین شده یک راهنمایی گمراх کننده می‌باشد. این باور در مورد کتاب مقدس ناهنجاری ایجاد می‌کند و یک الهیات‌شناسی خود محور را انعکاس می‌دهد که چیزی بیشتر از نیمی از حقیقت پوشیده شده به زبان کتاب مقدس نمی‌باشد. مسئله موجود در هسته گناه، در مرکزیت این دروغ قرار دارد و این نفس و تمایل به راضی نمودن نفس است که مافوق هر چیز قرار دارد.

الهیات‌شناسی کامیابی بواسطه انجیل چنین تعلیم می‌دهد که در بخشیدن به خدا، ما در عوض ثروتی تضمین شده بدست می‌آوریم. اما این خدا را به یک دستگاه فروش اتوماتیک تبدیل می‌سازد و رابطه مان با او را به تنها یک معامله مبدل می‌سازد: من این کار را انجام می‌دهم و تو قول می‌دهی در عوض آن کار را انجام بدھی. ما می‌بخشیم، نه به این دلیل که کار درستی است بلکه به منظور آنچه که در عوض بدست می‌آوریم، این کار را انجام می‌دهیم.

این کامیابی بواسطه انجیل است.

دوم قرنتیان باب ۸ آیات ۱ تا ۷ را بخوانید. در اینجا چه اتفاقی می‌افتد؟ ما چه اصولی در این آیات می‌بینیم که بر خلاف ایده کامیابی بواسطه انجیل می‌باشد؟ پولس از صحبت کردن در مورد «فیض بخشیدن» در (دوم قرنتیان باب ۸ آیه ۷)، چه منظوری دارد؟

این مردم اگر چه در «فقر شدید» بودند (دوم قرنیان باب ۸ آیه ۲)، با این وجود بسیار سخاوند بودند و بیشتر از آنچه استطاعت داشتند، می بخشیدند. آیاتی مانند این و بسیاری دیگر، به تکذیب الهیات شناسی دروغین کامیابی بواسطه انجیل که چنین می آموزند که در صورت داشتن زندگی درست با خدا، دارایی های مادی بسیاری در عوض آن خواهید داشت، کمک می کنند.

چه نمونه هایی می توانید از کسانی که به خدا وفادارند اما در دارایی های دنیوی غنی نیستند و کسانی که به خدا وفادار نی باشند اما در دارایی های دنیوی ثروتمند هستند، بیابید؟ این درباره استفاده از ثروت به عنوان مقیاس نعمات خدا چه چیزی باید به ما بگوید؟

۸ ژانویه

دوشنبه

تاریخ روحانی

ما به کتاب مقدس نیاز نداریم که یک حقیقت آشکار را به ما بیاموزد: علایق و ثروت های این جهان گذرا هستند. هیچ چیز در اینجا ماندنی و مطمئناً برای مدت طولانی نیست. همانطور که پولس گفت: «ما به چیزهای نادیدنی چشم دوخته ایم نه به چیزهای دیدنی، زیرا آنچه به چشم می آید موقتی است، ولی چیزهای نادیدنی تا ابد دوام دارند» (دوم قرنیان باب ۴ آیه ۱۸). مسیحیان وقتی نسبت به دلبستگی های این جهان چشم می دوزند نزدیک بین میشوند در عوض اینکه دور بینی و دور اندیشه پیشه کنند و به راه ملکوت خیره شوند. و چیزهای کمی میتواند چشمان آنانرا نسبت به آن راه نایین کند، بیش از اغواگریهای مال و ثروت. هلن کلر که نایینا بود، چنین گفت: «رقت انگیز ترین فرد در این جهان کسی است که بیناست اما دید ندارد.» کتاب مقدس مملو از نمونه هایی از کسانی می باشد که می توانستند بینند اما در واقع از نظر روحانی کور بودند.

«برخی این جهان را چنان دوست دارند که علاقه خود به حقیقت را فراموش می کنند. همچنانکه ثروتشان در اینجا افزایش می یابد، علاقه آنها به گنجینه آسمانی کم می شود. آنها هر چه بیشتر از دارایی های این جهان بدست می آورند، بیشتر آنها را در آغوش می گیرند تا مبادا ثروتی که با طمع به آن چسیده اند از ایشان گرفته شود. هر چه بیشتر دارایی بدست می آورند، بخشش ایشان نسبت به دیگران کاهش می یابد، زیرا هر چه بیشتر دارند، احساس فرق بیشتری می کنند. وای که چقدر ثروت فریبینده است! آنها نیازهای راه خدا را نمی بینند و احساس نمی کنند.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Spiritual Gifts*, vol. 2, p. 267

تاریخی روحانی، نجات ابدی را به خطر می‌اندازد. تنها در مدنظر قرار دادن عیسی کافی نیست؛ بلکه باید بر او تمرکز کنیم.

متى باب ۱۳ آيات ۳ تا ۷ و ۲۲ را بخوانید. عیسی در اینجا نسبت به چه چیزی هشدار می‌دهد؟ چرا افتادن در این دام برای همه، فقیر و ثرومند آسان می‌باشد؟

نخست، عیسی در خصوص «دلبستگیهای این جهان» (متى باب ۱۳ آیه ۲۲) به ما هشدار می‌دهد. عیسی نسبت به همه دلبستگی‌های ما آگاه است از جمله علائق مالی. فقیران نگرانند که به اندازه کافی ندارند؛ ثرومندان نگران چه چیزهای بیشتری هستند. مانها باید اطمینان یابیم که در زندگی ما، چنین دلبستگیهایی مانند علفهای هرز، «کلام را خفه نکنند» (متى باب ۱۳ آیه ۲۲).

دوم، عیسی به ما نسبت به «اغواگریهای مال و ثروت» در (متى باب ۱۳ آیه ۲۲) هشدار می‌دهد. اگر چه مال و ثروت به خودی خود شیطانی نیست، اما همچنان قدرت دارد که ما را به گونه‌ای که به نابودی ابدی منتهی خواهد شد، منحرف کند.

شما در زندگی خود به چه روش‌هایی می‌توانید «اغواگریهای مال و ثروت» را بینید؟
شما چه گامهای عملی می‌توانید بردارید که خود را در برابر این فریب محافظت نمایید؟

۹ ژانویه

سه شنبه

مراحل طمع ورزی

طمع مانند همه گناهان، از دل یا [فکر] شروع می‌شود. در درون ما آغاز می‌شود و سپس در بیرون عمل می‌کند. این چیزی است که در عذر اتفاق افتاد.

پیدایش باب ۳ آیات ۱ تا ۶ را بخوانید. شیطان برای فریب حوا به گناه چه کاری انجام داد؟ او چگونه از همان اصول در طی قرن‌ها برای فریب ما استفاده کرده است؟

«زن نگاه کرد و دید آن درخت بسیار زیبا و میوه آن برای خوردن خوب است. همچنین فکر کرد چقدر خوب است که دانا بشود. بنابراین از میوه آن درخت کند و خورد. همچنین به شوهر خود نیز داد و او هم خورد» (پیدایش باب ۳ آیه ۶).

اگر کسی آگاهی کافی نداشته باشد، ممکن است فکر کند صنعت تبلیغات الگوی خود را برای فروش محصولاتش از داستان عدن گرفته است. شیطان میوه منوعه را به گونه‌ای عرضه کرد که در حوا تمایلی برای خواستن بیشتر از آنچه قبلاً داشت، ایجاد کند و کاری کرد که فکر کند به چیزی نیاز دارد که در واقع چنین نبود. چقدر هوشمندانه! سقوط او نمایشی از سه مرحله‌ای است که هر کدام از ما در زمان سقوط در طمع، طی می‌کنیم: می‌بینم، می‌خواهم، می‌گیرم.

البته طمع می‌تواند گناهی در سکوت تلقی شود. مانند هوس، پشت پرده جسم ما پنهان می‌باشد. اما زمانی که در نهایت ژمره آن نمایان می‌شود، می‌تواند ویرانگر باشد. می‌تواند به روابط آسیب برساند، بر روی عزیزانタン زخم بجا بگذارد، و سپس ما را با احساس گناه له کند.

اگر اجازه دهید طمع ظاهر شود، هر اصلی را زیر پا خواهد گذاشت. اخاب پادشاه، تاکستان نابت را دید، آن را خواست و تا زمانی که ملکه اش نابت را به قتل رسانید اخم بر چهره داشت (اول پادشاهان باب ۲۱). عخان وقتی یک جامه و پول را دید، نتوانست مقاومت کند، پس طمع کرد و آنها را گرفت (یوشع باب ۷ آیات ۲۰ تا ۲۲). طمع در نهایت شکل دیگری از خودخواهی است.

«اگر خودخواهی با شکلی از گناه سلطه یابد، طمع ممکن است به عنوان شکلی از خودپسندی مسلط و چیره شود. این مطلب توسط پولس رسول بطور کامل بیان شد وقتی که او زمان‌های سخت [دوم تیموتائوس باب ۳ آیه ۱] ارتداد نهایی را توصیف می‌کند، او خودخواهی را به عنوان یک ریشه بارور از همه شرارت‌هایی شرح می‌دهد که بعداً شایع خواهند شد و طمع را به عنوان ژمره نخست آن بیان می‌کند. زیرا مردمان خود پرست و طماع خواهند بود [دوم تیموتائوس باب ۳ آیه ۲].»— جان هریس، John Harris، *Mammon*, (New York: Lane & Scott, 1849) p. 52

چرا تشخیص هر گونه تمایل به طمع در خودمان مهم می‌باشد؟

۱۰ ژانویه

چهارشنبه

طعم — رسیدن به اغراض به شیوه‌های فردی

اشعیا باب ۵۶ آیه ۱۱ را بخوانید. آین این نسبت به چه گناهی هشدار می‌دهد؟

طمع برای ما به عنوان موجوداتی سقوط کرده، می‌تواند به آسانی نفس کشیدن باشد. و همچنین به همان اندازه طبیعی باشد. با این وجود، تصور چیزی به غیر از طمع که کمترین انعکاس از شخصیت مسیح در شخصیت بشر باشد، دشوار است. «زیرا که فیض خداوند ما عیسی مسیح را می‌دانید که هر چند دولتمند بود، برای شما فقیر شد تا شما از فقر او دولتمند شوید» (دوم قرنتیان باب ۸ آیه ۹).

تنها خداوند آسیبی را که طمع در طول تاریخ بوجود آورده است، می‌شناسد. طمع به جنگ‌ها منتهی شده است. طمع باعث شده است که مردم جرایمی مرتکب شوند که باعث نابودی خود و خانواده ایشان شد. طمع می‌تواند مانند ویروسی باشد که محکم به میزبانش می‌چسبد و فضیلت را از فرد تخلیه نموده تا زمانی که چیزی جز طباعی بیشتر باقی نماند. طمع یک بیماری است که همه چیز را می‌خواهد: هوس، قدرت و تملک. بار دیگر: می‌بینم، می‌خواهم، می‌گیرم.

متى باب ۲۶ آيات ۱۴ تا ۱۶ را بخوانید. ما از این روایت غم انگيز، درباره قدرت طمع چه چیزی می‌توانیم بیاموزیم؟

به سخنان یهودا توجه کنید: «مرا چند خواهید داد تا او را به شما تسلیم کنم؟» (متى باب ۲۶ آیه ۱۵). بحث در مورد اجازه دادن به طمع برای برتری جستن بر هر چیز دیگری می‌باشد! یهودا مانند عده معدودی در تاریخ، از امتیازی خاص بر خوردار بود: او با عیسای تجسم یافته زندگی کرد، شاهد معجزات او بود و موعظات او از کلام زندگی را شنید. و با این وجود — بینید که حرص و طمع او را به انجام چه کاری سوق داد.

«نجات دهنده چگونه به نرمی با او که قرار بود به وی خیانت کند، رفتار نمود! عیسی در تعالیمش، بر اصول خیرخواهی که در ریشه طمع از بین می‌روند تمرکز نمود. او در برابر یهودا، خصوصیات زشت طمع را نمایان ساخت و در بسیاری از زمان‌ها این شاگرد متوجه شد که این شخصیت او بود که به تصویر کشیده شد و به گناهش اشاره شد؛ اما او اعتراض نکرد و نا عدالتی را رها نکرد.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *The Desire of Ages*, p. 295

در صورت مراقب نبودن، چه کسی هست که کمی طمع را در خصوصیات خود نشان ندهد؟ ما از طریق فیض خدا، چگونه می‌توانیم این تمایل طبیعی را تحت کنترل داشته باشیم؟

کنترل نفس

آیات زیر را بخوانید. این آیات چه چیزی می‌گویند که می‌تواند و باید در درک اینکه مردم، فقیر یا ثرومند، چگونه می‌توانند از خود در برابر خطراتی که طمع، حرص و عشق به پول و مادیات موجود در برابر مسیحیان محافظت نمایند، کمک کند؟

اعمال رسولان باب ۲۴ آیات ۲۶ تا ۲۶

غلاطیان باب ۵ آیات ۲۲ تا ۲۵

دوم پطرس باب ۱ آیات ۵ تا ۹

این آیات بسیار غنی و مملو از دستورات الهی در مورد نحوه زندگی برای ما می‌باشند. اما به یک موضوع مشترک توجه کنید: کنترل نفس. این صفت بطور خاص در رابطه با طمع، حرص و تمایل به مالکیت چیزها، می‌تواند دشوار باشد. تنها از طریق کنترل نفس، اول افکارمان و سپس اعمالمان، می‌توانیم در برابر خطرات چیزهایی که درباره آنها صحبت کردیم، محافظت شویم.

ما تنها به میزانی که خود را به قدرت خداوند می‌سپاریم، می‌توانیم این کنترل را داشته باشیم. هیچ کدام از ما به خودی خود، نمی‌توانیم این ویژگی های گناه آلود را شکست دهیم، بویژه اگر آنها برای مدت طولانی پرورش یافته و مورد توجه قرار گرفته باشند. ما واقعاً به کار مأموراء طبیعی روح القدس در زندگیمان برای غلبه بر این فریب های قدرتمند نیاز داریم. «وسوسه هایی که شما با آن روبرو می‌شوید، وسوسه هایی است که برای تمام مردم پیش می‌آید، اما خدا به وعده های خود وفا می‌کند و نمی‌گذارد شما بیش از حد توانایی خود وسوسه شوید. همراه با هر وسوسه ای خداوند راهی هم برای فرار از آن فراهم می‌کند تا بتوانید در مقابل آن پایداری کنید» (اول قرنتیان باب ۱۰ آیه ۱۳).

بار دیگر دوم پطرس باب ۱ آیات ۵ تا ۹ را بخوانید. پطرس به چه راهی اشاره می‌کند؟ مراحل آن چیست و چگونه می‌توانیم بیاموزیم که از آنها پیروی کنیم، بویژه در مبارزه خود علیه حرص و طمع؟

مطالعه بیشتر: هدف نهایی انسان خوشحالی و رضایت است. اما خشنود نمودن خود از طریق مادیگرایی منجر به رسیدن به این هدف نخواهد شد. مردم در اعماق وجودشان می‌دانند که این درست است و با این وجود به سواسشان در مورد دارایی‌ها ادامه می‌دهند: می‌بینم، می‌خواهم، می‌گیرم. چه چیزی می‌تواند از این ساده تر باشد؟ ادونتیست‌های روز هفتم مانند سایرین، با سوسوه جذب شدن به ارزش‌های مادی روبرو هستند. با این حال ادامه مالکیت اشیاء، خوشحالی، رضایت و یا قناعت به همراه نخواهد داشت. در عوض مشکلاتی بوجود می‌آورد، همانظور که حاکم جوان ثرومند روی گردانده از عیسیٰ نازاخت، دلسرد و دل شکسته بود زیرا آنچه که می‌خواست را نشنید و دریافت نکرد. «ارزش‌های مادی با تضعیف فرآگیر رفاه مردم، از رضایت و شادی کم زندگی تا افسردگی و اضطراب و مشکلات جسمی مانند سردرد، اختلالات شخصیتی، خودشیفتگی و رفتار ضد اجتماعی در ارتباط است.» تیم کاسر – Tim Kasser, *The High Price of Materialism* (Cambridge, Mass.: The MIT Press, 2002), p. 22 به عبارت دیگر مسیحیان مادیگرا با افتخار از چاه ثروت می‌نوشند اما از نظر روحانی تشنه اند. اما ما هرگز از نوشیدن آبی که مسیح می‌دهد، احساس تشنگی نخواهیم کرد (یوحننا باب ۴ آیه ۱۶).

سؤالاتی برای بحث

۱. در مورد ایده کامیابی بواسطه انجیل بیشتر بیاندیشید. کسانی که این اندیشه را باور دارند، برای ترویجش از چه آیاتی ممکن است استفاده کنند. در عین حال، شما چه نمونه‌هایی از مردمی که زندگیشان این آموزه غلط را تکذیب می‌کند، در کتاب مقدس می‌توانید بیابید؟
۲. مردی زمانی که اولین فرزندش چند سال سن داشت گفت: «من دو حقیقت مهم کتاب مقدس را از این کودک آموخته ام. نخست، اینکه ما گناهکار بدنیا می‌آییم. دوم، اینکه ما حریص بدنیا می‌آییم.» چه کسی می‌تواند روایاتی در مورد اینکه چگونه حتی کودکان می‌توانند طبیعت طمع کار بشر را آشکار سازند، بیان کند؟ این درباره نیاز به فیض الهی چه چیزی به ما می‌گوید؟
۳. سی نوشت، «اگر ما بدنبال منبع مشکلاتمان می‌گردیم، نباید مردم را برای مواد مخدر آزمایش کنیم – ما باید آنها را برای حماقت، نادانی، طمع و عشق به قدرت بیازماییم.» چه چیزی در مورد طمع وجود دارد که نه تنها برای فرد طمع کار بلکه برای اطرافیانش نیز بسیار مخرب است؟ چه نمونه‌هایی از اینکه طمع آسیب‌های وحشتناکی به افراد گرفتار در آن رسانده است، می‌شناسید؟

دعا برای خانواده هندی

توسط اندرو مکچسن، تبلیغ دینی ادونتیست

آرپیتا بوسله، دانشآموز ۱۴ ساله در مدرسه ادونتیست روز هفتم در غرب هند، زمانی که کامیونی از پشت به ارباب پدرس اصابت نمود، او را از دست داد. شدت تصادف باعث شد پدرس، روانا صاحب بوسله به داخل مسیر جلوی دو گاو پرتاپ شود و با خودرویی دیگر برخورد کند.

هراس و شوک ایجاد شده از مرگ وی باعث شد مادرش که کر و لال است، پیش از موعد وضع حمل کند. آرپیتا بوسله یک ماه زود به دنیا آمد.

بوسله در مصاحبه‌ای در مدرسه ادونتیست روز هفتم آلات واقع در ۳۰ کیلومتری کولاپور، شهری شلوغ با جمعیت بیش از ۱ میلیون نفر، گفت، «اما خدا توانست از مرگ پدرم برای هدایت مادرم به سوی عیسی استفاده کند.» بوسله نخستین ماه‌های زندگی خود را با مادرش، آکاتای در بیمارستان سپری کرد. هم او و هم مادرش ناتوان بودند. این وضعیت خطرناک باعث نگرانی دایی او، ساتیش که روزانه در بیمارستان به ملاقات آنها می‌رفت، شد.

یک روز شنبه وقتی که ساتیش برای تشویق خواهرش به بیمارستان رسید، غریب‌های را دید که به کنار همه تخت‌ها رفته و با مریض‌ها دعا می‌کند. ساتیش با کنجکاوی به آن مرد نزدیک شد و متوجه شد که او یک شبان ادونتیست بود.

بوسله گفت، «دایی من هندو بود. اما برای کمک به مادرم درمانده بود، بنابراین از شبان خواست که برای او دعا کند.»

شبان برای مادر و بچه دعا کرد. ساتیش با استفاده از زبان اشاره، سخنان شبان را برای خواهرش ترجمه کرد.

چنانچه شبان به طور مرتباً مادر و نوزاد بازدید نمود، حال آن‌ها شروع به بھبودی نمود. بوسله گفت که ساتیش شگفت‌زده از شبان در مورد ایمانش پرسید. پس از چند ما مطالعه کتاب مقدس، ساتیش و خواهرش عیسی را پذیرفتند. مادر، دختر خود را وقف خدا نمود و از زمانی که شروع به حرف زدن کرد، به او آموخت که هر روز ساعت ۷ عصر دعا کند.

بوسله گفت، «هر روز در ساعت ۷ عصر من بی‌توجه به جایی که هستم، دستانم را برای دعا به هم می‌گیرم. تا جایی که یاد می‌آید من این کار را انجام می‌دادم.» او اکنون دانشآموز کلاس هفتم مدرسه شبانه‌روزی آلات ادونتیست است که بودجه برای ساختن ساختمان جدید کلاس‌هایش را از هدایای سبт سیزدهم در فصل سوم ۲۰۱۷ دریافت نمود.

بوسله خود در سن ۱۳ سالگی تعمید داده شد.

بوسله گفت، «من تصمیم گرفتم تعمید ببینم زیرا دیده‌ام که عیسی چگونه خانواده من را از طریق کلیسای ادونتیست روز هفتم برکت داده است. من می‌خواهم بدلیل داستان زندگی مادرم از عیسی پیروی کنم. من تمام کارهایی که عیسی برای او انجام داده است را دیده‌ام.»

آرپیتا بوسله، دانشآموز ۱۴ ساله یک مدرسه ادونتیست در غرب هند.

خدا یا ثروت



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: مزمیر باب ۳۳ آیات ۶ تا ۹؛ متی باب ۱۹ آیات ۱۶ تا ۲۲؛ اول پطرس باب ۱ آیه ۱۸؛ عبرانیان باب ۲ آیات ۱۴ و ۱۵؛ خروج باب ۹ آیه ۱۴؛ مزمیر باب ۵۰ آیه ۱۰.

آیه حفظی: «از این جهت خدا او را بسیار سرافراز نمود و نامی را که بالاتر از جمیع نامهایست به او عطا فرمود. تا اینکه همه موجودات در آسمان و روی زمین و زیر زمین با شنیدن نام عیسی به زانو در آیند و همه برای جلال خدای پدر، با زبان خود اعتراض کنند که عیسی مسیح، خداوند است» (فیلیپیان باب ۲ آیات ۹ تا ۱۱).

خدا برای توضیح دیدگاه خود در مورد علاقه بیش از حد برای پول و مادیات، حرفی را از قلم نمی اندازد. سخنان مسیح به مرد ثروتمند حریص که اگر چه توسط خدا برکت داده شد، هر آنچه را که داشت، اندوخت و احتکار کرد، باید ما را از خدا بترساند: «ای احمق در همین شب جان تو را از تو خواهند گرفت؛ آنگاه آنچه اندوخته ای، از آن که خواهد بود؟ همچنین است هر کسی که برای خود ذخیره کند و برای خدا دولتمند نباشد» (لوقا باب ۱۲ آیات ۲۰ و ۲۱).

خدمت به خدا و خدمت به پول اقداماتی هستند که با هم در تقابل بوده و با یکدیگر وفاق و همخوانی ندارند. یکی یا دیگری، خدا یا ثروت. اینکه فکر کنیم می توانیم هر دو را داشته باشیم، خیالی باطل است زیرا داشتن یک زندگی دو جانبی دیر یا زود گریبان ما را خواهد گرفت. ما ممکن است دیگران یا حتی خودمان را فریب بدھیم، اما نمی توانیم خدا را که روزی باید در برابرش پاسخگو باشیم، فریب دهیم. ما باید یک انتخاب بکنیم و هر چه بیشتر درنگ کنیم، بهانه بیاوریم یا آن را به تعویق بیاندازیم، پول و عشق به آن بیشتر به جان ما سنجینی و خطور خواهد کرد. ایمان تصمیم گیری را می طلبد.

آنچه باید تصمیم گیری ما را بسیار آسان تر کند، مرکز بر خداست، آنچه برای ما انجام داده است و آنچه ما به او مدبون هستیم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۰ ژانویه آماده شوید.

۱۴ ژانویه

یکشنبه

مسیح، خالق

پیدایش باب ۱ آیه ۱، مزمیر باب ۳۳ آیات ۶ تا ۹، اشیاعا باب ۴۵ آیات ۱۱ و ۱۲، ارمیا باب ۵۱ آیه ۱۵ و یوحنا باب ۱ آیه ۳ را بخوانید. این آیات درباره خوبی جهان مادی چه چیزی به ما می گویند؟

«این مسیح بود که پنه آسمانها را گسترد و شالوده های زمین را بنیان نهاد. دست او بود که عالم گیتی را چون آویزه ای در فضا قرار داد و گل های دشت ها را مزین نمود. کوه ها را به قدرت خود مستحکم ساخت.»، دریا از آن اوست، او آن را بساخت. مزمیر باب ۶۵ آیه ۶؛ باب ۹۵ آیه ۵. او بود که زمین را از زیبایی و هوا را از ترانه پر نمود. و او بر همه چیز در زمین، هوا و آسمان پیام محبت پدر را نوشت.» — الن جی. وايت،
Ellen G. White, The Desire of Ages, p. 20

گذشته از هر چیز، چیزهای مادی، فی نفسه بد نیستند. برخلاف برخی از ادیان که چنین تعلیم می دهند که جهان مادی و خود ماده بد یا شیطانی هستند و تنها چیزهای روحانی خوب می باشند، کتاب مقدس برای جهان مادی ارزش قائل است. گذشته از هر چیز، عیسی خود آن را خلق نمود. پس چگونه می تواند بد باشد؟ متأسفانه، مانند تمام موهبت های خدا، می تواند منحرف و برای مقاصد اهربینانه مورد استفاده قرار گیرد، اما عطیه اصلی را بد نمی کند. کتاب مقدس نسبت به سوء استفاده و انحراف از چیزهایی که خدا در این جهان خلق کرده است، هشدار می دهد، اما نه از خود آنها. در مقابل، خدا جهان مادی را خلق نمود و می خواست که قومش از ثمره و مزایای این جهان نیز بهره ببرند: «و تو با لاوی و غریبی که در میان تو باشد از تمامی نیکویی که یهود، خدایت، به تو و خاندانت بخشیده است، شادی خواهی نمود» (تشنیه باب ۲۶ آیه ۱۱؛ تشنیه باب ۱۶ آیه ۲۶ را نیز ببینید).

عیسی خالق است (یوحنا باب ۱ آیات ۱ تا ۳)، و زمین یک نمونه آشکار از آنچه خلق نموده است، می باشد.

توانایی خالق او، دیدگاهی منحصر بفرد نسبت به زندگی و کسانی که در آن هستند، به او می دهد. او ارزش چیزهای مادی را می داند، و می داند که برای نفع و حتی خوشی

و سرور، آنها را به ما داد. او همچنین می‌داند در صورتی که بشر از آن موهبت‌ها سوء استفاده کند و یا حتی آنها را به یک مقصود تبدیل نماید، چه اتفاقی می‌افتد، درست مانند همه چیزها که باید برای جلال خدا استفاده شوند.

به اطراف به نعمات باور نکردنی این جهان خلق شده بنگرید. حتی پس از نابسامانی‌های گناه، ما همچنان می‌توانیم ذات خوب را در بسیاری از بخش‌های آن ببینیم. جهان خلق شده در خوبی اش چه چیزی درباره خوبی خالقش به ما می‌گوید؟

۱۵ ژانویه

دوشنبه

پسر خدا / پسر انسان

بعنوان افرادی مسیحی باور داریم که عیسی، هم خصوصیاتی کاملاً خدایی و هم کاملاً انسانی داشت. این وحدت الهی و بشری، بُعدی منحصر بفرد به او بخشیده بطوری که چه چیزی بر روی زمین مهم است و چه چیزی برای ابدیت حیاتی است. اینکه ما نمی‌توانیم ماهیت الهی و بشری بودن او را درک کنیم، این حقیقت را بی ارزش نمی‌کند، درست همانطور که نداشتند درک فردی نسبت به آئِرودینامیک باعث نمی‌شود هواپیما نتواند پرواز کند.

«در اینجا دو راز به بهای یکی وجود دارد — چندگانگی وجود در یگانگی خدا و اتحاد الوهیت و بشریت در شخص عیسی ... هیچ چیز مانند این حقیقت تجسم یافتن مسیح تا این حد خارق العاده نبوده است. » — جی. آی. پاکر،

J. I. Packer, *Knowing God* (Downers Grove, Illinois: InterVarsity Press, 1973), p. 53

یکی از دلایلی که عیسی به این جهان آمد، این بود که نشان دهد خداتا چه حد غم خوار و با محبت است و تا چه میزان به هر کدام از ما اهمیت می‌دهد. برخی باور داشتند که خدا جبار بود و میخواست مردم را مجازات کند ولی عیسی آمد و خصلت راستین پدر آسمانی مهربان را هویدا نمود.

با این وجود، شیطان تلاش کرده است که انسان‌ها را از خدا جدا کند. او تلاش کرده است که خدا را فاقد شخصیت جلوه دهد، و او را به عنوان کسی که به ما توجه ندارد، توصیف نماید. او به هر طریقی متولّ می‌شود تا ما را از شناخت و تجربه واقعیت نیکوئی و لطف خدا دور نگه دارد. عشق مفرط به مادیات به خوبی به عنوان یکی از اقدامات شیطان برای رسیدن به این هدف جواب می‌دهد.

متى باب ۱۹ آيات ۱۶ تا ۲۲ را بخوانيد. اين روایت چه چیزی درباره اينکه شیطان چگونه می تواند از علاقه ما به مادیات برای دور نگه داشتن ما از خداوند استفاده کند، به ما بگويد؟

تصور کنید که عيسى خود، خدای در جسم، با اين مرد جوان که بهوضوح می دانست عيسى فردی خاص است، صحبت می کرد. و با اين حال چه اتفاقی افتاد؟ او اجازه داد ثروت زیادش، علاقه اش به مادیات، او را از فردی که بدرستی خدا بود، جدا سازد. عشق به جهان و مادیات چنان او را کور کرده بود که اگر چه غمگین بود، اما آن غمگینی کافی نبود تا او را به انجام کاری درست وادر سازد. او برای اينکه دارایی هایش را از دست می داد، ناراحت نبود. او بخاطر اينکه رستگاری خود را برای آن چیزهای مادی از دست می داد، ناراحت بود.

ما فقیر یا ثروتمند، چگونه می توانیم اطمینان یابیم که رابطه درستی با تعلقات این دنیا داشته باشیم؟

۱۶ ژانویه

سه شنبه

مسیح، نجات دهنده

بهی یک اصل آسمانی نمی باشد. اما آدم و حوا گناه کردند و قانونی که نقض شده بود به معنی مرگ بود. از این رو، بشریت به عدالت الهی بدهکار و مديون شد. ما ورشکسته بودیم و از نظر روحانی بهی داشتیم که هرگز قادر به بازپرداخت آن نبودیم. محبت خدا برای ما، باعث طرح ریزی نقشه نجات شد. عیسی «ضامن» ما شد (عبرانیان باب ۷ آیه ۲۲). این هویت مسیح به عنوان نجات دهنده است که مهمترین معامله ای که تاکنون انجام شده است را آشکار می سازد. تنها قربانی شدن زندگی او می توانست هزینه مورد نیاز عدالت الهی را پرداخت کند. عیسی بهی گناه که متعلق به ما بود را پرداخت نمود، وقتی که عدالت و رحمت، صلیب را در آغوش کشیدند. جهان هرگز شاهد نمایش چنین ثروتی استفاده شده برای بهای نجات بشر نبود (افسیان باب ۵ آیه ۲).

«خدا با سخاونندی تمام ثروت آسمان را به این جهان ارزانی نمود و با دادن قمام ملکوت به ما از طریق مسیح، اراده، عواطف، ذهن، روح همه انسان ها را خریده است.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Christ's Object Lessons*, p. 326

آیات زیر را بخوانید و آنچه که مسیح ما را از آن نجات داده است، فهرست وار بنویسید:
کولسیان باب ۱ آیه ۱۳؛ اول تسالونیکیان باب ۱ آیه ۱۰؛ اول پطرس باب ۱ آیه ۱۸؛
عربانیان باب ۲ آیات ۱۴ و ۱۵؛ غلاتیان باب ۳ آیه ۱۳؛ مکافه یوحنا باب ۱ آیه ۵.

واژه یونانی *tetelestai* در یوحنا باب ۱۹ آیه ۳۰ به عنوان مهمترین واژه ای که تاکنون
بیان شده شناخته شده است. این واژه به معنی «تمام شده است» و آخرین سخن عیسی
بر روی صلیب می باشد. بیانیه نهایی او به این معنی بود که مأموریتش کامل شده بود
و بدھی ما «بطور کامل پرداخت شد». او آن را به عنوان یک فرد نالمید ادا نکرد بلکه به
عنوان کسی که در نجات جهان از راه منحرف شده به توفیق نائل گردید. نگاه کردن به
صلیب نجات، رویدادی را در گذشته با تأثیری در زمان حال و امیدی به آینده، آشکار می
سازد. عیسی زندگی خود را برای نابودی همیشگی گناه، مرگ و کارهای شیطان داد. این
بدین معناست که اگر چه ما استحقاقش را نداریم، اما نجات یافته ایم (افسیان باب ۱
آیه ۷). نگاهی اجمالی به شگفتی های نجات، گام برداشتن بر زمین مقدس است.
مسیح به عنوان نجات دهنده، والاترین تصویر خداست. علاقه زیاد او نجات ما می
باشد. این مطلب، دیدگاه او نسبت به بشریت و بویژه میزان ارزش قائل شدن او برای
رابطه با ما را نمایان می سازد. با برآورده شدن عدالت، مسیح توجه خود را به واکنش ما
نسبت به از خود گذشتگی خویش معطوف می دارد.

درباره این بیاندیشید: مسیح بطور کامل بدھی شما برای تمام کارهای بدی که
انجام داده اید را پرداخت نمود. پاسخ شما چه باید باشد؟ (ایوب باب ۴۲ آیات
۵ و ۶ را ببینید).

۱۷ ژانویه

چهارشنبه

خدای غیور

خدا در مواجهه با فرعون چنین اظهار نمود، «زیرا در این دفعه تمامی بلایای خود را بر
دل تو و بندگانت و قومت خواهم فرستاد، تا بدانی که در تمامی جهان مثل من نیست»
(خروج باب ۹ آیه ۱۴).

منظور خداوند از گفتن اینکه، «در تمامی جهان مثل من نیست، چه بود»؟

«برای اندیشه های فانی بشر غیر ممکن است تا بتواند بطور کامل از عهده درک خصلت یا اعمال آن یگانه ابدی برآید. برای تیزهوش ترین ها، برای نخبه ترین ها با افکار متعالی، آن وجود مقدس، باید برای همیشه در پوششی از اسرار باقی بماند.» الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Testimonies for the Church*, vol. 5, pp. 698, 699

خدا هیچ برابری ندارد (اول پادشاهان باب ۸ آیه ۶۰). او به روشه که ما درک نمی کنیم، می اندیشد، به خاطر می آورد و عمل می کند. مهم نیست ما چقدر تلاش کنیم او را به تصویر خود درآوریم، لیکن او خدا باقی می ماند. او کسی است که همه دانه های برف، مغزها، صورت ها و شخصیت های افراد را منحصر بفرد خلق نمود و جز او خدایی نیست (اول پادشاهان باب ۸ آیه ۶۰). گذشته از هر چیز، او خالق است و به عنوان خالق، مطمئناً از مخلوق خود مجزا است.

این آیات درباره تفاوت خدا نسبت به آفریده هایش چه چیزی به ما می گوید؟ اول سموئیل باب ۲ آیه ۲؛ مزمیر باب ۸۶ آیه ۸؛ اشعیا باب ۵۵ آیات ۸ و ۹؛ ارمیا باب ۱۰ آیه ۱؛ تیطوس باب ۱ آیه ۲.

وقتی به وجود کامل خدا، تمام دارایی او و همه کارهایی که انجام می دهد، می نگریم، جالب توجه است که می توانست رقبایی داشته باشد. و با این حال چنین است، به این معنی که او باید برای بدست آوردن علاقه و توجه انسان ها «رقابت» کند. شاید به این دلیل است که می گوید، خدای «غیوری» است (خروج باب ۳۴ آیه ۱۴). خدا انسان ها را آزاد آفرید، که بدین معناست که ما حق انتخاب خدمت کردن به او یا چیز دیگری را داریم. این به شیوه های مختلفی، مشکل اساسی بشر بوده است: انتخاب خدمت به دیگر خدایان بی توجه به ثمره آن در مقابل خدمت به تنها خدایی که ارزشش را دارد، خدایی که همه کائنات را خلق نمود و مالک آنها می باشد. پس واقعاً به این دلیل است که او خدایی غیور می باشد.

چه چیزی، در صورت وجود، در زندگی شما برای جلب عواطفتان با خدا در رقابت است؟

۱۸ ژانویه

پنجمین به

مالکیت حقیقی

ما هم بواسطه خلقت و هم نجات، متعلق به خدا هستیم. و نه تنها ما به خدا تعلق داریم بلکه تمام دارایی های ما نیز از آن اوست. ما بخودی خود، مالک چیزی جز تصمیم هایمان نیستیم.

در مقابل، یک اصل اساسی دنیا پرستی، این نگرش است که ما مالک دارایی‌های خود می‌باشیم. با این وجود این یک فریب است. برای مسیحیان، اندیشه اینکه آنها مالکان نهایی دارایی‌های خود می‌باشند، یعنی داشتن اندیشه‌ای متضاد با آنچه کلام خدا تعلیم می‌دهد. خدا و نه ما، مالک همه چیز است (ایوب باب ۳۸ آیات ۴ تا ۱۱). ما صرفًا غریبه و مستاجر هستیم (لاویان باب ۲۵ آیه ۲۳)، درست مانند بنی اسرائیل در سرزمین موعود. ما حتی برای نفسِ بعدی خود، وابسته به خدا هستیم (اعمال رسولان باب ۱۷ آیه ۲۵). هر چیزی که فکر می‌کنیم به ما تعلق دارد، در واقع از آن اوست. ما تنها مبادرین او هستیم و در نتیجه باید دارایی‌های پیدا و نهان را برای جلال او بکار بریم.

بر اساس آیات زیر، آنچه خدا مالک آنها می‌باشد را فهرست وار بنویسید: تثنیه باب ۱۰ آیه ۱۶؛ مزمیر باب ۵۰ آیه ۱۰، باب ۱۰۴ آیه ۱۶؛ حزقيال باب ۱۸ آیه ۴؛ حجی باب ۲ آیه ۸؛ اول قرنطیان باب ۶ آیات ۱۹ و ۲۰. این آیات درباره اینکه ما باید چگونه به دارایی‌های مادی خود بنگریم، چه چیزی به ما می‌گویند؟

«همه چیز متعلق به خداست. بشر ممکن است مطالبات او را فراموش کند. در حالی که او برکات خود را به وفور بر آنها نازل می‌دارد، آنها ممکن است عطایای او را برای ارضای تمایلات خودخواهانه خود بکار بزند؛ اما آنها برای جوابگو بودن در مورد مباشرت خود، فراخوانده خواهند شد.» — الن جی. وايت، *Testimonies for the Church*, vol. 9, p. 246

مالکیت خدا و مباشرت ما رابطه‌ای را باعث می‌شود که او ممکن است از طریق آن از ما به شیوه‌هایی استفاده کند که ما را برای آسمان آماده سازد و باعث سود و برکت رسیدن به دیگران شود. اما مباشران سست ایمان، دسترسی مالک به اموالش را محدود می‌کند. همانطور که دیروز دیدیم، خدا اراده خود را بر ما تحمیل نمی‌کند. او ما را آفرید، و در این جهان به ما دارایی‌هایی داد که تا زمان بازگشتش، آنها را اداره کنیم. آنچه با آنها انجام می‌دهیم، نوع رابطه مان با او را منعکس می‌کند.

به اینکه در واقعیت، شما مالک هیچکدام از دارایی‌هاییان نیستید و همه آنها به خدا تعلق دارند، بیاندیشید. این باید درباره نحوه ارتباط که شما باید با دارایی‌هاییان داشته باشید، چه چیزی به ما بگوید؟

و حوا توسط خدا در خانه باغی زیبا که باید از آن مراقبت و آن را اداره می کردند، آغاز شد (پیدایش باب ۲ آیه ۱۵). آنها در این محیط عالی، باید باغ را قابل زیستن می کردند، وظیفه ای که نمی توانست چنان دشوار باشد. خدا نقش جدید ایشان را تصویب نمود و در مورد مسئولیت هایشان، به ایشان تعلیم داد. مراقبت از عدن، خوشحالی و ارزش را برای خانواده جدید به همراه می آورد.

عبارت عربی برای بیان «سلطه» پژل پاچه (پیدایش باب ۱ آیات ۲۶ و ۲۸) به معنی «تحت کنترل و قانون در آوردن» می باشد. این یک پیش زمینه بود، و یک سلطه سختگیرانه نبود، بلکه یک قانون خیرخواهانه در مراقبت از آفرینش خدا بود. این مسئولیت پایان نپذیرفت. آدم و حوا باید در این محیط می آموختند که خدا مالک بود و آنها مدیران یا مباشران او بودند. خدا از ابتدا قصد داشت که آدم و حوانه به عنوان مالک، بلکه به عنوان مسئولان و افراد قابل اعتماد باشند. آنها باید به خدا نشان می دادند که در انجام وظایفشان وفادار بودند.

«باغ عدن به آدم و حوا داده شد تا از آن مراقبت کنند. آنها باید در آن زراعت و از آن نگهداری می کردند. آنها در کارشان خوشحال بودند. ذهن، قلب و اراده در هماهنگی کامل عمل می کردند. آنها در کارشان احساس خستگی و رنج نمی کردند. ساعاتشان با کار مفید و صمیمیت و همدلی با یکدیگر پر شده بود. مشغولیت آنان فرح بخش بود. خدا و مسیح از آنها دیدن می کردند و با ایشان صحبت می کردند. به آنها آزادی کامل داده شده بود... خدا مالک خانه عدنی ایشان بود. آنها آن خانه را تحت اراده او نگه می داشتند.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Testimonies for the Church*, vol. 2, p. 346.

سوالاتی برای بحث

۱. این واقعیت که خدا مالک جهان است، درباره مسئولیت اساسی ما در مورد محیط زیست، چه چیزی باید به ما بیاموزد؟ در حالی که باید از تعصبات سیاسی برخی از طرفداران حفظ محیط زیست که تنها خلقت را پرستش می کنند، اجتناب نماییم، نگرش ما به عنوان افراد مسیحی نسبت به مراقبت از محیط زیست چه باید باشد؟
۲. در مورد ایده خدای «غیور» بیشتر تأمل کنید. درک این مفهوم همواره آسان نمی باشد، بویژه از آنجایی که در اصلاح بشری، ما به تعصب داشتن به عنوان چیزی بد که باید از آن اجتناب شود، می نگریم. با این وجود، چگونه می توانیم این مفهوم را آنگونه که برای خدا بکار می رود، بدون هیچ بار منفی که این جهان اغلب حمل می کند، درک نماییم؟
۳. چگونه می توانیم بیاموزیم میان استفاده و لذت بردن درست از چیزهای مادی که خدا آفریده است و سوء استفاده از آنها نمایز قائل شویم؟ چرا قائل شدن این تمایز بسیار مهم می باشد؟



کارتون‌های روز شنبه دیگر نه

توسط اندرو مک‌چسن، تبلیغ دینی ادونتیست

بزرگسالان ممکن است پس از تعمید گرفتن، در مورد دشواری‌های وفق دادن زندگی‌شان با سبب کتاب مقدسی صحبت کنند. اما یک پسر ۱۱ ساله چطور؟

برای رونل نرس که در کشور کارائیب ترینیداد و توباگو زندگی می‌کند، تعمید به معنی خداخافظی با کارتون‌های صبح روز شنبه است. این همچنین بدین معنی است که به مادر بزرگ خود بگوید که دیگر نمی‌تواند به فروشگاه مواد غذایی برود یا کارهای دیگر را انجام دهد.

نرس که اکنون ۲۵ ساله و مشاور فناوری اطلاعات وزارت امنیت ملی ترینیداد و توباگو است، در طول یک برنامه یک هفته دعا در دستان ادونتیست روز هفتم ماراکاس در محوطه دانشگاه کارائیب جنوبی تقاضای تعمید گرفتن نمود. مادرش که یک ادونتیست صوری بود او را در این مدرسه ثبت نام کرده بود. اما داشت وی در مورد خدا از مادر بزرگش، یک مسیحی متعدد که او را هر یکشنبه به کلیسا می‌برد، آمده بود.

نرس گفت، «در آن جلسات هفته دعا، من یک تشنگی یا خلاء احساس کردم که تا آن زمان واقعاً نمی‌دانستم وجود داشت. وقتی که سخنران برای تعمید صدا زد، ندایی در درونم گفت که باید قدم به جلو ببردارم. پس این کار را انجام دادم.»

کمی پس از تعمید گرفتن وی، مادر بزرگش مریض شد. او اکثر شبها را در بیمارستان سپری می‌کرد. نرس به ملاقات او می‌رفت، به او دلگرمی می‌داد و به او می‌گفت که برای شفایش دعا می‌کند. در روزهای سبب، داستان‌های کتاب مقدس که کارهای معجزه‌آسای خدا برای قومش را نشان می‌دادند، می‌خواند. او باور داشت که عیسی مراقب مادر بزرگش خواهد بود.

او گفت، «بنابراین، برایم بسیار شوکه کننده بود وقتی روزی از مدرسه به خانه آمدم و خاله‌ام تماس گرفت تا به من بگوید که مادر بزرگم از دنیا رفته بود.»

نرس ۱۲ سال سن داشت و احساس کرد که خدا او را رها کرده بود. اما وقتی که در مورد زندگی خداشناسانه مادربزرگش فکر کرد، متوجه شد که انجیل با مرگ عیسی به اوج نرسید بلکه با قیام او این اتفاق افتاد و اینکه قمام کسانی که در عیسی پمیرند، روزی قیام خواهند کرد. او رومیان باب ۸ آیه ۱۸ در مورد خودش می‌داند. آیه اینگونه است: «به عقيدة من درد و رنج کنونی ما ابداً با جلالی که در آینده برای ما ظاهر می‌شود قابل مقایسه نیست.» نرس که تصویرش در سمت چپ قرار دارد، و با مدرک علوم کامپیوتر از دانشگاه کارائیب جنوبی فارغ التحصیل شد، گفت که هنوز دلش برای مادربزرگش تنگ می‌شود.

او گفت، «اما ایمانم بعد از بودن در این دانشگاه و کلیسا قوی است.» بخشی از هدایای سبیت سیزدهم فصل اول ۲۰۱۸ برای ساختن کلیسایی جدید برای دانشگاه کارائیب جنوبی که هرگز دارای ساختمانی مخصوص کلیسا نبوده و در تالار کنفرانس مراسم عبادت برگزار می‌شود، فرستاده خواهد شد.

گریز از راههای دنیوی



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: مزمیر باب ۱۱۹ آیه ۱۱؛ افسسیان باب ۶ آیه ۱۸؛ رومیان باب ۳۶ آیات ۵ و ۶؛ عبرانیان باب ۱۱ آیات ۱ تا ۶؛ اول پادشاهان باب ۳ آیه ۱۴؛ حزقيال باب ۳۶ آیات ۲۶ و ۲۷.

آیه حفظی: «ثروت در هنگام مرگ هیچ فایده‌ای برای تو ندارد، ولی درستکاری موجب رستگاری تو خواهد شد.... کسانی که بر ثروت خود توگل دارند، مانند برگ‌های پاییزی سقوط می‌کنند، اما مردمان درستکار، مانند برگ‌های بهاری سبز و خرم خواهند بود» (امثال سلیمان باب ۱۱ آیات ۴ و ۲۸).

اگر چه شیطان از عیسی شکست خورد، ولی از هماوردی با هرکس دیگری به توفیق دست یافت. او به این کار ادامه خواهد داد مگر اینکه ما با زره و قدرت خدا، که تنها او به ما آزادی از فریب این جهان را ارائه می‌دهد، مبارزه کنیم.

بنابراین، ما باید توجه خود را بر تامین کننده آسمانی متمرکز نماییم. داود ارزش حقیقی این زندگی را درک نمود، هنگامی که نوشت، «شیر بچگان بینوا شده، گرسنگی می‌کشدند و اما طالبان خداوند را به هیچ چیز نیکو کمی نخواهد شد» (مزمیر باب ۳۶ آیه ۱۰). سلیمان درک نمود که آن حکمت و فهم از طلا و نقره با ارزش تر هستند (امثال سلیمان باب ۳ آیات ۱۳ و ۱۴). خوشبختی واقعی و زندگی درست زمانی حاصل می‌شود که از نگاه و تکیه به دارایی و ثروت خود چشم برداشته و به مسیح که مالک آن می‌باشد چشم بدوزیم.

تنها امید ما برای فرار از جذابیت این جهان یک رابطه حیاتی و موفق با عیسی می‌باشد. این هفته به مطالعه ریشه‌های آن رابطه خواهیم پرداخت و اینکه آنها چقدر برای توفیق روحانی ما حیاتی هستند تا قدرتی را که در پشت نقاب دنیا پنهان شده، تشخیص داده و اهمیت مسیح را بعنوان دلیل واقعی برای زندگی درک کنیم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۷ ژانویه آماده شوید.

رابطه با مسیح

عشق به دارایی‌های دنیوی حتی توسط کسانی که دارایی زیادی ندارند، می‌تواند زنجیر قدرتمندی باشد که جان را در عوض مسیح، به این جهان پای بند می‌کند. حتی اگر ما اموال دنیوی زیادی نداشته باشیم، اشتیاق پرشور به بدست آوردن متعای مادی می‌تواند به یک لعنت و حشتناک تبدیل شود که اگر تحت کنترل خداوند در نیاید، جان را از رستگاری دور خواهد نمود. شیطان این را می‌داند، و به این دلیل است که تا جای ممکن از عشق به دارایی‌های مادی برای به دام انداختن افراد بیشتری استفاده می‌کند.

تنها راه ما برای مراقبت و محافظت چیست؟

«در آنچه بالا [ملکوت آسمان] است تفکر کنید، نه در آنچه بر زمین است» (کولسیان باب ۳ آیه ۲). چگونه میتوانیم به آنچه که پولس به ما می‌گوید عمل کنیم؟ (مزامیر باب ۱۱۹ آیه ۱۱ و افسسیان باب ۶ آیه ۱۸ را نیز ببینید).

چه آیات دیگری می‌توانید بباید که درباره آنچه که باید ذهنمان را بر آنها متمرکز کنیم، سخن می‌گویند؟ (برای مثال، فیلیپیان باب ۴ آیه ۸ را ببینید).

تنها درمان و خلاصی از دنیا پرستی، به هر شکلی که باشد، وقف دائمی خود به مسیح (مزامیر باب ۳۴ آیه ۱) در فراز و نشیب‌های زندگی می‌باشد. موسی «ننگ و خاری به خاطر مسیح را ثروتی عظیم تر از گنج‌های مصر دانست» (عربانیان باب ۱۱ آیه ۲۶). پیش از هر رابطه دیگری مسیح باید اولویت اول ما باشد. مسیح بدنبال تعهدی بر پایه اعتقاد است و نه بر اولویتها و ترجیح؛ یعنی، ما باید به خاطر او [که خداوند و منجی است] و کاری که برای ما انجام داده است، به او وفادار باشیم، و نه بدلیل هر گونه مزایای آنی که ایمان و تعهدمان به او، ممکن است به همراه داشته باشد.

زندگی ما باید در عیسی مستور بوده و نقشه‌های او باید نقشه‌های ما باشند.

تعهد واقعی، اقدام به شخم زنی و [به پیش رفتن است] نه اینکه ایستاده و به عقب نگاه کنیم. (لوقا باب ۹ آیه ۶۲) هنگامی که ما چنین تعهدی را بوجود می‌آوریم، عیسی ما را به بالاترین حد قابلیتها و تواناییهای ایمان می‌رساند. هنگامی که تسليم او می‌شویم، او یوغ جهان را از جان ما را درهم می‌شکند. ما باید بجای تمرکز بر مادیات، مسیح محور باشیم؛ که مسیح به تنها‌ی خلاء زندگیمان را پر خواهد نمود.

در مورد زمانی که یک دارایی مادی بدست آورده است، چیزی که بشدت بدن بالش بوده است، بیاندیشید. شادی و رضایت از آن چه مدت پیش از محو شدن به طول انجامید، و شما به حالت اول باز گشته‌اید؟

۲۲ ژانویه

دوشنبه

در کلام

بیش از شش میلیارد انجیل در سرتاسر جهان توزیع شده است، اما چه تعداد از آنها به عنوان کلام خدای زنده در نظر گرفته شده اند؟ چه تعداد از آنها با قلبی خالص و بی ریا برای دانستن حقیقت، خوانده شده اند؟

مطالعه درست کتاب مقدس، قطب نمای روحانی ما را قراول می‌کند و ما را قادر می‌سازد تا در میانه جهان مغشوش و کذب، مسیریابی کنیم. کتاب مقدس یک سند زنده از منشاء الهی است (عبرانیان باب ۴ آیه ۱۲) و در نتیجه ما را به حقیقتی که نمی‌توانیم در جایی دیگر بدست آوریم، هدایت می‌کند. کتاب مقدس، نقشه راه مسیح برای زندگی روزانه است و با رشد خردمندی و پالایش شخصیت‌مان، ما را تعلیم می‌دهد.

یوحننا باب ۵ آیه ۳۹، باب ۱۶ آیه ۶ و باب ۲۰ آیه ۳۱ را بخوانید. کتاب مقدس، بويژه انجيل، معتبر ترین اطلاعات در مورد عيسى را به ما می‌دهد. اين آيات خاص در انجيل يوحننا، چه چیزی درباره عيسى و دليل اهميت زياد آن برای ما و برای آنچه که به آن معتقديم، می‌گويند؟

ما کتاب مقدس را مطالعه می‌کنیم زира منبع نهايی حقیقت می‌باشد. عیسی حق است و ما در کتاب مقدس عیسی را بدليل نحوه آشکار شدنش به ما در آنجا آنگونه که می‌توانیم بشناسیم، می‌یابیم. ما در اینجا، در کلام خدا، عهد قدیم و جدید، درباره هويت عیسی و کاري که برای ما انجام داده است، می‌آموزیم. سپس عاشق او می‌شویم و زندگی و روح خود را به امانت ابدی او می‌سپاریم. با پیروی از عیسی و اطاعت از کلام او، همانگونه که در کلامش نمایان شده است، ما می‌توانیم از بند گناه و جهان رهایی یابیم. «پس اگر پسر، شما را آزاد سازد واقعاً آزاد خواهید بود» (یوحننا باب ۸ آیه ۳۶).

رومیان باب ۸ آیات ۵ و ۶ را بخوانید. در اینجا نسبت به چه چیزی به ما هشدار داده شده است و مطالعه کلام خدا چگونه می‌تواند به ما در تلاش‌های فکری مان کمک کند؟

عشق به جهان، بویژه عشق به دارایی‌های دنیوی، در صورتی که مراقب نباشیم، می‌تواند ما را به راحتی از خدا دور سازد. به همین دلیل است که چرا باید خود را با کلام محصور کنیم، که به حقایق ابدی و روحانی که برای زندگی مسیحی بسیار حیاتی هستند اشاره می‌کند.

عشق به چیزهای دنیوی هرگز سیره روحانی را در ذهن متعالی نخواهد ساخت؛ در عوض، اصول کتاب مقدس را با طمع و خود خواهی و شهوت جایگزین می‌کند. محبت آنگونه که در کتاب مقدس نمایان شده است، از طریق تعلیم دادن اهمیت وقف خودمان برای دیگران، روابط را ایجاد می‌کند. در مقایسه، دنیا پرستی تماماً در مورد بدست آوردن متاع برای خودمان می‌باشد که در تضاد با همه چیزهایی است که مسیح نشان داده است.

سه شنبه

زندگی بر پایه دعا

«این است حیات جاویدان که آنها تو را خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستاده تو است، بشناسند» (یوحنا باب ۱۷ آیه ۳). جای تعجب نیست که مسیحیان اغلب می‌گویند که ایمانشان مربوط به رابطه با خدا می‌باشد. اگر شناخت خدا «زندگی ابدی» است، پس ما می‌توانیم آن زندگی را از طریق رابطه با او بیابیم. و البته، ارتباط در مذکوریت آن رابطه قرار دارد. ما دیروز دیدیم که خدا از طریق کلام الهی خود، با ما ارتباط برقرار می‌کند. و ما به نوبه خود از طریق دعا با او ارتباط برقرار می‌کنیم.

همانگونه که دیده ایم، اگر بخواهیم ذهن و قلبمان را بجای چیزهای این جهان بر چیزهای آسمانی متمرکز کنیم، پس دعا ضروری می‌باشد. این بدین دلیل است که دعا بنا به ماهیتش، ما را به یک قلمرو بالاتر از این جهان هدایت می‌کند.

با این وجود حتی در اینجا نیز ما باید بسیار مراقب باشیم زیرا گاهی دعا هایمان صرفاً می‌توانند ابراز کننده طبیعت خودخواهانه ما باشند. به این دلیل است که باید دعا کنیم تا تسليم اراده خدا بشویم.

سال‌ها پیش زنی این کلمات را بیان نمود، «آه ای خداوند، آیا برای من یک مرسدس بنز خواهی خرید؟» این به روش خودش، حمله به مادیگاری کسانی که ادعای ایمان به خدا را دارند، بود. ما نیز باید مطمئن باشیم زمانی که دعا می‌کنیم، که خود عمل تسليم شدن به خدا و مرگ به جهان می‌باشد، بجای اراده خود، اراده خدا را جستجو کنیم.

عربانیان باب ۱۱ آیات ۶ تا ۱ را بخوانید. بخش بسیار مهمی که باید با دعاهای ما آمیخته شود چیست؟ همچنین، معنای آمدن با ایمان نزد خدا و دعا کردن در ایمان چه می‌باشد؟

اگر ایمانی در دعاهای ما وجود نداشته باشد، این استنباط وجود دارد که این ایمان تقلیل شیطان است. «دعا و ایمان بسیار بهم پیوسته هستند، و باید با هم مورد مطالعه قرار گیرند. در دعای ایمان، یک علم الهی وجود دارد؛ علمی که هر کسی که عمر زندگی موفقی داشته باشد باید درک کند. مسیح می گوید، 'بنابراین به شما می گوییم یقین بدانید که آنچه را که در دعا طلب می کنید خواهید یافت و به شما داده خواهد شد' مرقس باب ۱۱ آیه ۲۴. او مشخص می سازد که درخواست ما باید بر اساس اراده خدا باشد؛ ما باید چیزهایی را مطالبه کنیم که او وعده داده است، و هر آنچه که دریافت می کنیم باید در راستای محقق نمودن اراده وی باشد. اگر شرایط انجام شوند، وعده صریحاً تحقق می یابد.» — الن جی. وايت، *Prayer*, p. 57

به زندگی دعایی خود بنگرید. شما برای چه چیزی دعا می کنید؟ دعا هایتان در مورد اولویت هایتان چه می گویند؟ برای چه چیزهای دیگری ممکن است نیاز داشته باشید دعا کنید؟

۲۴ ژانویه

چهارشنبه

زندگی حکیمانه

یکی از زیباترین روایت های کتاب مقدس در داستان سلیمان یافت می شود که از خدا خواست تا چیزی فوق همه چیزهای دیگر به او بدهد. «دل فهیم عطا فرما تا قوم تو را داوری نمایم و در میان نیک و بد تمیز کنم؛ زیرا کیست که این قوم عظیم تو را داوری تواند نمود؟» (اول پادشاهان باب ۳ آیه ۹).

خدا چه کلمات مهمی به سلیمان گفت که اگر او توجه می نمود، باعث جلوگیری ویرانی که دارایی اش برای این پادشاه به همراه داشت، می شد؟ چرا آنچه خدا در اینجا به او فرمود برای همه ما مهم می باشد؟ اول پادشاهان باب ۳ آیه ۱۶؛ اول یوحنا باب ۵ آیه ۳ و اول پطرس باب ۴ آیه ۱۷ را نیز ببینید.

سلیمان حکمت بزرگی داشت اما حکمت به خودی خود اگر بکار گرفته نشود و در زندگی اعمال نشود، چیزی بیش از اطلاعات خوب نخواهد بود. در مفهوم کتاب مقدسی این واژه، حکمتی که بر پایه آن عمل نشود در واقع حکمت نیست. بسیاری که اطلاعات صحیح بسیاری در مورد خدا و الزامات او داشته و دارند، نجات نخواهند یافت. اما نا

فرمانی سلیمان، باعث شد او از راهی که خداوند او را بدان فراخوانده بود، منحرف شود. تنها در مراحل بعدی زندگی، او متوجه شد و با فروتنی چنین نوشت: «زیرا که حکمت از لعل ها بهتر است و جمیع نفایس را به او برابر نتوان کرد» (امثال سلیمان باب ۸ آیه ۱۱). حکمت در بکار بردن دانش و فهم می باشد. دانش، نشان دهنده حقایق است؛ درک، نشان دهنده بصیرت است؛ و حکمت در نتیجه عمل، بکار بردن درک و دانشمن در زندگی بدست می آید. یک مباشر عاقل، نه تنها به دانش و درک نیاز دارد بلکه همچنین به تجربه ای که از بکار بردن آن دانش و درک در زندگی بدست می آید نیز نیازمند است. مثال سلیمان به ما نشان می دهد که حتی عاقل ترین و فهیم ترین افراد چگونه به راحتی می توانند درگیر پوچی شیوه زندگی مادیگرایی شوند، چنانچه از دانشی که به ایشان داده شده است بهره نبرند.

اول قرنتیان باب ۳ آیه ۱۹ را با امثال سلیمان باب ۲۴ آیات ۱۳ و ۱۴ مقایسه کنید. تفاوت میان دو نوع حکمتی که در این آیات بیان شده اند، چه می باشد؟ پاسخ های خود را در روز سبت در کلاس مطرح کنید.

۲۵ ژانویه

پنجشنبه

روح القدس

نبرد بزرگ واقعی است؛ دو طرف در حال مبارزه برای جانهای ما هستند. یکی ما را به سوی مسیح جذب می کند (یوحنا باب ۶ آیه ۴۴) و دیگری به سوی جهان (اول یوحنا باب ۲ آیه ۱۶). قدرت روح القدس در زندگی ما می تواند ما را در جهتی درست قرار دهد اگر ما خود را تسلیم او نماییم.

«در هر حال، وقتی او که روح راستی است بباید، شما را به تمام حقیقت رهبری خواهد کرد» (یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۳؛ یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۶ را نیز ببینید). روح القدس ما را قادر می بخشد تا بر پایه اصول و ایمان، و نه با هوس و احساسات که بر جهان مسلط هستند، زندگی کنیم. آماده سازی موفق برای زندگی در آسمان، با زندگی صادقانه در این جهان تحت هدایت روح القدس بدست می آید.

پولس چنین اندرز می دهد: «ایمان شما بر قدرت خدا متکی باشد، نه بر فلسفه انسانی» (اول قرنتیان باب ۲ آیه ۵). فریب این جهان اغلب از طریق دارایی های مادی، ما را از خداوند دور می سازد. در مقابل، اگر ما مقاومت نکنیم، قدرت روح القدس ما را به سوی عیسی خواهد کشید.

موقیت در مبارزه با جهان و تطمیع هایش تنها خارج از قدرت خودمان بدست خواهد آمد. حزقيال باب ۳۶ آیات ۲۶ و ۲۷، یوحنا باب ۱۴ آیه ۲۶ و افسسیان باب ۳ آیات ۱۶ و ۱۷ را

بخوانید. هنگامی که ما اجازه می دهیم که روح القدس اختیار ما را بدهست گیرد، خدا برای اطمینان از اینکه ما پیروزی روحانی دست یابیم، چه کارهایی انجام خواهد داد؟

«از طریق نظریه ها و سنت های دروغین است که قدرت شیطان بر ذهن فایق می آید. او با سوق دادن بشر به معیارهای دروغین، شخصیت را به گونه ای بد تغییر می دهد. روح القدس از طریق کتاب مقدس با ذهن سخن می گوید و قلب را تحت تاثیر حقیقت قرار می دهد. از این رو، او خطرا افشا می کند و آن را از روح خارج می سازد. از طریق روح حقیقت که بواسطه کلام خدا عمل می کند، مسیح قوم برگزیده خویش را مقهور خویش می سازد.» —

Ellen G. White, *The Desire of Ages*, p. 671

روح القدس مخبر حقیقت و عطیه نهایی است که عیسی می توانست برای نشان دادن الوهیت بر روی زمین پس از صعودش به آسمان ارائه دهد. روح القدس در تلاش است که به ما قدرت غلبه بر فریب ها و «افسون های» قدرتمند این جهان را بدهد.

جهان همه ما را به سمت خود می کشد، اینطور نیست؟ شما اکنون چه انتخاب هایی می توانید بکنید که به شما در تسليم شدن به روح القدس، تنها کسی که می تواند به شما قدرت مقاومت در برابر وسوسه های این جهان را بدهد، کمک کنند؟

۲۷ اکتبر

جمعه

مطالعه بیشتر: یک مباشر بر پایه دو اصل وظیفه و محبت عمل می کند. «به یاد داشته باشید که وظیفه، یک خواهر دو قلو دارد که نام او محبت است؛ این دو با هم بطور متعدد می توانند تقریبا همه چیز را به انجام برسانند، اما جداگانه، هیچ کدام قادر به انجام کاری خوب نمی باشند.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Testimonies for the Church*, vol. 4, p. 62

انجام وظیفه و محبت باید بطور عملی عیان باشد. برای اینکه محبت، حس وظیفه ما را بیدار سازد، تنها نیاز داریم که در فداقاری مسیح تامل نماییم. اصول این جهان در تقابل با اینها می باشند: نفرت و دو قلویش یعنی طغیان و سرکشی. سرکشی می تواند نفرت در عمل باشد. لوسيفر یعنی شیطان بر علیه خدا شورش نمود (حزقيال باب ۲۸ آیات ۱۶ و ۱۷) و تا زمانی که نابود نشود، دست از آن دست نخواهد کشید. او قدرت محبت را به عشق به قدرت تبدیل نمود. رهبران مذهبی اسرائیل از اقتدار

و قادری که عیسی در اختیار داشت، متنفر بودند (متی باب ۲۲ آیه ۲۹). حتی زمانی که آنها به معبد فرار کردند و یا از نگاه جستجوگر او کار رفتند، باز هم راه خود را تغییر ندادند.

سوالاتی برای بحث

۱. در مورد نظریه محبت و وظیفه بیشتر بیاندیشید. منظور الن جی. وايت وقتی که پس از دوقلو خواندن آنها، می گوید که یکی بدون دیگری قادر به انجام هیچ خوبی نمی باشد، چیست؟ محبت بدون وظیفه و وظیفه بدون محبت چگونه اند؟ چرا باید هر دو با هم باشند؟ آیه حفظی این هفته چنین است: «ثروت در هنگام مرگ هیچ فایده‌ای برای تو ندارد، ولی درستکاری موجب رستگاری تو خواهد شد.... کسانی که بر ثروت خود توگل دارند، مانند برگهای پاییزی سقوط می‌کنند، اما مردمان درستکار، مانند برگهای بهاری سبز و خرم خواهند بود» (امثال سلیمان باب ۱۱ آیات ۴ و ۲۸). معنای این آیات چیست؟ در مورد ثروت چه چیزی را بیان می‌کند و چه چیزی را بیان نمی‌کند؟

۳. در کلاس، در مورد زندگی سلیمان بحث کنید. بپرسید که چگونه توانسته است چنین از مسیر خارج شود. در کتاب جامعه به دنبال آیه ای بگردید که به نمایان کردن بیهودگی و پوچی دارایی های جهان حتی زمانی که مانند سلیمان بسیاری از آنها را داریم، کمک کند. ما این هفته چه چیزی در مورد دعا، مطالعه کتاب مقدس و رابطه با مسیح آموخته ایم که می تواند ما را در مسیر صحیح معنوی نگه دارد؟

۴. چگونه کسانی که دارایی های دنیوی زیادی ندارند، با این وجود ممکن است در دامی که شیطان برایشان قرار داده است، گرفتار شوند؟

۵. شما به پرسش پایانی روز چهارشنبه درباره تفاوت انواع حکمت، چه پاسخی دادید؟



فرشته‌ای که قطعات بتونی حمل می‌کند

توسط اندرو مک چزنی، تبلیغ دینی ادونتیست

ولادیمیر موسکولنکو همسرش گالینا را در شهر بوزکه در اوکراین بیدار کرد تا رویای غیر معمول را با او در میان بگذارد.

او گفت، «من با قطعاتی بتنی در دست ایستاده بودم. آن‌ها بسیار سنگین بودند. پس ناگهان فرشته‌ای عظیم، زیبا و درخشان در مقابلم ظاهر شد. او به من لبخند زد. و دستش را بر روی دست من گذاشت، بتن‌ها را برداشته و آن‌ها را بالا برد.»

گالینا موسکولنکو نشست. او مدت‌ها بود که برای داشتن ۵۰۰۰ دلار برای پرداخت قطعات بتنی برای تبدیل ساختمانی متوجه به کلیسا ادونتیست روز هفتم در شهر ۱۴۰۰ نفره‌شان دعا می‌کرد.

موسکولنکو گفت، «گوش کن، نوعی کمک مالی در راه است. نمی‌دانم از کجا خواهد آمد، اما می‌آید.»

دو روز بعد، یکی از اعضای کلیسا تماس گرفت و گفت، «سه دوست از لهستان برای دیدن من می‌آیند.»

موسکولنکو به همسرش گفت، «این پول ماست که می‌آید.» بازدیدکنندگان لهستانی در روز سبت به موعده موسکولنکو گوش دادند.

پس از غروب خورشید، او درباره بدھی به ایشان گفت.

چند روز بعد، حواله بانکی به میزان ۵۰۰۰ دلار به دستش رسید.

موسکولنکو گفت که کلیسا نورانی بوزکه که در سال ۲۰۱۶ افتتاح شد، پس از ۱۱ سال ساخت و ساز، بر پایه دعا و معجزه ساخته شد. یک زوج ادونتیست از استرالیا ۲۰۰۰ دلار برای سقفی جدید ارائه دادند. بخش اروپا-آسیا و مجمع محلی، بودجه‌های پروژه را فراهم نمودند. اعضای کلیسا ایالات متحده و چک نیز کمک فرستادند.

موسکولنکو ۵۶ ساله گفت، خدا و فرشتگانش مرتبًا پادرمیانی کردند. به او گفته شد که مقامات درخواست برای ایجاد پنجره‌ای جدید بر روی دیوار مخالفت کردند. او گفت، «من در این باره دعا کردم و با خود فکر کردم،

خدایا لطفاً به ما کمک کن تا بتوانیم پنجره جدید را درست کیم.»
سپس اتفاق جالبی افتاد.

او گفت، «ما شروع به تعمیر تنها پنجره موجود کردیم و شکافی در دیوار ایجاد شد. کل دیوار نزدیک بود فرو بریزد.»

«کارگران ساختمانی ما به سرعت یک تراکتور با چیزی برای نگه داشتن دیوار را به داخل آوردند. اما همانطور که برای سرپا نگه داشتن دیوار تلاش می کردند، چنان فرو ریخت، که گویا فرشته‌ای گفته بود، بفرمایید!» موسکولنکو این را گفت و انگشتتش را در هوا بالا برد.

او گفت که این چیزی است که وقتی شما تلاش می کنید و به خدا اعتماد می کنید، اتفاق می افتد: او غیرممکن را ممکن می سازد.
گالینا موسکولنکو، رهبر کلیسا در بوژکه، اوکراین.

مباشین فرا عدنی



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اشعیا باب ۲۲ آیات ۱۴ تا ۱۸؛ اول قرنتیان باب ۴ آیات ۱ و ۲؛ کولسیان باب ۲ آیات ۲ و ۳؛ افسسیان باب ۶ آیات ۱۳ تا ۱۷؛ دوم قرنتیان باب ۵ آیه ۱۰.

آیه حفظی: «اما چون خدا ما را لایق دانست و انتشار انجیل را به عهده ما گذاشت، ما سخن می‌گوییم. منظور ما جلب رضایت انسان نیست، بلکه ما می‌خواهیم خدایی را خشنود کیم که دلهای ما را پیوسته می‌آزماید» (اول تسالوونیکیان باب ۲ آیه ۴).

کار نخست آدم و حوا با مبادرت و مراقبت همراه بود. تمامی مخلوقات و باغ به آنها سپرده شده بود تا از آن مراقبت کنند، بهره ببرند و بر آن سلطه داشته باشند (پیدایش باب ۲ آیه ۱۵)، حتی با وجودی که مالک آن نبودند. در عوض آنها مباشران آنچه بودند که خداوند به آنها به امانت سپرده بود.

این هفته نگاهی دقیق تر به معنای مبادرت پس از سقوط خواهیم انداخت، پس از آنکه نخستین والدین ما از عدن رانده شدند. یعنی، ما نیز مباشر هستیم اما در محیطی کاملاً متفاوت نسبت به آنچه که آدم و حوا در ابتداء از آن بهره جسته بردند.

مبادرت [یا مراقبت و نظارت] چیست؟ برخی از شخصیت‌های کتاب مقدس با نحوه زندگی خود، مفهوم مباشر را نمایان می‌سازند. سایر متون آن را بوضوح بیشتری تعریف می‌کنند. هنگامی که ما مباشران خدا می‌شویم، تمرکز ما بجای جهان و ارزش‌های مادی اش، به خالق و ماموریتش تغییر می‌کند. درست مانند آدم و حوا، خدا مسئولیت‌هایی با منشاء الهی به ما به امانت سپرده است. از زمان سقوط در عدن، هر چند، وظیفه

مبادرت تغییر یافته است زیرا همراه با مسئولیت‌های مراقبت از جهان مادی، حقایق روحانی نیز به ما به امانت سپرده شده تا به نیکویی از آنها مراقبت کنیم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۳ فوریه آماده شوید.

یکشنبه

۲۸ ژانویه

مبادرین در عهد قدیم

واژه «مبادر» خود تنها چند بار در عهد قدیم ترجمه شده است. در اغلب موارد، از عبارتی در خصوص فردی که «بر خانه» نظارت دارد مربوط می‌شود، ایده مسئولیت اداره امور منزل؛ یعنی یک «مبادر» (پیدایش باب ۴۳ آیه ۱۹، باب ۴۴ آیات ۱ و ۴؛ اول پادشاهان باب ۱۶ آیه ۹). مبادران مسئولیت‌هایی داشتند که امور خانه و دارایی‌های اربابشان را مدیریت کنند و هر چیزی که از آنها خواسته می‌شد را انجام دهند. مفهوم مبادر در عهد قدیم را می‌توان با شناسایی ویژگی‌های یک مبادر یافت. مبادران نمی‌توانند از مراقبت و نظارت خود جدا باشند چرا که هویت آنان را هویدا می‌سازد.

برخی از ویژگی‌های یک مبادر در عهد قدیم بطور شفاف مشخص شده‌اند. نخست، جایگاه یک مبادر در زمرة یکی از بزرگترین مسئولیت‌ها بود (پیدایش باب ۳۹ آیه ۴). مبادران برای توانایی هایشان انتخاب می‌شدند و از جانب اربابانشان برای انجام دادن کارها مورد احترام و اطمینان قرار می‌گرفتند. دوم، مبادران می‌دانستند آنچه به ایشان واگذار شده بود، به اربابانشان تعلق داشت (پیدایش باب ۲۴ آیات ۳۴ تا ۳۸). این تفاوت بزرگ میان یک مبادر و مالک می‌باشد. مبادران از جایگاه و موقعیت خود آگاه هستند. سوم، هنگامی که مبادران از آنچه به آنها واگذار شده بود برای خود استفاده می‌کردند، رابطه اعتماد میان آنها و مالک گستاخ می‌شد و مبادران برکنار می‌شدند (پیدایش باب ۳ آیه ۲۳، هوشع باب ۶ آیه ۷).

اشعیا باب ۲۲ آیات ۱۴ تا ۱۸ را بخوانید. در زمان سلطنت حزقيا، شبنا به عنوان مبادر و همچنین خزانه دار منصوب شد که هر دو از سمت‌های بسیار مهم قدرت بودند. در نتیجه سوء استفاده از موقعیتش، چه اتفاقی برای وی افتاد؟

«احراز هویت یک مبادر با ارباب خویش پیوند دارد. او وظایف یک مبادر را می‌پذیرد، و او باید بجای ارباب خود عمل کند و تصدی امور ارباب را بر عهده دارد. علایق اربابش، علایق او خواهد بود. جایگاه یک مبادر از کرامت زیادی برخوردار است زیرا اربابش به او اعتماد دارد. اگر در عوض خردمندی، خودخواهانه عمل کند و با سود بردن از دارایی‌های اربابش

منفعت کسب نماید، از اعتمادی که به او وجود داشته است منحرف شده است.» — الن جی.
Ellen G. White, *Testimonies for the Church*, vol. 9, p. 246

چگونه می توانیم مفهوم مهم را بهتر بیاموزیم که در حقیقت مبادران چیزهایی هستیم که در این زندگی داریم؟ این درک چگونه باید بر کارهایی که انجام می دهیم تاثیر بگذارد؟

۲۹ ژانویه

دوشنبه

مبادرین در عهد جدید

دو واژه اصلی برای «مبادر» در عهد جدید وجود دارد. یکی *epitropos* که سه بار پدیدار شده و دیگری *oikonomos* که ده بار تکرار شده است. هر دوی این کلمات، جایگاه هایی را توصیف می کنند که مسئولیت های مدیریتی سپرده شده به مبادر، توسط مالک را بیان می کنند.

در عهد قدیم و جدید، مبادران با آنچه که انجام می دهند، تعریف شده اند. عهد جدید بطور خاص مبادر را از لحاظ جوابگویی (لوقا باب ۱۲ آیه ۴۸) و انتظارات و توقعات (اول قرنتیان باب ۴ آیه ۲) را توصیف می کند. اگر چه عهد قدیم بیشتر بر بیان مالکیت خدا تمرکز دارد تا بر اشاره نمودن مستقیم به ما به عنوان مبادران او. بنابراین، در حالی که مفهوم مبادر در هر دو عهد شیوه به هم می باشد، عهد جدید مفهومی فراتر از تنها مدیریت خانواده را استنباط می کند.

در تمثیل مبادر نابکار (لوقا باب ۱۶ آیات ۱ تا ۱۵)، عیسی مفهوم مبادر را تعمیم می دهد. درس او درباره چیزی بیشتر از فرار یک مبادر از رسوایی مالی می باشد. این قضیه در مورد کسانی که خردمندانه ایمان را متجلی نموده و از بروز فاجعه روحانی می گریزند نیز کاربرد دارد. یک مبادر عاقل، با دور اندیشه راه را برای آینده بازگشت عیسی آماده خواهد ساخت (متی باب ۲۵ آیه ۲۱).

اول قرنتیان باب ۴ آیات ۱ و ۲، *تیطوس* باب ۱ آیه ۷ و اول *پطرس* باب ۴ آیه ۱۰ را بخوانید. این آیات درباره مبادرین و مبادرت چه چیزی به ما می گویند؟

«بایستی قلبم را بر روی روح القدس باز کنم، تا تمام استعداد ها و انرژی هایی که خدا در اعتماد به من داده است، برانگیخته شوند. من به مسیح تعلق دارم و برای

خدمت به او بکار گماشته شده ام. من یک مباشر فیض او هستم.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Fundamentals of Christian Education*, p. 301

در لوقا باب ۱۲ آيات ۳۵ تا ۴۸، عیسی همچنین از واژه «مباشر» بصورت استعاره استفاده می کند. او از مباشر عاقلى که آماده بازگشت پسر انسان است، سخن می گوید و مباشر بی وفا را به عنوان کسی که مراقبت کردن را بدلیل تاخیر اربابش در بازگشت ترک نموده است، توصیف می کند. مباشر بی وفا به یک ستمگر غاصب تبدیل شده است و به اطرافیانش توهین می کند. او دیگر یک الگوی کارهای خوب و یا مدیری از فیض نمی باشد.

هنگامی که ما مسیح را می پذیریم، مباشرانی هستیم که به مدیریت خدا فراخوانده شده ایم. اما مهم تر اینکه ما باید حقایق روحانی زندگی مسیحی در آماده سازی برای آسمان را مدیریت کنیم.

**لوقا باب ۱۲ آیه ۴۵ را بخوانید. چرا ما به عنوان ادونتیست های روز هفتم که
اغلب با نوعی «تاخیر» دست و پنجه نرم می کنیم، باید بطور خاص مراقب
سقوط در این فریب باشیم؟**

۳۰ ژانویه

سه شنبه

مباشرین رازهای خدا

کولسیان باب ۲ آیات ۲ و ۳ و اول تیموتاوس اول باب ۳ آیه ۱۶ را بخوانید. این آيات چه چیزی را به عنوان «راز» مشخص می کنند؟ این واقعیت که این یک «راز» است، چه چیزی درباره محدودیت های آنچه می توانیم درباره آن بدانیم، به ما می گوید.

صُوَفِرِ نَعْمَاتِي بِهِ أَيُوبُ مَى گُوِيدْ «آيَا عَمَقَ هَائِيَ خَدَا رَمَى تَوَانَى دریافت نَمُودَ؟» (ایوب باب ۱۱ آیه ۷). واژه «عمق» به معنی نامعلوم، مبهم، ناشناخته، نا مشروح یا غیرقابل درک می باشد. اسرار خدا در کتاب مقدس ثبت شده اند، هر چند که درک کامل آنها همچنان فراتر از قوه ادراک ما می باشد. به همین دلیل است که آنها راز می باشند. مانند این است که هر کدام از ما یک فرد نزدیک بین هستیم که به آسمان نگاه می کیم و امیدوار به دیدن کوچک ترین جزئیات هستیم. ما نمی توانیم آنقدر دور را ببینیم مگر آنکه خدا آن را برای ما نمایان سازد.

ما مبادرین چیزهایی هستیم که از عهده درک کامل بر نمی‌آییم. ما تنها به آن میزان که مکافه و کتاب مقدس نمایان می‌سازد، آگاهی داریم. بزرگ ترین مبادرت ما زندگی کردن «به عنوان خادمان مسیح و مبادرین حقایق اسرار آمیز الهی می‌باشد» (اول قرنطیان باب ۴ آیه ۱).

خدا می‌خواهد که ما به عنوان مبادرانش، حقیقت الهی را که به ما آشکار نموده است حفظ کنیم، تعلیم بدھیم، از آن مراقبت و حفاظت نماییم. آنگونه که ما آن را انجام می‌دهیم، مبادرت نهایی می‌باشد و بدین معنی است که ما «حقایق مکشفوی ایمان را با وجود پاک نگه می‌داریم» (اول تیموთائوس باب ۳ آیه ۹).

بزرگ ترین اسرار این است که ما همگی می‌توانیم مسیح، «امید جلال» را تجربه کیم. درک کامل نقشه نجات بدلیل ماورای طبیعی بودن، برای ما غیر ممکن است. اینکه خالق همه چیز (یوحنا باب ۱ آیات ۱ تا ۳) به این زمین بباید و «در جسم آشکار شود» (لن جی. واایت، Manuscript Releases, vol. 6, p. 112). تنها برای اینکه خود را به عنوان قربانی برای گناهان بشریت ارائه دهد، شامل رازهایی می‌باشد که احتمالاً هرگز کاملاً توسط هیچ مخلوقی درک نخواهد شد. حتی فرشتگان برای درک این راز که چرا عیسیٰ به زمین آمد، مطالعه می‌کنند (اول پطرس باب ۱ آیه ۱۲). با این وجود، آنچه آنها می‌دانند باعث می‌شود همه ما خداوند را برای جلال و نیکوئی اش ستایش کنیم (مکافه یوحنا باب ۵ آیه ۱۳).

شما فراخوانده شده اید که مبادر انجیل باشید. چه مسئولیت‌هایی بطور خودکار خواهی داشت؟

۳۱ ژانویه

چهارشنبه

مبادرین حقایق روحانی

هنگامی که ما به مبادرت فکر می‌کیم، به چیزهای ملموس فکر می‌کنیم و این درست است. اما همانطور که اکنون دیده ایم، مبادرت فراتر از آن است. عطایای نا مشهود، مانند دارایی‌های ملموس از جانب خدا هستند. این هدایای نا مشهود، دارایی‌های روحانی هستند که خدا به ما می‌دهد (اول پطرس باب ۴ آیه ۱۰) تا بتوانیم در

مسيح، ويزگي هاي مسيحي را توسعه دهيم و به مردمى تبديل شويم که در او هستيم. از اين رو، ما باید عطایاين نا مشهود را حتى با دقتی بيشتر از دارايی هاي ملموس مدیرت کنیم زира آنها ارزش بی نهايت بيشتری دارند.

افسسيان باب ۶ آيات ۱۳ تا ۱۷ را بخوانيد. چه چيزی از طرف خدا داده شده است که ما باید مباشرين آن باشيم؟ چرا مدیرت درست اين چيزها بسيار برای ما مهم می باشد؟

«خدا به کسانی که با خداوند ما مسيح عيسى متحد هستند، حیات جاودان می بخشند» (روميان باب ۶ آيه ۲۳). جهان و همه چيزهایی که ارائه می دهد، نمی تواند نجاتی را که ما در مسيح داريم ارائه دهد. رستگاري، هديه اي که خدا به ما می دهد، با ارزش ترين داروي ماست. هميشه باید اين رهایي و رستگاري را در مقابل چشم داشته باشيم تا بما کمند تا اين ديدگاه را در مباشرت دارايی هاي ديگر که بما ارزاني شده است حفظ کنیم که اين نيز از خداست.

«تنها از نوري که از جلجتا می تابد، آموزه های طبیعت به درستی درک خواهند شد. باشد که از طریق قصه بیت لحم و صلیب، نشان داده شود که چگونه نیکی بر شر غلبه می یابد و چگونه هر برکتی که به ما داده می شود عطايانی از نجات می باشد.» — الان جی. وايت، *Education*, p. 101

نجات به ما تعلق دارد تها به اين دليل که عيسى بهای نهايی را پرداخت. پولس بوضوح می گويد، «از راه اتحاد با مسيح و به وسیله خون اوست که ما رهایي يافتيم و گناهان ما بخشیده شد و چقدر بی حد و حصر است فيضي که خدا به فراوانی به ما بخشیده است» (افسسيان باب ۱ آيات ۷ و ۸). [در متن انگلیسي]، عبارت «ما يافتيم» به اين معنی است که [رهایي يا] «رستگاري» را يافتيم. اين به ما تعلق دارد اما تنها به اين دليل که خدا آن را به ما داده است. پس چقدر حیاتي است که ما «زره کامل خدا» را بپوشيم (افسسيان باب ۶ آيه ۱۱)، تا اهريمن باز نگردد و آن را با خود نبرد. زира تنها راهی که او می تواند آن را انجام بدهد، اين است که ما به او اجازه دهيم و اين نيز تنها در صورتی اتفاق خواهد افتاد که ما از آنچه که در «كلام خدا» (افسسيان باب ۶ آيه ۱۷) برای ما آشكار شده است، اطاعت نکنيم. بزرگ ترين حفاظ و مراقبت برای ما از طریق اطاعت در ايمان از نور هدایتي که به ما داده شده است، بdst می آيد.

بار ديگر افسسيان باب ۶ آيات ۱۳ تا ۱۷ را بخوانيد. ما چگونه زره خدا را به تن می کنیم و به چه روش هایي مباشرين آنچه در آن زره به ما داده شده است، می باشيم؟

مسئولیت ما به عنوان مبادر

مباشران خردمند به کسانی گفته میشود که با خواسته و اراده خویش اصول اخلاقی مسئولیتهای شخصی را مقبل گردیده و آنرا اجرا می نمایند. پذیرش مسئولیت شخصی، تصمیمی است که اتخاذ می کنیم و کارهایی است که مقبل می شویم. این تعریف رابطه میان علت و معلول را مشخص می کند. آماده بودن برای پذیرفتن مسئولیت شخصی، یک صفت کلیدی است که در تعریف مباشر نمی تواند نادیده گرفته شود، زیرا مبادرین باید در داشتن منفعت مالک در قلوب خویش امین باشند. از این رو، چنین آمادگی یک انتخاب است که رابطه مطلوب یک مباشر با خدا را تعریف می کند.

«خدا می خواهد بشر رابطه مستقیم با او داشته باشد. خدا در تمام برخورد هایش با انسان ها، اصل مسئولیت شخصی را به رسمیت می شناسد. او بدنبال تشویق حس و استگی شخصی و تحت تاثیر قرار دادن نیاز به راهنمایی شخصی می باشد. عطاای او به افراد بشر سپرده شده اند. هر انسان یک مباشر امانتهای مقدس است؛ هر یک باید امانت را مطابق با دستورالعمل سپرده گذار اداره کند؛ و هر یک باید حساب [سپرده] مباشرت او را به خدا پس بدهند.» —

Ellen G. White, *Testimonies for the Church*, vol. 7, p. 176
 هنگامی که ما مباشر می شویم، مسئولیت مان را به فرد یا سازمان دیگر انتقال نخواهیم داد. مسئولیت شخصی ما نسبت به خداست و در تمام برخورد هایمان با اطرافیان خود، معنکس خواهد شد (پیدایش باب ۳۹ آیه ۹؛ دانیال باب ۳ آیه ۱۶ را نیز ببینید). ما با تمام وجود و به بهترین وجه از تواناییهای خود وظیفه را مقبل می شویم. توفیق از دید خدا، بیشتر به ایمان و خلوص ما بستگی خواهد داشت تا هوش و استعداد.

دوم قرنطیان باب ۵ آیه ۱۰ را بخوانید. ما چگونه این آیات را در زمینه مفهوم مباشر حکیم بودن، درک می کنیم؟

متخصصین الهیات و فیلسوفان برای قرن ها در مورد مسئله دشوار اراده آزاد [اختیار] به بحث پرداخته اند. اما کتاب مقدس روشن است: ما به عنوان انسان دارای اراده و انتخاب آزاد هستیم. ایده مورد قضاؤت قرار گرفتن توسط اعمامان در غیر این صورت معنایی ندارد. بنابراین، ما با فیض خدا، یک مسئولیت شخصی داریم که در تمام کارهایی که انجام می دهیم، شامل مبادرین وفادار کارهای اربابمان، تصمیم های درست بگیریم.

تفکری فراتر: واژه ترجمه شده به عنوان «مباشر» در آیات عهد قدیم، بجای یک واژه از یک عبارت می‌آید: *asher al bayt*، «کسی که سرپرست یا ناظر یک خانه است». برای مثال، پیدایش باب ۴۳ آیه ۱۹ می‌تواند اینگونه ترجمه شود: «وقتی آنان به ناظر خانه یوسف نزدیک شدند با او در دروازه خانه گفتگو کردند.» در نظر بگیرید که در خانه ای زندگی می‌کنید که متعلق به شما نیست ولی به شما سپرده شده است تا با اهل خانواده خود در آن زندگی کنید. با اینکه این خانه متعلق به شما نیست ولی آیا همچون خانه خود از آن مراقبت نخواهید نمود؟ از این رو، مباشر کسی است که چیز بسیار با ارزشی به او سپرده شده باشد هر چند که به او تعلق نداشته باشد. از بسیاری جهات، این مسئولیت را بزرگ‌تر از زمانی می‌کند که مباشر مسئول دارایی‌های خودش می‌باشد. همین ایده در عهد جدید نیز ادامه یافته است. «عهد جدید ایده‌های عهد قدیم را می‌گیرد و آنها را با ایده‌ها، مفاهیم و کلمات قرن نخست تلفیق می‌کند و از این رو آموزه‌های کتاب مقدس در مورد مباشرت را غنی نموده و گسترش می‌دهد. رایج ترین واژگان یونانی استفاده شده در مورد مباشرت از *oikos* و *oikia*، خانه، مشتق شده اند. کسی است که از خانه محافظت می‌کند: مباشر یا مدیر. *oikonomia* یک اسم انتزاعی، مدیریت خانه است، که معنی آن اغلب گستردگی می‌باشد.» —

Handbook of Seventh-day Adventist Theology (Hagerstown, Md.: Review and Herald Publishing Association, 2000), p. 653

سوالاتی برای بحث

۱. در کلاس بیشتر در مورد ایده مباشر چیزهای نا مشهود و روحانی بودن به بحث پردازید. مفهوم آن چیست؟ ما چگونه این چیزها را «مدیریت» می‌کنیم؟
۲. در کلاس بیشتر در مورد ایده مباشر چیزهای نا مشهود و روحانی بودن به بحث پردازید. مفهوم آن چیست؟ ما چگونه این چیزها را «مدیریت» می‌کنیم؟
۳. به پیام سه فرشته در مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیات ۶ تا ۱۲ بیاندیشید. چه حقایق مهمی در آنجا بیان شده است که ما مسئولیت مباشر بودن آنها را دریافت کرده ایم؟
۴. چرا برای ما بسیار مهم است که اعتماد کردن و باور داشتن به چیزهای روحانی که کاملاً برایمان قابل درک نمی‌باشند را بیاموزیم؟ به چه روش‌های دنیوی ما در هر صورت همیشه این کار را انجام می‌دهیم؟



دعای فرد ناتوان در یادگیری

توسط اندرو مک چزنی، تبلیغ دینی ادونتیست

ادسون اسمیت ۱۱ ساله در حالی که با کتاب مقدس در دستش زانو می‌زد، اشک از چشمانش جاری شد.

او چنین دعا کرد: «خداوند، اگر به من کمک کنی که بخوانم، من این کتاب را هر روز خواهم خواند.»

اسمیت بدلیل ناتوانی در خواندن، از کلاس چهارم مدرسه ادونتیست روز هفتم در کشور کارائیب ترینیداد و توبago بیرون آمد. او دچار خوانش پریشی شدید بود. اسمیت مدتی برای بدست آوردن پول، انبه می‌چید و می‌فروخت و خانه‌ها را تمیز می‌کرد. اما وقتی می‌دید که دیگر کودکان به مدرسه می‌روند، غمگین می‌شد.

اسمیت که اکنون ۳۶ ساله است، گفت: «سپس روزی من بسیار افسرده بودم. کتاب کقدس را در دست گرفتم، بر روی زمین زانو زدم در حالی که اشک در چشمانم بود، و گفتم، خداوند، اگر به من کمک کنی که بتوانم بخوانم، این کتاب را هر روز خواهم خواند.»

این دعای ساده به سرعت پاسخ داده نشد و اسمیت سبک زندگی با فیلم‌های شهوتانگیز و مهمانی را در پیش گرفت. اما آن دعا اسمیت را در مسیر ایجاد کسب و کار محوطه سازی و مأموریت خیابانی ادونتیست روز هفتم به نام انجیل برای استخوان‌های خشک قرار داد که از شهادت‌های فردی چهار رهبرش برای تشویق افراد جوان به پیروی از مسیح استفاده می‌کند. حدود یک سال پس از دعای کودکانه‌اش، اسمیت توسط والدین ادونتیست خود به گراندا، جزیره‌ای واقع در ۱۶۰ کیلومتری شمال ترینیداد فرستاده شد تا با مادربزرگش زندگی کند. مادربزرگش او را به مدرسه بازگرداند. اگر چه اسمیت بزرگترین کودک در کلاس چهارم بود، متوجه شد که چند دانش‌آموز دیگر نیز به خوانش پریشی مبتلا هستند. او گفت، «این باعث شد که حس بهتری داشته باشم.»

بزرگسالان مصمم شدند به وی کمک کنند. یکی از معلمان تصمیم گرفت آواشناستی را به او آموخت دهد. هر شب، کتابی را در خانه باز می‌کرد و سعی می‌نمود آن را بخواند و کلمات آن را هجی کند.

حدود سه سال گذشت. سپس، یک شب وقتی که اسمیت ۱۵ ساله در تلاش برای خواندن بود، ناگهان متوجه شد که می‌تواند بخواند. کلمات معنا پیدا کردند و اسمیت گفت، «من شروع به خواندن کردم!» بزرگتر که شد، توانایی خواندن به او کمک کرد که کسب و کار محوطه سازی خود را باز کرد که در کنار مأموریت انجیل برای استخوان‌های خشک او فعالیت می‌کند.

او گفت، «من در کلاس فردی بودم که توانایی یادگیری نداشتم. نمی‌دانستم چگونه خواهم توانست از پس آن برآیم. و کاری که خدا برای من انجام داده است را ببینید.»

درباره ادسون اسمیت (سمت چپ) هفته آینده بیشتر بخوانید.

نشانه‌های یک مبادر



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: عبرانیان باب ۱۱ آیات ۸ تا ۱۲؛ رومیان باب ۴ آیات ۱۳ و ۱۸ تا ۲۱؛ متی باب ۶ آیه ۲۴؛ عبرانیان باب ۹ آیه ۱۴؛ اول یوحنا باب ۵ آیات ۲ و ۳؛ لوقا باب ۱۶ آیات ۱۰ تا ۱۲.

آیه حفظی: «همه باید ما را خادمان مسیح و مبادرین حقایق اسرار آمیز الهی بدانند. مسلماً یک مبادر باید قابل اعتماد باشد» (اول قرنتیان باب ۴ آیات ۱ و ۲).

مبادرین با نوع یا علامت متمایزشان شناخته می‌شوند، درست مانند خرد هفدهم که با آرم یا نام تجاری خود شناخته می‌شوند. درواقع، بسیاری از مردم با تبدیل خود به یک نام تجاری قابل عرضه در بازار، معروف می‌شوند.

نام و نشان تجاری یک مبادر مسیحی، بازتاب دهنده محبت مسیح بواسطه رابطه ای است که آن شخص با او دارد. هنگامی که ما صفات مسیح را در زندگی به کار می‌بنديم، زندگیمان مارک ما را نشان می‌دهد. مارک و نشان ما نشان عیسی می‌باشد؛ هویت ما با هویت او مخلوط شده است (اول قرنتیان باب ۶ آیه ۱۷).

این هفته ما به خصوصیات متمایز کننده مبادرین خدا که مارک آنها را بوجود دی آورند، نگاهی خواهیم انداخت. این ویژگیها ما را بر می‌انگیزند تا بدنیال بازگشت عیسی باشیم و به عنوان مبادرین وفادار حقیقتش، کاری را که به ما سپرده شده است، انجام دهیم. هر ویژگی تشریح کننده یک رابطه عمیق است که می‌توانیم با کسی که برای نجات از دست رفتگان آمد داشته باشیم. هر چه بیشتر این ویژگی‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند، عمیق تر در زندگیمان ریشه می‌یابند. شخصیت محبت وار خدا با تمام پویایی

اش، نشان انحصاری ما خواهد شد و بر قمam جنبه های زندگی ما در حال حاضر و تا
ابدیت تاثیر خواهد گذاشت.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۰ فوریه آماده شوید.

۴ فوریه

یکشنبه

وفادری و سر سپردگی

«مسلمًاً یک مباشر باید قابل اعتماد باشد» (اول قرنطیان باب ۴ آیه ۲). مبارزه و پیروزی «در مسابقه بزرگ ایمان» (اول تیموتائوس باب ۶ آیه ۱۲) برای یک مباشر وفادار بسیار حیاتی می باشد. خدا وفادار است و ما از طریق کار کردن او در ما، وفادار می شویم. وفادار بودن به معنی حقیقی پابرجایی در برابر آنچه می دانیم درست است بخصوص در گرمای مبارزات روحانی.

جنگ روحانی میان حق و باطل، خوب و بد مطمئناً بواقع خواهد پیوست. آنها بخشی از مبارزه ایمان هستند. تصمیمی که مبشارین باید در هر موقعیت بگیرند این است که وفادار باشند. اگر شما عاشق ثروت هستید، مطمئن شوید که به خدا و آنچه که درباره خطرات عشق به پول می گوید، وفادار باقی ہمانید. اگر طالب شهرت هستید، نسبت به آنچه کلام خدا درباره تواضع می گوید، وفادار ہمانید. اگر با افکار شهوانی در کشمکش هستید، نسبت به وعده های قدس وفادار ہمانید. اگر خواهان قدرت هستید، نسبت به آنچه خدا درباره خدمت گزاری همه بودن می گوید، وفادار ہمانید. انتخاب وفادار بودن و وفادار نبودن اغلب به گزینه دوم می انجامد حتی با وجود اینکه عواقبش می تواند ابدی باشد.

عبرانیان باب ۱۱ آیات ۸ تا ۱۹، ۱۲ تا ۱۷ و رومیان باب ۴ آیات ۱۳، ۱۲ تا ۲۱ را بخوانید.
این آیات درباره وفادار بودن چه چیزی تعلیم می دهد؟

در زبان عبری، «وفادر» به معنی اعتماد کردن می باشد. همان ریشه یکسان عربی به ما واژه «امین» را می دهد و درواقع به معنی «محکم» و «استوار» بودن می باشد. وفاداری بدین معنی است که ما تحت آزمایش قرار گرفته ایم و برای نقشه خدا متعهد و استوار باقی مانده ایم.

مارتین لوتر پیشوای جنبش اصلاح گرائی، «که خود را برای سخن گفتن در مقابل امپراطور آماده می کرد، کلام خدا را می خواند، به نوشته های خود نگاه می کرد و در پی ارائه پاسخی مناسب می گشت ... او کتاب مقدس را نزدیک آورد ... و با شور و هیجان

دست چپ خود را بروی کتاب مقدس قرار داد در حالی که دست راستش را به سمت آسمان بلند نمود، سوگند یاد نمود که به انجیل وفادار بماند و آزادانه ایمانش را ابراز کند حتی اگر شهادتش را با خون خود مهر کند. —

J. H. Merle d'Aubigné, *History of the Reformation* (New York: The American Tract Society, 1846), vol. 2, book 7, p. 260

مکاشفه یوحنا باب ۲ آیه ۱۰ را بخوانید. کلمات درباره «وفادار بودن تا سر حد مرگ» باید برای ما در مسیر روزانه مان با خداوند، چه معنایی داشته باشند؟

۵ فوریه

دوشنبه

سرسپردگی

«هیچ کس نمی‌تواند بندۀ دو ارباب باشد چون یا از اولی بدش می‌آید و دومی را دوست دارد و یا به اولی ارادت پیدا می‌کند و دومی را حقیر می‌شمارد. شما نمی‌توانید هم بندۀ خدا باشید و هم در بند مال» (متى باب ۶ آیه ۲۴). این آیه چه چیزی درباره اهمیت بسیار زیاد سرسپردگی به خدا را به ما می‌آموزد؟

دانستن اینکه نام خدا به معنی «غیور» (خروج باب ۳۴ آیه ۱۴) می‌باشد، باید مانند صدای شیپور ما را به سرسپردگی فراخواند. سرسپردگی به یک خدای «غیور»، سرسپردگی در محبت است. در جنگ ایمان، سرسپردگی به تعریف آن که ما هستیم کمک می‌کند و ما را به ماندن در مبارزه تشویق می‌کند.

وفاداری و سرسپردگی ما برای خدا مهم است (اول پادشاهان باب ۸ آیه ۶۱). این یک قرارداد نیست که بدبال پیش بینی تمام احتمالات باشد؛ همچنین تنها فهرستی از قوانین نیست. بلکه در عوض، یک بیانیه آشکار از باورها، ایمان و تعهد شخصی ماست.

اول تواریخ باب ۲۸ آیه ۹ را بخوانید. این آیه درباره اهمیت وفاداری و سرسپردگی، چه چیزی به ما می‌آموزد؟

هر کجا که وفاداری وجود دارد، به هر حال، احتمال خیانت نیز وجود دارد. وفاداری نیز مانند محبت باید رایگان ارائه شود زیرا در غیر این صورت وفاداری حقیقی نمی‌باشد.

در جنگ، گاهی نیروهای خط مقدم مجبور به ماندن و مبارزه کردن هستند؛ در غیر این صورت، افسرانشان به آنها شلیک خواهد کرد. این افراد ممکن است وظیفه خود را انجام دهند اما لزوماً به خاطر وفاداری نمی باشد. این وفاداری نیست که خدا از ما می خواهد. به ایوب بنگرید. او حوادث فاجعه باری را که قرار بود خانواده، دارایی‌ها و سلامتی وی را نابود کنند، پیش بینی نکرد. او می توانست اعتماد، محبت و تعهدش را ترک نماید، اما وفاداری اش به خدا یک انتخاب تزلزل ناپذیر اخلاقی بود. او که در ستایش علنی خدا صادق و شجاع بود، این سخنان معروف را ادا کرد، «گرچه خدا مرا بکشد، در حضور او از خود دفاع خواهم کرد» (ایوب باب ۱۳ آیه ۱۵). سرسپردگی او در برابر فاجعه، اساس وفاداری است و مباشین وفادار را به بهترین شکل نشان می دهد.

از خود بپرسید: من در برابر خداوند که برای من مرد، تا چه میزان وفادار هستم؟ به چه روش‌هایی می توانم این وفاداری را بهتر آشکار کنم؟

۶ فوریه

سه شنبه

وjudan roshan

چیزهای با ارزش زیادی وجود دارند که ما می توانیم داشته باشیم. سلامتی، عشق، دوستان، خانواده عالی — همه اینها برکت هستند. اما شاید مهم تر از همه، وجدان پاک باشد.

عربانیان باب ۱۰ آیات ۱۹ تا ۲۲ و اول تیموتائوس باب ۴ آیات ۱ و ۲ را بخوانید. داشتن یک «وجدان شریر» و «وجدانی که همچون آهن سرد بی حس شده است»، به چه معناست؟

وجدان ما به عنوان یک دیده بان و ناظر داخلی از زندگی بیرونی ما عمل می کند. یک وجدان باید خود را به معیاری عالی و بالا مرتبه پیوند دهد: احکام خدا. خدا احکام خود را بر قلب آدم نوشت اما گاه تقریباً آن را محو نمود — نه تنها در او بلکه همچنین در نسل او. تنها بخش‌هایی از احکام باقی ماندند. «[غیر یهودیان] نشان می دهند که مقررات شریعت در قلب هایشان نوشته شده و وجدان‌های ایشان نیز درستی آن را تایید می کند» (رومیان باب ۲ آیه ۱۵). عیسی هر کجا که آدم شکست خورد، موفق می شود زیرا احکام خدا «در دل او» حفظ بود (مزامیر باب ۴۰ آیه ۸).

پولس می گوید که چه چیزی تنها راه حل ما برای وجودانی بد می باشد؟ عربانیان باب ۹ آیه ۱۴ را ببینید.

«باید به گنجه وجودان وارد شد. پنجره های جان باید به روی زمین بسته و به سوی آسمان گشوده شوند تا پرتو های روشن آفتاب عدالت بر احتی بتابند ... ذهن باید روشن و پاک نگاه داشته شود تا میان خوب و بد تمایز قائل شود.» — الن جی وايت،

Mind, Character and Personality, vol. 1, pp. 327, 328

هنگامی که احکام خدا بر قلب ایماندار نوشته شود (عربانیان باب ۸ آیه ۱۰) و ایماندار با ایمان بدنیال آن احکام باشد، یک وجودان روشن، نتیجه احتمالی آن می باشد.

اگر تا کنون تحت فشار یک وجودان گناهکار تقلا نموده اید، می دانید که تا چه میزان می تواند هولناک باشد، ادامه پیدا کند و هرگز شما را رها نکند. تمرکز نمودن بر عیسی و مرگش بر روی صلیب برای شما و گناهتان، چگونه می تواند به رهایی شما از نفرین وجودان گناهکار کمک کند؟

۷ فوریه

چهارشنبه

اطاعت

هایل با فرمانبرداری در مذبح خود زانو زد، و همانطور که خدا دستور داده بود، بره قربانی را با خود به همراه داشت. قائن از طرف دیگر، با عصباتی در مذبح خود زانو زد و میوه با خود داشت. هر دو پیشکشی با خود آورده بودند، اما تنها یک برادر از فرمان خدا اطاعت کرده بود. بره قربانی پذیرفته شد، اما محصول زمین رد شد. هر دو برادر مفهوم و دستورالعمل های مربوط به پیشکشی قربانی را درک کردند، اما تنها یکی از آنچه خداوند فرمان داده بود، اطاعت نمود (پیدایش باب ۴ آیات ۱ تا ۵).

«مرگ هایل در نتیجه سر باز زدن قائن در پذیرش نقشه خدا در مکتب اطاعت بود، نجات یافتن با خون عیسی مسیح، با ارائه قربانی اشاره شده به مسیح مشخص می شود. قائن ریختن خون را که نماد ریخته شدن خون مسیح برای جهان بود، نپذیرفت.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White Comments, The SDA Bible Commentary, vol. 6, p. 1109

اطاعت در ذهن شروع می شود. شامل روند حساس پذیرش ذهنی مسئولیت انجام دستورات از مقام بالاتر می شود. اطاعت از رابطه ای با یک شخص مقتدر و تمایل به مطیع او بودن، شکل می گیرد. در مورد رابطه ما با خدا، اطاعتمن داوطلبانه است، کاری

از روی محبت که رفتار ما را بصورت تعهدات اخلاقی قالب ریزی می‌کند. اطاعت از خدا باید دقیقاً آنگونه که او دستور می‌دهد، باشد و نه آنگونه که ما فکر می‌کنیم و مایلیم که باشد. مورد قائل یک مثال عالی از کسی است که آنچه خود می‌خواهد را بجای آنچه خدا تمايل دارد، انجام می‌دهد.

اول یوحنا باب ۵ آیات ۲ و ۳ و رومیان باب ۱ آیه ۵ و باب ۱۰ آیات ۱۶ و ۱۷ را بخوانید. این آیات درباره معنای اطاعت برای مسیحیان که بواسطه ایمان و بدون اعمال شریعت نجات می‌یابند، چه چیزی تعلیم می‌دهند؟

ما برای اینکه نجات یابیم، اطاعت نمی‌کنیم؛ ما اطاعت می‌کنیم زیرا پیش از این نجات یافته ایم. اطاعت دستور عملی ایمان معنوی است. سموئیل به شائل گفت، «آیا خداوند بیشتر از دادن قربانی‌ها و نذرها خشنود و راضی می‌شود یا از اطاعت از او؟ اطاعت بهتر از قربانی کردن است. فرمانبرداری هراتب بهتر از چربی قوچ است» (اول سموئیل باب ۱۵ آیه ۲۲).

منظور سموئیل از گفتن «اطاعت بهتر از قربانی کردن است، چه بود؟» این باید به ما مسیحیان چه چیزی بگوید که برای گرفتار نشدن در انجلیل دروغین فیض ارزان، به ما کمک کند؟

۸ فوریه

پنجشنبه

امین و قابل اعتماد بودن

لوقا باب ۱۶ آیات ۱۰ تا ۱۲ را بخوانید. این آیات درباره قابل اعتماد بودن، چه چیزی به ما می‌آموزند؟ چرا این ویژگی برای یک مباشر و فادر بسیار مهم می‌باشد؟

این اصل قابل اعتماد بودن در سرتاسر کتاب مقدس دیده می‌شود. برای مثال، در یک داستان چهار متصدی دربانی لاوی مسئول حفاظت از معبد عهد قدیم در شب شدند. آنها باید از اتاق‌های پر از گنج محافظت می‌کردند و هر روز صبح کلیدها را برای باز کردن درها نگاه می‌داشتند (اول تواریخ باب ۹ آیات ۲۶ و ۲۷). از آنجایی که آنها قابل اعتماد تلقی می‌شدند، این وظیفه به آنها سپرده شده بود.

قابل اعتماد بودن یک ویژگی مباشر خوب است. این بدین معناست که مبادرین قابل اعتماد، معنای عمیق وظیفه خود را می دانند؛ آنها درک می کنند که خدا قابل اعتماد است و آنها نیز تلاش می کنند که این چنین باشند (تشنیه باب ۳۲ آیه ۴، اول پادشاهان باب ۸ آیه ۵۶).

قابل اعتماد بودن به معنی مجموعه ای از ویژگی ها می باشد. این بالاترین سطح شخصیت و شایستگی است که یک فرد می تواند در نظر ناظران بdst آورد. منعکس کردن شخصیت خدا بدین معنی است که کاری را که می گویید انجام خواهید داد، بدون در نظر گرفتن شرایط یا مردمی که بر شما فشار می آورند تا خلاف آن را انجام دهید (دوم پادشاهان باب ۱۲ آیه ۱۵).

دانیال از نظر پادشاهان دو سلطنت جهانی، قابل اعتماد بود. شهرت او در سرتاسر زندگی اش به عنوان یک مشاور قابل اعتماد که شجاعانه حکمت و حقیقت را به پادشاهان می رساند، در تضاد مستقیم با جادوگران و فال گیران دربار بود. قابل اعتماد بودن گوهر تاج اخلاقیات است؛ اصول اخلاقی شما را به ناب ترین شکل ممکن به نمایش می گذارد. این صفت در یک مباشر یک شبه بوجود نمی آید بلکه در طول زمان با وفادار بودن حتی در کوچک ترین چیزها بdst می آید.

دیگران متوجه امین و صادق بودن ما می شوند. آنها به ما احترام می گذارند و به ما تکیه می کنند زیرا می دانند که ما به راحتی توسط نظریات، وسوسه ها یا تملق تحت تاثیر قرار نمی گیریم. در نتیجه امین بودن نمایشی از عملکرد شخصیت در همه مسئولیت های انجام شده بر روی زمین، مکانی برای آزمون رفتن به ملکوت، می باشد. «ما باید اشخاصی وفادار و قابل اطمینان برای پادشاهی مسیح باشیم تا کسانی که حکمت دنیوی دارند، ارائه ثروت ها، خوبی ها، رحمت ها، مهربانی و تواضع شهروندان ملکوت خدا را مشاهده کنند.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Testimonies for the Church*, vol. 6, p. 190

درباره کسی که قابل اعتماد است و شما شخصا او را می شناسید، بیاند یشید.
چه چیزی می توانید از آن فرد بیاموزید که به شما در قابل اعتماد تر بودن کمک کند؟

۹ فوریه

جمعه

تفکری فراتر: نشانه دیگر مباشر خوب، مسئولیت شناسی و پاسخ گویی بصورت فردی می باشد.

«این همیشه نقشه شیطان بوده است که ذهن مردم را از عیسی به بشر جلب کند و پاسخ گویی فردی را از بین ببرد. شیطان هنگامی که پسر خدا را وسوسه نمود، در نقشه

اش شکست خورد؛ اما هنگامی که نزد انسان سقوط کرده آمد، بهتر موفق بود. مسیحیت فاسد شد.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, *Early Writings*, p. 213

در صورتی که مسیح کانون هستی ما باشد، بنابراین از هدایت و ارشادات او استقبال می کنیم. در نتیجه، ایمان، وفاداری، اطاعت، وجدان پاک، قابل اعتماد بودن و پاسخ گویی فردی در زندگی ما نمایان خواهد شد. بنابراین، ما به عنوان مبادرین، در دستان خداوند کامل شده ایم (مزامیر باب ۱۳۹ آیات ۲۳ و ۲۴).

پاسخ گویی فردی یک اصل ضروری کتاب مقدس می باشد. عیسی زمانی که بر روی زمین بود، شخصا در برابر پدر جوابگو بود (یوحنا باب ۸ آیه ۲۸). ما در برابر هر سخن بیهوده مسئول می باشیم (متی باب ۱۲ آیه ۳۶). «هر گاه به کسی زیادتر سپرده شود، از او زیادتر مطالبه خواهد شد» (لوقا باب ۱۲ آیه ۴۸). اگر چه بزرگ ترین تهدید برای پاسخ گویی فردی، تمایل به انتقال مسئولیت هایمان به فرد دیگر می باشد. «بیایید در نظر داشته باشیم که آنچه برای سرمایه گذاری به ما سپرده شده است، دارایی خودمان نمی باشد. اگر چنین بود، ما ممکن بود قدرت بصیرتی مطالبه کنیم؛ ممکن بود مسئولیت های خود را به دیگران واگذار کنیم و مباشرقان را به ایشان بسپاریم. اما نمی تواند چنین باشد زیرا خداوند ما را به صورت فردی مباشر خود ساخته است.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, *Testimonies for the Church*, vol. 7, p. 177

سؤالاتی برای بحث

۱. به نشانه های مختلف یک مباشر که در این هفته مطالعه کردیم، توجه کنید: پاسخ گویی فردی، قابل اعتماد بودن، فرمانبرداری، وفاداری، وجدان روشن و سر سپرده‌گی. این صفات چگونه با یکدیگر مرتبط هستند؟ کوتاهی در یک مورد چگونه به کوتاهی در مورد دیگر منجر خواهد شد؟ یا پاییندی محکم در یک مورد چگونه ممکن است به پاییندی در موارد دیگر منجر شود؟
۲. در مورد اینکه وعده های انجیل چگونه می تواند به کسانی که عذاب وجدان دارند، کمک کند، بیشتر بیاندیشید. آنها چه وعده هایی می توانند مطالبه کنند؟
۳. ما اغلب مفهوم «وفداداری» را به خودی خود خوب می بینیم. اما آیا همیشه این چنین است؟ به چه روش هایی ممکن است به چیز یا فردی وفادار باشیم که خوب نیست؟ پس چرا مفهوم «وفداداری» باید همواره در یک زمینه خاص درک شود تا متوجه شویم که آیا این وفاداری خوب است یا نابجا؟

از اشتیاق تا شفقت

توسط اندرو مک چزنی، تبلیغ دینی ادونتیست

ادسون اسمیت، کوچکترین میان چهار پسر خانواده، توسط والدینی ادونتیست بزرگ شد که علاقه‌شان برای بینانگذار کلیسا، الن جی. وايت باعث شد نام او را مانند پسر الن جی. وايت، ادسون بگذارند.

اما اسمیت رابطه‌ای شخصی با عیسی برقرار نکرد.

او گفت، «گاهی شما در کلیسا رشد می‌کنید، اما در مسیح خیر.»

او به عنوان یک فرد بالغ جوان در زادگاهش در بندر اسپانیا در کشور کارائیب ترینیداد و توبago دارای اعتماد به نفس پایینی بود. او در مهمانی‌ها و خوشگذرانی‌ها شرکت می‌کرد. به خودکشی فکر کرد. اما سپس قول کودکانه به خدا مبنی بر خواندن روزانه کتاب مقدس را به یاد آورد.

اسمیت شروع به حضور یافتن در کلیسا به طور مرتب نمود و تعمید داده شد. او با یک ادونتیست جوان که مانند خودش اشتیاق داشت که عیسی را با جوانانی که همچنان به پارتی رفتن علاقه دارند، به مشارکت بگذارد دوست شد. آن‌ها با هم شروع به درمیان گذاشتن داستان زندگی خود در خیابان، ایستگاه اتوبوس و حتی اتوبوس‌های در حال حرکت نمودند.

اسمیت که اکنون ۳۶ ساله است، گفت: «من هرگز نمی‌دانستم که خدا مرا بلند خواهد کرد تا بشارت دهنده‌ای سیار باشم.»

اسمیت این مأموریت نوپا را با توجه به رؤیای حزقيال از دره‌ای از استخوان‌های خشک در حزقيال باب ۳۷ آیات ۱ تا ۱۴، انجیل به استخوان‌ها نامید. اسمیت گفت که خدا او را پس از مردن در گناه به زندگی باز گرداند، درست همانطور که خدا در حزقيال درباره زنده کردن استخوان‌ها سخن گفت.

اسمیت گفت که پس از دوران جوانی دشوار، با چالش غلبه بر گناه جنسی روبرو شد. او ساعتها را صرف فریاد برآوردن نزد خدا و مطالبه وعده‌های کتاب مقدس نمود. بخش‌های مورد علاقه، رومیان باب ۸ و همچنین یوحنا باب ۸ آیات ۳۶ تا ۳۴ بودند، جایی که عیسی می‌گوید، «یقین بدانید که هر کسی که گناه می‌کند برده گناه است و برده همیشه

در میان اهل خانه نمی‌ماند ولی پسر همیشه می‌ماند. پس اگر پسر، شما را آزاد سازد واقعاً آزاد خواهید بود.»

اسمیت گفت، «خدا در زندگی من کاری انجام داد و اگر او می‌تواند مرا تغییر دهد، قادر است هر کس دیگری را نیز تغییر دهد. شما مجبور نیستید دزد، عضو باندی خلافکار، همجنس‌گرا یا خودارضا از دنیا بروید. عیسی نیامد تا عادلان را فراخواند. او آمد تا گناهکاران که من پیش رو ایشان هستم را فراخواند. من خدا را برای این شکر می‌کنم.»

او گفت که غریبه‌ها معمولاً با علاقه به حرف‌هایش گوش می‌دهند، اگر چه گاهی بدلیل موعظه کردن مورد تمسخر قرار گرفته و از اتوبوس بیرون انداخته شده است. او و همکارانش همچنین در دبیرستان‌ها و کلیساها صحبت می‌کنند.

او گفت، «ما سال‌های خوشگذرانی خود را به یاد می‌آوریم. می‌خواهیم شاد باشیم و از ترویج انجیل شرمگین نباشیم.»
برای مطالعه بیشتر در مورد ادسون اسمیت (در تصویر با رهبران انجیل برای استخوان‌ها) به مطلب هفته قبل مراجعه کنید.

صادق بودن با خدا



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: لوقا باب ۱۶ آیه ۱۰؛ لاویان باب ۲۷ آیه ۳۰؛ پیدایش باب ۲۲ آیات ۱ تا ۱۲؛ عربانیان باب ۱۲ آیه ۲؛ لوقا باب ۱۱ آیه ۴۲؛ عربانیان باب ۷ آیات ۲ تا ۱۰؛ نعمیا باب ۱۳.

آیه حفظی: «اما دانه‌هایی که در خاک خوب افتادند بر کسانی دلالت دارد که کلام خدا را با قلبی صاف و پاک می‌شنوند و آن را نگه می‌دارند و با پشتکار، گمرات فراوان به بار می‌آورند» (لوقا باب ۸ آیه ۱۵).

قلب صادق چیست و چگونه نمایان می‌شود؟ فرهنگ معاصر اغلب صداقت را به عنوان یک رفتار نسبی و نا معین در نظر می‌گیرند؛ اکثر مردم گاه و بیگاه دغل باز می‌شوند اما در صورتی که نقض عهد بیش از حد نباشد، آن را قابل قبول می‌دانند. همچنین ادعا شده است که شرایط خاص می‌توانند ناراستی را توجیه کنند.

حقیقت و صداقت همواره با هم هستند. با این وجود، با خوی صادق متولد نشده ایم؛ چرا که این مفهوم یک فضیلت اخلاقی است که باید آموخته شود و در کانون شخصیت اخلاقی مباشر قرار دارد. تمرين صداقت، نیکویی بیار خواهد آورد. برای مثال، نگرانی بخاطر در مخصوصه افتادن بخاطر دروغ و یا پنهانکاری دیگر هرگز وجود نخواهد داشت. به این دلیل و دلایل دیگر، صداقت یک ویژگی ارزشمند شخصیت است، بخصوص تحت شرایط دشوار هنگامی که وسوسه ممکن به آسانی انسان را به دام دغل بازی بیاندازد.

در درس این هفته، مفهوم روحانی صداقت از طریق پرداخت (۵۵-یک) [یا عشر] را مطالعه خواهیم نمود و خواهیم دید که چرا پرداخت (۵۵-یک) برای مباشر و کار مباشرت بسیار حیاتی می‌باشد.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۷ فوریه آماده شوید.

مشکل صداقت خالصانه

اکثر ما در یک موضوع اشتراک نظر داریم و این که از عدم صداقت و دغل بازی بیزاریم. بخصوص وقتی ناراستی را در دیگران بطور عیان می بینیم، آنرا دوست نداریم. اگر چه، مشاهده آن در خودمان آسان نمی باشد و هنگامی که آنرا در می یابیم، تمایل داریم تا اعمال خود را منطقی جلوه داده و آنرا توجیه کنیم و اهمیت آنرا کمرنگ جلوه دهیم: به این بدی ها هم نیست؛ این تنها یک چیز کوچک است، واقعاً مهم نیست. ما حتی ممکن است اکثر اوقات خودمان را فریب دهیم؛ اما هرگز نمی توانیم خدا را فریب دهیم.

«narasti در تمامی صنوف و سطوح بشری پرداخته می شود و باعث از دست دادن شور و حرارت بسیاری میشود که ادعای باور به حقیقت را دارند. آنها با مسیح مرتبط نیستند و جانهای خویش را می فرینند.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Testimonies for the Church*, vol. 4, p. 310

لوقا باب ۱۶ آیه ۱۰ را بخوانید. عیسی چه اصل مهمی را در اینجا بیان می کند که باید به ما در دیدن میزان اهمیت صداقت حتی در «چیزهای کوچک»، کمک کند؟

هر چند خدا می داند که ما چقدر آسان می توانیم دغل کار باشیم، بخصوص وقتی که مربوط به دارایی هایمان می شود. از این رو، او به ما یک پادزهر قوی برای عدم صداقت و خودخواهی داده است، دست کم زمانی که به داریی های مادی مربوط می شود.

لاویان باب ۲۷ آیه ۳۰ و ملاکی باب ۳ آیه ۸ را بخوانید. این آیات چه چیزی تعلیم می دهند و آنچه که می گویند، چگونه می تواند در صادق ماندن کمک کند؟

«چرا هیچکس سخاوتمند و یا سپاسگزار نیست. این یک مشکل صداقت خالصانه است. (د-یک) به خداوند تعلق دارد؛ و او به ما امر می کند که آنچه به او تعلق دارد را به وی باز گردانیم اگر صداقت یک اصل اساسی در امور زندگی باشد، آیا ما نباید تعهد خود را به خدا تشخیص دهیم — تعهدی که بالاتر از همه تعهدهاست؟» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Education*, pp. 138, 139

پرداخت ده – یک چگونه می تواند به شما در بیاد داشتن اینکه در نهایت چه کسی مالک همه آنچه که دارید می باشد، کمک کند؟ چرا مهم است که هرگز فراموش نکنیم که چه کسی صاحب تمام داری می باشد؟

۱۲ فوریه

دوشنبه

زندگی با ایمان

پیدایش باب ۲۲ آیات ۱ تا ۱۲ را بخوانید. این داستان چه چیزی درباره واقعیت ایمان ابراهیم به ما می گوید؟

زندگی مومنانه واقعه ای نیست که یکبار اتفاق بیافتد. ما ایمان را به روشنی قدر قند تنها یکبار ابراز نمی کنیم، و از این رو ثابت می شود که ما در واقع مسیحیانی وفادار و با ایمان هستیم که با فیض زندگی می کنیم و با خون مسیح تحت پوشش قرار گرفته ایم. برای مثال، جهان مذهبی هنوز پس از هزاران سال، از عمل از روی ایمان که توسط ابراهیم نسبت به اسحاق در کوه موریا نشان داده شد شگفت زده می باشد (پیدایش باب ۲۲). با این وجود، این عمل از روی ایمان چیزی نبود که ابراهیم زمانی که به آن نیاز داشت، مصرانه خواهان انجامش باشد. زندگی وفادارانه و مطیعانه او در قبل چیزی بود که او را قادر به انجام آن کار نمود. او پیش از این واقعه اغلب بی ایمان بود، و هرگز نمی توانست اینگونه از این آزمون سربلند بیرون بیاید. همچنین شکی نیست که فردی با چنین ایمانی، پس از آن اتفاق نیز با ایمان زندگی خواهد کرد.

نکته این است که ایمان یک مباشر نیز عملی مربوط به یکبار نمی باشد. با گذشت زمان، بسته به اینکه فردی که ادعای ایمان دارد، چگونه آن را بکار برد، یا عمیق تر و قوی تر می شود و یا سطحی تر و ضعیف تر.

عرانیان باب ۱۲ آیه ۲ را بخوانید. این مطلب چه چیزی درباره منبع ایمان و چگونه ایمان داشتن، به ما می گوید؟

تنها چاره ما به عنوان مباشران وفادار این است که، «به عیسی که ایمان ما را بوجود آورده و آن را کامل می گرداند چشم بدوزیم، چون او به خاطر شادی که در انتظارش بود متحمل صلیب شد و به رسوای مردن بر روی صلیب اهمیت نداد و بر دست راست تخت

الهی نشسته است» (عبرانیان باب ۱۲ آیه ۲). واژه «کامل کننده» تنها در این یک مورد در عهد جدید بکار برده شده است و همچنین می‌تواند به صورت «کامل کننده» بکار رود. این بدین معناست که عیسیٰ قصد به کمال رساندن و کامل کردن ایمان ما را دارد (عبرانیان باب ۶ آیات ۱ و ۲). بنابراین، ایمان و زندگی مومنانه یک تجربه پویا است: رشد می‌کند، بالغ می‌شود و افزایش می‌یابد.

ایمان شما به چه روش‌هایی در طی زمان رشد نموده و به بلوغ رسیده است؟
اصلاً آیا چنین بوده است؟

۱۳ فوریه

سه شب

بیانی از ایمان

همانطور که در درس دیروز دیدیم، ایمان یک فرایند است، یک تجربه پویا که بصورت ایده آل رشد می‌کند و بالغ می‌شود. و یک راه که خدا از طریق آن، ایمان ما را «رشد داده» و آن را به کمال می‌رساند، عادت کردن به پرداخت (۵-یک) می‌باشد. اگراین مطلب درست درک شود، مشخص است که بازگرداندن (۵-یک) به خدا، احکام گرایی نمی‌باشد؛ هنگامی که ۵-یک یا همان عشر را پرداخت می‌کنیم، به دنبال یا در تلاش برای بدست آوردن راه خود به ملکوت نیستیم. در عوض، پرداخت ۵-یک، نوعی بیانیه و اظهار ایمان است. این یک اظهار قابل مشاهده، ظاهری و شخصی از واقعیت ایمان ماست.

گذشته از هر چیز، هر کسی می‌تواند ادعا کند به خدا و حتی عیسیٰ ایمان و باور دارد. همانطور که می‌دانیم، «حتی شیاطین نیز به خدا ایمان دارند» (یعقوب باب ۲ آیه ۱۹). اما برداشتی ۱۰ درصد از درآمدتان و بازگرداندن آن به خدا؟ این عملی است که از روی ایمان انجام می‌شود.

لوقا باب ۱۱ آیه ۴۲ را بخوانید. وقتی که عیسیٰ نشان می‌دهد که پرداخت ۵-یک نباید نادیده گرفته شود، به چه معناست؟ ۵-یک چگونه به مسائل سنگین تر احکام مربوط می‌شود؟

پرداخت ۵-یک، ابرازی متواضعانه از وابستگی به خداست و اطمینان به اینکه مسیح نجات دهنده ماست. تشخیص این است که ما قبلًا «با هر برکت روحانی در مسیح» (افسیان باب ۱ آیه ۳) و وعده بیشتر برکت داده شده ایم.

«نقشه خدا در نظام پرداخت ۵-یک زیباست، در سادگی و مساوات. همه باید آن را با ایمان و با شجاعت انجام دهنند زیرا که منشاء الهی دارد. سادگی و سودمندی در آن ترکیب شده اند و نیازی به یادگیری عمیق برای درک و انجام آن نمی باشد. همه احساس خواهند نمود که می توانند نقشی در پیش بردن کار با ارزش نجات داشته باشند. هر مرد، زن و جوانی می تواند به خزانه دار خداوند تبدیل شود، و ماموری باشد که مسئولیت های خزانه داری را انجام دهد.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Counsels on Stewardship*, p. 73

شما چگونه برگت روحانی حقیقی که از پرداخت ۵-یک بدست می آید را تجربه کرده اید؟ پرداخت ۵-یک، چگونه به افزایش ایمان شما کمک کرده است؟

۱۴ فوریه

چهارشنبه

(۵-یک) صادقانه: مقدس برای خداوند

ما اغلب در مورد پرداخت (۵-یک) به خدا صحبت می کنیم. اما چگونه آنچه به خدا تعلق دارد را به وی می دهیم؟

لاویان باب ۲۷ آیه ۳۰ را بخوانید. دو نکته مهمی که در این آیات در مورد (۵-یک) یافت می شود، کدامند؟

«(۵-یک) به خداوند تعلق دارد و در نتیجه مقدس است. (۵-یک) از طریق نذر یا تبرک، تقdis نمی شود. در واقع در ماهیت خویش مقدس می باشد؛ و به خداوند تعلق دارد. هیچ کس جز خدا حقی در برابر آن ندارد. هیچ کس نمی تواند آن را وقف خداوند کند، زیرا (۵-یک) هرگز بخشی از دارایی فرد نمی باشد.» — آنجل مانوئل رودریگز، Angel Manuel Rodríguez, *Stewardship Roots* (Silver Spring, Md.: Stewardship Ministries Department, 1994), p. 52

ما (۵-یک) را مقدس نمی کنیم؛ خدا با طرح خود چنین می کند. او این حق را دارد. ما بعنوان مبادرین، آنچه به او تعلق دارد را به وی بازمی گردانیم. (۵-یک) برای کاری

خاص به خدا اختصاص داده می شود. نگه داشتن آن برای هر کار دیگری، ناراستی است. عمل بازگرداندن (د-یک) مقدس هرگز نباید شکسته شود.

عرانیان باب ۷ آیات ۲ تا ۱۰ را بخوانید. بحث پولس با ملکیصدق در مورد پرداخت د-یک توسط ابراهیم، چگونه معنای عمیق تر پرداخت د-یک را ثایان می سازد؟

از این رو، همانطور که روز سبت مقدس است، (د-یک) نیز مقدس می باشد. واژه « المقدس» به معنی «کنار گذاشتن [یا جدا نمودن] برای استفاده مقدس» می باشد. روز سبت و (د-یک) از این راه به هم مرتبط هستند. ما روز هفتم سبت را به عنوان روزی مقدس و روحانی مجزا می کنیم؛ و ما (د-یک) را به عنوان دارایی وقف شده خدا که مقدس است، کنار می گذاریم.

«خدا روز هفتم را تقدیس نموده است. بخش مشخصی از زمان، در نظر گرفته شده توسط خدا برای عبادت مذهبی تعیین شد، و امروز مانند زمانی که نخستین بار توسط خالق تقدیس شد، مقدس می باشد.

به همین نحو، یک دهم درآمد مانند خداوند مقدس است. عهد جدید قانون (د-یک) را معرفی نمی کند، درست همانطور که قانون روز سبت را معرفی نمی کند؛ زیرا که صحت هر دو مفروض است و تاثیر روحانی عمیق آنها توضیح داده شده است... در حالی که ما انسان ها بدبنا و فادرانه اختصاص دادن زمانی که او به متعلق به خود مشخص نمود، به وی هستیم، آیا نباید مقداری از دارایی خود را که وی مطالبه می کند، به او بازگردانیم؟» — الن جی. وايت، *Counsels on Stewardship*, p. 66

شما برای کمک به زنده نگه داشتن واقعیت مقدس بودن (د-یک) در قلب و ذهن خود، چه کاری می توانید انجام دهید؟

۱۵ فوریه

پنجشنبه

احیاء، اصلاحات، و پرداختن (د-یک)

سلطنت طولانی حزقيا به عنوان نقطه اوجی برای قبیله یهودا در نظر گرفته می شود. از زمان سلطنت داود و سليمان، بين اسرائیل تا چنین حدی از برکات خدا لذت نبرده بودند. در دوم تواریخ باب های ۲۹ تا ۳۱، تاریخچه احیا و اصلاحات حزقيا ثبت شده است: «او آنچه در نظر خداوند پسند بود... به عمل آورد» (دوم تواریخ باب ۲۹ آیه ۲). «خدمت

خانه خداوند آراسته شد» (دوم تواریخ باب ۲۹ آیه ۳۵). عید پسح نگاه داشته شد (دوم تواریخ باب ۳۰ آیه ۵). «شادی عظیمی در اورشلیم رخ نمود» (دوم تواریخ باب ۳۰ آیه ۳۰). تمثیلهای مذبحها و مکانهای بلند ویران شدند (دوم تواریخ باب ۳۱ آیه ۱). یک احیاء ناگهانی قلب و اصلاح عمل وجود داشت، و در نتیجه فراوانی ۵۰-یک و پیشکشی بوجود آمد (دوم تواریخ باب ۳۱ آیات ۴، ۵ و ۱۲).

نحمیا نمونه دیگری از احیاء، اصلاحات و دادن (۵۰-یک) را ابراز می‌دارد. نحمیا باب ۹ آیات ۲ و ۳ را بخوانید. احیای قلب به چه معنا بود؟ نحمیا باب ۱۳ را بخوانید. پس از اینکه نحمیا «خانه خدا» را اصلاح نمود (نحمیا باب ۱۳ آیه ۴)، مردم یهود چه چیزی به آنجا برندند؟ (نحمیا باب ۱۳ آیه ۱۲)

«احیاء و اصلاحات دو چیز متفاوت هستند. احیاء نشانگر یک تجدد حیات روحانی، تسریع قدرت ذهن و قلب و رستاخیز مرگ روحانی است. اصلاحات به معنی سازماندهی مجدد، تغییر در ایده‌ها و نظریه‌ها، عادات و کارها می‌باشد.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Christian Service*, p. 42

رابطه میان احیاء، اصلاحات و پرداخت ۵۰-یک، ارتباطی غیر ارادی و خودبخود است. بدون بازگرداندن (۵۰-یک)، احیاء و اصلاحات سرد و پژمرده می‌شود، اگر اصلاً احیایی باشد. در بسیاری از موارد، ما به عنوان افراد مسیحی، بیکار در کناری می‌ایستیم، زمانی که باید در کنار خداوند فعال باشیم. احیا و اصلاحات مستلزم تعهد هستند و پرداخت (۵۰-یک) بخشی از آن تعهد است. اگر ما مانع آنچه که خدا از ما می‌خواهد بشویم، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که پاسخ آنچه از او می‌خواهیم را بدهد.

احیاء و اصلاحات در کلیسا اتفاق می‌افتد و نه در خارج از آن (مزامیر باب ۸۵ آیه ۶). ما باید احیاء (مزامیر باب ۸۰ آیه ۱۹) و اصلاح «کارهایی که در ابتدا انجام دادیم» (مکاشفه یوحنا باب ۲ آیه ۵) را از خدا مطالبه کنیم. اصلاحات باید در مورد آنچه نگه می‌داریم و آنچه به خدا بازمی‌گردانیم، اتفاق بیافتد.

این عمل نیست که تفاوت ایجاد می‌کند، بلکه تصمیم ذهن و احساسات می‌باشد که انگیزه و تعهد را نمایان می‌سازد. نتیجه افزایش ایمان، دیدگاه روحانی قوی و صداقت نو شده می‌باشد.

تفکری فراتر: خدا تمام عهد های بیان شده در کتاب مقدس را بوجود آورده است و در جذب قومش به این عهد ها تلاش نموده است (عبرانیان باب ۸ آیه ۱۰). عده های عهد، فیض، محبت و تایل وی به نجات ما را منعکس می کنند. یک عهد با خدا شامل بسیاری چیزها می شود: خدا، دریافت کننده، شرایط عهد، تعهد به شرایط توسط هر دو طرف، مجازات بیان شده برای غفلت در نگاه داشتن عهد و نتایج مورد نظر. مفهوم دادن (د-یک) این مولفه ها را در ملاکی باب ۳ آیات ۹ و ۱۰ منعکس می کند. این آیات، عهد ویژه دادن (د-یک) بین خدا و مباشرینش را تکرار می کند. هنگامی که ما وارد چنین عهدی می شویم، یک نشانه روشن از این است که ما معرض به اصول مادیگرایی هستیم و ثابت می کنیم که چیزی خوب می تواند از یک قلب گناهکار ایمان آورده بیرون آید.

«یک روح بسته و خودخواه به نظر می رسد که انسان را از دادن آنچه که به خدا تعلق دارد، به وی جلوگیری می کند. خداوند یک عهد ویژه با انسان بست که اگر آنها بطور منظم مقداری را که برای پیشبرد ملکوت مسیح تعیین شده است، کنار بگذارند خداوند به وفور به ایشان برکت خواهد داد تا جایی که دیگر فضایی برای دریافت هدایای او وجود نخواهد داشت. اگر انسان از آنچه که به خدا تعلق دارد خودداری نماید، خداوند به صراحت اعلام می نماید، همه شما نفرین شدهاید.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Counsels on Stewardship*, p. 77

زندگی با داشتن رابطه عهد با خدا مسئولیت هایی دارد. ما از عده های عهد لذت می بریم اما اغلب اوقات فرمان ها و مسئولیت ها را نمی پسندیم. با این وجود در این مفهوم، یک عهد قراردادی دو طرفه است و دادن (د-یک) یکی از بخش های زندگی در عهد است.

سوالاتی برای بحث

۱. چرا باز گردداندن (د-یک) عمل بسیار مهم از ایمان برای ما محسوب می شود؟
۲. شما به کسی که می گوید، «من نمی توانم از پس پرداخت (د-یک) بر بیایم»، چه پاسخی خواهید داد؟ چگونه به فردی که در این شرایط قرار دارد، کمک می کنید؟ و علاوه بر کلمات، چه کار دیگری ممکن است برای کمک انجام شود؟
۳. پرسش پایانی روز چهارشنبه در مورد کاری که می توانید برای کمک به نگه داشتن مقدس بودن (د-یک) در قلب خود انجام دهید، بود. برخی از پاسخ های شما چه بودند؟ این واقعیت که (د-یک) مقدس است، چگونه به پرداخت نمودن آن توسط شما تاثیر می گذارد؟



یک بازدید، ۹ غسل تعمید

توسط یولاندا مارتینز سانتوس

شوهر اریکا از اینکه همسرش و من در خانه ایشان در ایالت کالیفرنیا کتاب مقدس مطالعه می‌کیم، خوشحال بنظر نمی‌رسید.
شوهرش که عضو یک فرقه مذهبی دیگر بود، وارد جلسه دوم مطالعه کتاب مقدس ما شد. او یک مرد درشت هیکل است و من احساس ترس کردم.

من دستم را دراز کردم و گفتم، «اسم من یولاندا مارتینز سانتوس است و من عضو کلیسای ادونتیست روز هفتم هستم.»
من اولین بار دو هفته پیش به عنوان دانش آموز سولز وست، مدرسه بشارتی در آریزونا زیر نظر مجمع پسیفیک کلیسای ادونتیست، در اتاق اریکا را زدم. در سال ۲۰۱۳، یک بشارت دهنده جوان در برنامه تابستانی فشرده جوانان در اتاق مرا زد و باعث شد من به کلیسای ادونتیست بپیوندم، و من اکنون تصمیم داشتم به درب منازل رفته و به درخواست یک کلیسای محلی، مطالبی ارائه دهم.

با وجود تعجب من، شوهر اریکا از من نخواست که آن جا را ترک کنم. اما اریکا بعدها به من گفت که شوهرش ناراضی بود. اریکا و من دعا کردیم که همسرش اجازه دهد که کتاب مقدس را مطالعه کنیم — و اینکه او نیز به ما بپیوندد.

در شگفتی، همسرش در جلسه بعدی ما شرکت کرد. او همچنین اعلام نمود که هر هفته با ما مطالعه خواهد کرد.
مدت کوتاهی پس از آن، اریکا برادرش را به جلسات مطالعه کتابی مقدس ما دعوت کرد و او مشتاقانه پذیرفت. سپس پسر ۱۳ ساله اریکا درخواست نمود که او نیز در جلسات مطالعه شرکت کند.

چنانچه جلسات مطالعه کتاب مقدس ادامه پیدا می‌یافت، اریکا شروع به در میان گذاشتن آنچه آموخته بود با خواهرش که در شهری دیگر زندگی می‌کند، نمود. خواهرش می‌خواست که بیشتر بداند، بنابراین به یک کلیسای

ادونتیست محلی مراجعه کرد و مطالعه کتاب مقدس را با ایشان آغاز کرد.
شوهر و مادر شوهرش نیز به او پیوستند.

این قسم ماجرا نیست. اریکا من را به والدینش معرفی نمود و آنها به من گفتند که اریکا فرد متفاوتی شده بود. آنها گفتند آنچه که او داشت را می خواستند. من گفتم، «چیزی که شما کم دارید، عیسی است.»

والدینش مطالعه کتاب مقدس را با ما شروع کردند.

دشوار است باور کنیم که تنها در زدن یک خادم کتاب مقدس اکنون منتهی به نه تعمید شده است: اریکا، پسرش، برادرش، مادرش، پدرش، خواهرش، برادر شوهرش و مادر شوهر خواهرش حتی همسایه اریکا نیز تعمید داده شد. در مورد همسر اریکا، او اکنون در یک کلیسای ادونتیست محلی به طور مرتب حضور می یابد.

اریکا بعدها به من گفت که وقتی در اتاقش را برای اولین بار زدم، یک ماه بود که دعا می کرد خدا وجودش را به وی اثبات کند و کلیسای حقیقی را برایش آشکار سازد.

اریکا گفت، «اگر تو هیچ وقت در اتاق مرا نمی زدی، هیچ کدام از این اتفاق ها نمی افتاد. خدایا، تو درخواست مرا پاسخ دادی!»
یولاندا مارتینز سانتوس خادم کتاب مقدس در کالیفرنیا می باشد.

تأثیرتقدیم (د۵-یک) [عَشْر]



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: مرقس باب ۱۶ آیه ۱۵؛ اول پطرس باب ۳ آیات ۸ و ۹؛ اول قرنتیان باب ۹ آیه ۱۴؛ رومیان باب ۳ آیات ۱۹ تا ۲۴.

آیه حفظی: «مَنْ يَحْفَظْنَا مِنْ دَارِ الْمَسْكِنِ فَلَهُ أَنْ يَقْرَبْنَا وَمَنْ يَحْفَظْنَا مِنْ قَبْرَانِ الْمَسْكِنِ فَلَهُ أَنْ يَقْرَبْنَا وَمَنْ يَحْفَظْنَا مِنْ طَرِيقِ خَدَاوَنْدِ دَسْتُورِ دَادَهْ است کسانی که بشارت می‌دهند معاش خود را از آن راه تأمین کنند» (اول قرنتیان باب ۹ آیات ۱۳ تا ۱۴).

همانطور که هفته گذشته دیدیم، دادن (د۵-یک)، آشکارسازی و نمودی مهم از ایمان است. یک روش نشان دادن، یا آزمودن واقعیت اقرار ما به ایمان می‌باشد. «خود را امتحان کنید که در ایمان هستید یا نه. خود را بیازمایید. آیا خود را نمی‌شناسید که عیسی مسیح در شما است اگر مردود نیستید؟» (دوم قرنتیان باب ۱۳ آیه ۵).

اولین مرجع کتاب مقدسی در خصوص (د۵-یک)، پرداخت (د۵-یک) توسط ابراهیم به ملکیصدق می‌باشد (پیدایش باب ۱۴ آیات ۱۸ تا ۲۰، عبرانیان باب ۷ آیه ۴). لاویان نیز برای خدمات خویش در معبد، (د۵-یک) دریافت می‌کردند (دوم قرنتیان باب ۳۱ آیات ۴ تا ۱۰). امروزه (د۵-یک) برای حمایت و پشتیبانی از انجیل است. این کار اگر بدروستی درک شود، به عنوان یک سنجش روحانی رابطه ما با خدا ایفای نقش می‌کند.

تأثیرگذاری، کاربرد، اهمیت و روش توزیع (د۵-یک) برای رشد روحانی ما در حمایت از کار خدا و فراهم نمودن پایه و اساس مالی برای موعظه انجیل برنامه ریزی شده است. این نقشه خدادست و اولین گامی که یک مباشر وفادار برمی‌دارد، نامیده شده است.

این هفته، به پرداختن موضوع (د۵-یک) ادامه خواهیم داد: توزیع آن، معنای آن برای دیگران، تاثیر آن بر روی زندگی روحانی ما.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۴ فوریه آماده شوید.

همگی با هم بودجه بشارت الهی را تأمین می‌کنیم

عیسی بـه ما فرمان مـی دهد کـه «انجـیل رـا مـوعـظـه کـنـیـم» (مرقس بـاب ۱۶ آـیـه ۱۵) و «شـاگـرد بـسـازـیـم» و «بـه ایـشـان تـعلـیـم دـهـیـم کـه هـمـه اـمـور رـا حـفـظ کـنـد» (متـی بـاب ۲۸ آـیـات ۱۹ و ۲۰). از این رو، خـدا مـی خـواهـد کـه ما در مـهـم تـرـین کـار زـمـین درـگـیر باـشـیـم: یـعنـی مرـدـم رـا بـرـای عـیـسـی جـذـب کـنـیـم. تـامـین بـودـجـه برـای اـین کـار بـشـارـتـی اـز منـابـعـی کـه بـه ما سـپـرـده شـدـه است، وـظـیـفـه مـبـاـشـر مـی باـشـد. مـشـارـکـت باـعـث مـیـگـرـدد تـا تعـهـد شـخـصـی در مـعـرـفـی مـسـیـح بـه دـیـگـران تـعـمـق یـابـد. هـر شـاگـردـ، مـبـاـشـر و خـدمـتـگـزار بـایـد قـامـ (۵۵-یـک) رـا بـرـای اـین کـار مـقـدـس بـکـار گـیرـد. ما بـایـد بـرـای اـتحـاد در وـفـادـار بـودـن بـه تـامـین مـالـی کـار بـشـارـت دـعا کـنـیـم، چـرا کـه مـامـورـیـت مـوـفـقـ، اـتحـاد ما در اـیـمان رـا تـقوـیـت مـی کـند.

برـنـامـه مـالـی تـایـید شـدـه خـدا بـرـای کـامـل کـرـدن اـین کـار بـشـارـت چـیـست؟ «قـامـی (۵۵-یـک) هـا» بـه چـه مـعـناـسـت؟ (مـلاـکـی بـاب ۳ آـیـه ۱۰). معـنـای عـبـارت «در خـانـه من خـورـاـک باـشـد» چـیـست؟ (مـلاـکـی بـاب ۳ آـیـه ۱۰).

همـان طـور کـه دـیدـه اـیـم، مرـدـم اـز زـمـان اـبـراهـیـم و يـعقوـب (پـیدـایـش بـاب ۱۴ آـیـه ۲۰، بـاب ۲۸ آـیـه ۲۲) و اـحـتمـالـا پـیـش اـز آـن، (۵۵-یـک) پـرـداـخت مـی کـرـدـند. (۵۵-یـک) بـخـشـی اـز یـک نـظـام است کـه بـودـجـه کـلـیـسـای خـدا رـا تـامـین مـی کـنـد. اـین بـزرـگ تـرـین منـبع مـالـی و عـادـلـانـه تـرـین روـش بـرـای اـنجـام مـامـورـیـت او مـی باـشـد.

در فـرهـنـگ اـمـروـزـی، اـکـثـرـیـت مـسـیـحـیـان نـسـبـتاً مـیـزان کـمـی بـه بـودـجـه کـار بـشـارـت خـدا کـمـک مـی کـنـد. اـگـر هـر مـسـیـحـی صـادـقـانـه (۵۵-یـک) مـی دـاد، نـتـیـجـه «تـقـرـیـبـاً غـير قـابـل تصـوـر، بـه سـادـگـی شـفـقـت آـور و تـا حـدـی فـرـاتـر اـز درـک مـی بـود». — کـرـیـسـتـین اـسـمـیـت و مـایـکـل او. اـمرـسـون، Christian Smith and Michael O. Emerson, *Passing the Plate* (New York: Oxford University Press, 2008), p. 27

در هـر عـصـرـی خـدا اـمـتـه اـسـت کـه مـایـل بـه تـامـین بـودـجـه کـار بـشـارـتـی او بـودـه اـنـد. هـمـه ما مـسـئـولـیـتـی بـرـای درـک و کـار کـرـدن با هـم بـرـای تـامـین مـالـی اـین وـظـیـفـه جـهـانـی دـارـیـم. ما نـمـی توـانـیـم آـشـفـتـه، بـی دـقـت یـا تـصـادـفـی در مـوـرـد بـودـجـه کـار بـشـارـتـی عمل کـنـیـم. چـالـش ما بـسـیـار بـیـشـتر اـز آـن زـمـان اـسـت کـه مـرـدـم و لـاوـیـان بـه نـحـمـیـا گـفـتـند، «خـانـه خـدـای خـود رـا تـرـک نـخـواـهـیـم کـرـد» (نـحـمـیـا بـاب ۱۰ آـیـه ۳۹) مـی باـشـد و دـلـهـرـه آـورـتـر اـز آـنـچـه اـیـمـانـدارـان در سـالـهـای ۱۸۰۰ با آـن روـبـرـو بـودـنـ، مـی باـشـد. اـمـروـزـه اـعـضـا و روـحـانـیـون بـایـد اـز نـظـر روـحـانـیـ متـحـدـشـونـد و بـودـجـه رـا بـه روـشـی کـه اـهـدـافـ جـهـانـی و مـامـورـیـت رـا تـامـین کـنـد فـراـهمـ نـمـایـنـد.

به گسترش وسیع کار بشارت ادونتیست ها در جهان بیاندیشید (مکاففه یوحنا باب ۱۶ آیات ۶ و ۷ را ببینید). چگونه هر کدام از ما باید مسئولیت خود را در مورد کمک به تامین بودجه این کار درک کند؟

۱۹ فوریه

دوشنبه

برکات خدا

همانطور که در ملاکی باب ۳ آیه ۱۰ دیدیم، خدا یک برکت بزرگ به کسانی که در پرداخت (ده-یک) وفادارند، وعده داد. با این وجود برکت خدا یک بعدی نیست. برای مثال، برای تاکید بر انباشتن دارایی مالی به عنوان یک برکت به بهای همه چیز، یک دیدگاه بسیار باریک از آنچه برکات خدا واقعاً هستند، می باشد.

برکت در کتاب ملاکی هم روحانی و دنیوی است. معنای برکت خدا با نجات، خوشحالی، آرامش ذهن مشهود است و خدا همیشه کاری را که برای ما بهتر است، انجام می دهد. همچنین، هنگامی که خدا به ما برکت می دهد، ما موظف به سهیم شدن آن برکات با افرادی که نیازمندند، می باشیم. ما برکت داده شده ایم تا به دیگران برکت برسانیم. درواقع خدا از طریق ما قادر به گسترش برکاتش می باشد.

اول پطرس باب ۳ آیات ۸ و ۹ را بخوانید. پطرس در اینجا در مورد رابطه میان برکت داده شدن و رحمتی برای دیگران بودن، چه چیزی می گوید؟

از پرداخت (ده-یک)، برکتی دو چندان حاصل می شود. ما برکت داده شده ایم و مایه برکت دیگران هستیم. ما آنچه را که دریافت نموده ایم، به دیگران می دهیم. برکات خدا درونی به ما می رسد و ... «بدهید تا به شما داده شود ... زیرا به همان پیمانه ای که می پیمایید برای شما پیموده خواهد شد» (لوقا باب ۶ آیه ۳۸).

اعمال رسولان باب ۲۰ آیه ۳۵ را بخوانید. چگونه این در مورد پرداخت (ده-یک) نیز اعمال می شود؟

بزرگ ترین برکتی که (ده-یک) به ما می آموزد این است که به خدا اطمینان کنیم (ارمیا باب ۱۷ آیه ۷). «نظام ویژه پرداخت (ده-یک) بر اصلی بنا شد که به اندازه

احکام خدا پایدار است. این نظام پرداخت (۵-یک) برای یهودیان یک برکت بود، زیرا در غیر این صورت خدا آن را به ایشان نمی داد. بنابراین (۵-یک) همچنین برکتی برای تمام کسانی که تا پایان جهان آن را پرداخت می کنند، خواهد بود. پدر آسمانی ما این نقشه اصولی خیرخواهانه را برای غنی سازی خود بوجود نیاورد بلکه قصد وی این بود که برکات فراوانی به بشر برساند. او دید که این نظام خیرخواهانه دقیقاً همان چیزی بود که بشر نیاز داشت.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Testimonies for the Church*, vol. 3, pp. 404, 405

در مورد زمان هایی بیاندیشید که خداوند از طریق خدمتِ فردی دیگر، به شما برکت رسانیده است. شما چگونه می توانید همین کار را نسبت به دیگران انجام دهید؟

۲۰ فوریه

سه شنبه

هدف از (۵-یک)

پولس به تیموთائوس می نویسد: «گاو را وقتی که خرم را خرد می کند، دهن مبند. و مزدور مستحق اجرت خود است» (اول تیموتائوس باب ۵ آیه ۱۸). او از موسی در تثنیه باب ۲۵ آیه ۴ در مورد گاو و از عیسی در لوقا باب ۱۰ آیه ۷ در مورد مزدور نقل قول می کند. عبارت درباره گاو به نظر می رسد یک ضرب المثل می باشد و بدین معنی است که منصفانه است گاو در حال کار کردن تفاله حبوبات بخورد. به همین صورت، ضرب المثل دوم بدین معنی است که کارگران فدآکار که انجیل را موعظه می کنند باید دستمزد بگیرند.

خداؤند به صورت نظام مند به کار و خلقた می پردازد. او مدارهای شمسی، زیست بوم، سیستم های گوارشی، سیستم های عصبی و بسیاری بیشتر را طراحی نموده است. نظام پرداخت (۵-یک) توسط لاویان (اعداد باب ۱۸ آیه ۲۶) برای مراقبت از خیمه و حمایت خودشان استفاده می شد. معادل امروزی آن، کسانی خواهند بود که زندگی خود را وقف موعظه انجیل می کنند. نظام پرداخت (۵-یک) خدا، روش انتخابی او برای حمایت از ماموریتش می باشد و در طول تاریخ نجات بکار برده شده است. بنابراین حمایت کردن از چنین خدمتگزارانی با (۵-یک)، در کار خدا اساسی و بنیادی می باشد.

منظور پولس و مفهوم اخلاقی از عبارت «خداؤند فرمود که هر که انجیل اعلام نماید، از انجیل معیشت یابد» (اول قرنتیان باب ۹ آیه ۱۴) چیست؟ دوم قرنتیان باب ۱۱ آیات ۷ تا ۱۰ چه چیزی درباره نیاز به حمایت از کسانی که انجیل را گسترش می دهند، تعلیم می دهد.

هنگامی که پولس می گوید، «کلیساهای دیگر را غارت نموده، اجرت گرفتم تا شما را خدمت نمایم» (دوم قرنیان باب ۱۱ آیه ۸)، او با طعنه از دریافت دستمزد از کلیسا فقیر مقدونیه هنگامی که برای کلیسای ثرومند قرنتس خدمت می کرد، سخن می گفت. نکته مورد نظر او برای کلیسای قرنتس این بود که کسانی که انجیل را موعظه می کردند، مستحق دستمزد بودند. (۵۵-یک) باید برای هدفی خاص مورد استفاده قرار بگیرد و این باید ادامه یابد. «(۵۵-یک) برای استفاده ای خاص کنار گذاشته شده است. باید به عنوان بودجه فقرا در نظر گرفته شود بلکه باید اساساً به حمایت از کسانی که پیام خدا را به جهان می رسانند، اختصاص داده شود؛ و باید از این هدف منحرف شود.» — الن جی. وایت،

Ellen G. White, *Counsels on Stewardship*, p. 103

لاویان باب ۲۷ آیه ۳۰ را بخوانید. اصل دیده شده در اینجا به چه روش هایی در امروزه در مورد ما قابل اجراست؟

۲۱ فوریه

چهارشنبه

خزانه

خدا خزانه ای برای باد (ارمیا باب ۱۰ آیه ۱۳)، آب (مزامیر باب ۳۳ آیه ۷) و برف و تگرگ (ایوب باب ۳۸ آیه ۲۲) دارد که بر همه آنها کنترل کامل دارد. اما با ارزش ترین خزانه خدا مربوط به (۵۵-یک) می شود. «۵۵ درصد هر چیزی را که قوم اسرائیل به من تقديم می کنند، به طایفه لاوی بجای خدمتشان، در خیمه عبادت، بخشیده ام» (اعداد باب ۱۸ آیه ۲۱). این آیه نخستین اشاره به جایی که (۵۵-یک) در آن نگه داشته می شود، می باشد و امروزه به عنوان «خزانه اصول» شناخته می شود. خدا به بنی اسرائیل سپس دستور داد که (۵۵-یک) را به محل انتخابی وی بیاورند (ثنیه باب ۱۲ آیات ۵ و ۶). در زمان سلیمان، (۵۵-یک) به معبد اورشلیم بازگردانده می شد. بنی اسرائیل به آسانی درک نمودند که «خزانه» کجا و چه بود، هنگامی که ملاکی نبی به آنها گفت: «(۵۵-یک) ها را بطور کامل به خانه من بیاورید» (ملکی باب ۳ آیه ۱۰). خزانه نشان دهنده مکانی بود که خدمات مذهبی در آن صورت می پذیرفت و لاویان در آن مورد حمایت قرار می گرفتند.

در کتاب مقدس چه اسامی دیگری برای شناسایی خزانه بکار برده شده است؟ اول تواریخ باب ۲۶ آیه ۲۰، دوم تواریخ باب ۳۱ آیات ۱۱ تا ۱۳، نهمیا باب ۱۰ آیه ۳۸

آوردن (ده-یک) مقدس به خزانه، تنها روش ارائه شده در کتاب مقدس می باشد. در هر توزیعی، خدا یک خزانه مرکزی داشته است که (ده-یک) را مدیریت می کرد. ادونتیست های روز هفتم یک مذهب / کلیسای جهانی تشکیل می دهند که در آن خزانه اصول پذیرفته و اعمال می شود. اعضا تشویق می شوند که (ده-یک) خود را از طریق کلیسای محلی که در آن عضویت دارند، به مجمع اصلی بازگردانند. حسابداری آن مجمع جایی است که شبان ها حقوق خود را از آن دریافت می کنند.

«همانطور که کار خدا گسترش می یابد، درخواست های کمک بیشتر خواهند شد. به منظور اینکه این درخواست ها پاسخ داده شوند، مسیحیان باید به این فرمان توجه کنند، (ده-یک) ها را بطور کامل به خانه من بیاورید تا خوارک کافی موجود باشد. ملاکی باب آیه ۱۰. اگر مسیحیان با ایمان، صادقانه (ده-یک) و هدایای خود را نزد خدا بیاورند، خزانه خدا پر خواهد شد. در این صورت دیگر نیازی به مناسبت هایی برای برگزاری نمایشگاه ها، قرعه کشی ها یا مهمانی های خوش گذرانی برای تامین بودجه حمایت از انجیل نخواهد بود.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *The Acts of the Apostles*, p. 338

به این فکر کنید که اگر قرار بود مردم (ده-یک) خود را به هر کجا که مایلند بفرستند، چه اتفاقی می افتاد؟ اگر همه آن کار را انجام می دادند، چه اتفاقی برای کار خدا می افتاد؟ از این رو، چرا مهم است که ما (ده-یک) خود را بجایی که تعلق دارد، ارسال نماییم؟

۲۲ فوریه

پنجشنبه

(ده-یک) و نجات از طریق ایمان

رومیان باب ۳ آیات ۱۹ تا ۲۴ را بخوانید. چه حقیقت مهمی مربوط به ایمان ما در اینجا تعلیم داده شده است؟ چرا ما باید همیشه این آموزه را اساس باورهای خود نگه داریم؟

جان کلام این پیام کتاب مقدس این است که هیچ کدام از ما استحقاق نجات را نداریم (رومیان باب ۳ آیه ۲۳). اگر ما سزاوار آن باشیم، با شایستگی یا آعمال خواهد بود، و این اندیشه مخالف با کتاب مقدس می باشد.

رومیان باب ۴ آیات ۱ تا ۵ را بخوانید. این آیات چه چیزی درباره فیض در برابر شایستگی تعلیم می دهد؟

بنابراین، نجات یک موهبت است (افسیان باب ۲ آیات ۸ و ۹) که به نالایقان داده می شود. نجات بدیل شایستگی های قربانی شدن مسیح به جای ما نوشته شده است که، به ما تعلق می گیرد. در مورد (۵-یک)، با بازگرداندن آن، هیچ اعتباری از جانب خدا بدست نمی آید. گذشته از هر چیز، اگر (۵-یک) به خدا تعلق دارد، چه شایستگی در بازگرداندن آن می تواند وجود داشت باشد؟

(۵-یک) عملی نیست که ما را نجات می دهد، درست مانند سایر اعمال خوب که ما مسیحیان باید انجام بدهیم. «زیرا ما مصنوع دست او هستیم و خدا ما را در مسیح عیسی از نو آفریده است تا آن کارهای نیکویی را که قبلًا برای ما مقدر فرمود که انجام دهیم، بجا آوریم» (افسیان باب ۲ آیه ۱۰).

با این وجود، بازگرداندن (۵-یک)، هویدا کننده رفتار و منشی است که، یا فروتنانه و مطیعانه است و یا خودسرانه و از روی بی اعتمایی نسبت به خواسته خداست. اگر ما خدا را دوست داشته باشیم، از او اطاعت خواهیم کرد. (۵-یک)، عملی ظاهری از درک ما نسبت به این موضوع است که ما در واقع در اینجا مباشر هستیم و همه چیز را به خدا مديونیم. درست همانطور که روز سبت یک یادآوری هفتگی از خدا به عنوان خالق و نجات دهنده می باشد، بازگرداندن (۵-یک) نیز می تواند به همین شکل عمل کند: به ما یادآوری می کند که به خود تعلق نداریم و اینکه زندگی و نجات ما هدایایی از جانب خدا هستند. در نتیجه، می توانیم این واقعیت را تشخیص دهیم و زندگی بر پایه ایمان داشته باشیم و پذیریم که باز گرداندن (۵-یک)، یک ابراز ایمان ملموس می باشد.

لوقا باب ۲۱ آیات ۱ تا ۴ چه چیزی درباره معنای زندگی با ایمان به ما می گویند؟

۲۳ فوریه

جمعه

تفکری فراتر: بسیار آسان است که فراموش کنیم هر تنفس، هر ضربان قلب، هر لحظه وجود ما تنها از جانب خداوند حاصل می شود. پولس در باب ۱۷ اعمال رسولان با اهالی آتن درباره خدای حقیقی که نه تنها خالق («آن خدایی که دنیا و آنچه در آن است آفرید» [اعمال رسولان باب ۱۷ آیه ۲۴]) بلکه همچنین نگهدارنده («زیرا در او زندگی می کنیم و در او حرکت و هستی داریم»

[اعمال رسولان باب ۱۷ آیه ۲۸] نیز می باشد، سخن می گوید. اهالی آتن در مورد خدای حقیقی چیزی نمی دانستند. ما مسیحیان می دانیم و این درک باید در کانون شیوه زندگی ما باشد. خدا مطالبات بسیاری از ما دارد و در نتیجه باید مطابق با آن مطالبات زندگی کنیم:

«پس بر آورده ساختن مطالبات خداوند بعهده ماست. او خزانه خود را در دستان بشر قرار می دهد اما لازم است که یک دهم آن صادقانه برای کارش کنار گذاشته شود. او ملزم می دارد که این مقدار در خزانه او قرار بگیرد. این مقدار باید به عنوان آنچه که به او تعلق دارد، به او ارائه شود؛ مقدس است و باید برای اهداف مقدس استفاده شود، برای حمایت از کسانی که پیام نجات را به سرتاسر جهان می رسانند. او این مقدار را محفوظ می دارد، به این معنی که وارد خزانه او شود و نور حقیقت به کسانی که نزدیک هستند و کسانی که دور هستند، رسانده شود. ما از طریق صادقانه اطاعت کردن از این شرط، تایید می کنیم که همه چیز به خدا تعلق دارد.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Testimonies for the Church*, vol. 6, p. 386

سؤالاتی برای بحث

۱. «زمان به سرعت در حال گذشت به سوی ابدیت می باشد. بیایید آنچه به خدا تعلق دارد را برای خود نگه نداریم. بیایید او را انکار نکنیم که اگر چه نمی تواند بدون شایستگی داده شود، بدون ویرانی تکذیب شود. او تمام قلب را می طلبد؛ آن را به او بدهیم. قلبمان هم بواسطه خلقت و هم بواسطه نجات به او تعلق دارد. او خرد شما را می طلبد؛ آن را به او بدهید؛ زیرا به او تعلق دارد. پول شما را مطالبه می کند؛ آن را به او بدهید؛ زیرا به اوی تعلق دارد.» — الن جی. وايت، *The Acts of the Apostles*, p. 566. منظور الن جی. وايت با گفتن، «بیایید آنچه به خدا تعلق دارد را برای خود نگه نداریم... اگر چه نمی تواند بدون شایستگی داده شود، بدون ویرانی تکذیب شود»، چیست؟ هنگامی که ما (۵-یک) پرداخت نمی کنیم، چه چیزی را از خود به غارت می بریم؟
۲. بیشتر در مورد این ایده که تمام اعضای کلیسا آنچه که مایلند با (۵-یک) انجام دهنند، بیاندیشید؛ یعنی فرستادن آن برای هر انگیزه ای که خود لائق می دانند بجای اینکه آن را به «انبار» خدا بفرستند. چرا این ایده بسیار بدی می باشد؟ چه اتفاقی برای کلیساها م خواهد افتاد؟ چرا چنین اقداماتی به ارمغان آوردن گسیختگی های وحشتناک کمک می کند؟

۳. عیسی در باب ۲۱ لوقا، به بیوه زن فرمان داد که پول خود را با وجود تمامی فسادی که می دانست در معبد وجود دارد، به آنجا بدهد. این باید به کسانی که احساس می کنند می توانند به دلیل اینکه نحوه استفاده شدن از (۵-یک) خود تردید دارند، آن را در مورد دیگری خرج نمایند، چه چیزی باید بگوید؟



چرا من برای پناهندگان زندگی می کنم

توسط تری سائلی

چندین دانشآموز در پایان سومین سال تدریس انگلیسی من در کمپ ۵۰۰۰ نفری پناهندگان در تایلند آماده برای تعمید گرفتن شدند. اما شبان ادونتیست روز هفتم به من گفت که دانشآموزان مرد بودند. آنها می ترسیدند که مسیحی شوند و مبلغان پیش از اینکه آنها مسیحیت را به اندازه کافی برای داشتن زندگی مسیحی واقعی درک کنند، آنجا را ترک کنند. زمانی که شبان این موضوع را با من درمیان گذاشت، نمی دانستم چه کاری انجام بدهم. من تصمیم داشتم پس از اتمام سه سال خدمت به عنوان دانشآموز مبلغ به خانه در ایالت نبراسکا آمریکا برگردم. مادرم منتظر بود مرا ببیند. اما هدف اصلی من نجات انسانها بود. پس شروع به دعا کردن نمودم، «خداآندا من باید چکار کنم؟»

سپس در حین دعای صبحگاهی، چنین چیزی را خواندم: «هدف خدا در اولویت قرار داشتن در برنامه‌ها و عواطف ما می باشد» (Counsels on Stewardship, p. 220)

من فکر کردم، «این متن درست اشاره به من دارد.» من می خواستم کالج را به پایان برسانم، حرفه‌ای داشته باشم و تشکیل خانواده بدهم. اما مانند این بود که خدا می گفت، «تری، این راهنمایی است که منتظرش بودی. خدا باید در برنامه‌ها و عواطف در اولویت باشد.»

من تصمیم گرفتم که اولین مسئولیتم در قبال خانواده‌ام است. اما خانواده من خدا را می شناختند. بنابراین، تصمیم گرفتم با مادرم تماس بگیرم و از او مشورت بخواهم.

۳۵ کیلومتر برای یافتن نزدیکترین اداره پست دارای تلفن عمومی رفتم. تماس را به گونه‌ای گرفتم که مادرم هزینه‌اش را پرداخت کند، زیرا هیچ پولی نداشتم. می دانستم گران بود.

از مادرم پرسیدم، «درباره اینکه یک سال بیشتر یا برای همیشه اینجا بمانم چه نظری داری؟»

پاسخش سریع بود. او گفت، «تری، من هرگز به تو نخواهم گفت به خانه برگرد. اگر به تو بگویم برگردی و حتی یک نفر شانس شنیدن انجیل را از دست بدهد، تا ابديت پشميان خواهم بود. اما اگر می‌گویی که می‌توانی حتی به یک نفر کمک کنی که خدا را بشناسد و در ملکوت باشد، ارزشش را خواهد داشت حتی اگر من هرگز نتوانم دیگر تو را ببینم.»

همانطور که در اداره پست نشسته بودم، اشک از چشم‌مانم جاری شد. خدا را برای داشتن مادری که پر از محبت بود، شکر کردم. مادرم می‌خواست مرا ببیند، اما پیش از آن در قلبش فداکاری کرده بود. نجات انسان‌ها چنان برایش مهم بود که حاضر بود پسرش را هرگز دیگر نبیند.

تری سیلی مدیر خدمات ادونتیست پناهندگان و مهاجرین بخش آمریکای شمالی است که با هدایای سبت سیزدهم سال ۲۰۱۱ ایجاد شد. تحت رهبری او، بیش از ۱۴۰ کلیساي جدید متشكل از پناهندگان در سرتاسر آمریکای شمالی تأسیس شده است.

عوض شُکرانه



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: متى باب ۶ آیات ۱۹ تا ۲۱؛ افسسیان باب ۲ آیه ۸؛ اول پطرس باب ۴ آیه ۱۰؛ لوقا باب ۷ آیات ۳۷ تا ۴۷؛ دوم قرنتیان دوم ۸ آیات ۸ تا ۱۵، باب ۹ آیات ۶ و ۷.

آیه حفظی: «زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد، هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد» (یوحنا باب ۳ آیه ۱۶).

خدای ما یک خدای بخشنده است؛ این حقیقت بزرگ در فدایکاری عیسیٰ قدرتمندانه دیده شده است. «زیرا خدا جهانیان را آنقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان بیاورد هلاک نگردد بلکه صاحب حیات جاودان شود» (یوحنا باب ۳ آیه ۱۶). یا در این آیه: «پس اگر شما با اینکه گناهکار هستید، می‌دانید چگونه چیزهای خوب را به فرزندانتان بدھید، چقدر بیشتر پدر آسمانی، روح القدس را به آنانی که از او تقاضا می‌کنند، عطا خواهد فرمود!» (لوقا باب ۱۱ آیه ۱۳).

خدا می‌بخشد و می‌بخشد؛ این شخصیت اوست. بنابراین، ما که بدنیال بازتاب آن شخصیت هستیم نیز باید ببخشیم. نقطه مقابل با آنگونه سخاوتمندی که تصور آن ناخوشایند می‌باشد، «یک مسیحی خودخواه» است.

دادن هدایا یک روش برای بازگرداندن قطره‌ای از دریاست که بـما عطا گردیده است. هدایای ما، فرصتی برای ابراز قدردانی و محبت می‌باشد. در روزی که عیسیٰ از نجات یافتنگان در آسمان استقبال می‌کند، کسانی را خواهیم دید که فیض او را پذیرفتند و متوجه خواهیم شد که آن پذیرفته شدن‌ها از طریق هدایای فدایکارانه ما میسر شدند.

این هفته به جنبه های مهم هدیه دادن خواهیم پرداخت. سخاومندانه بخشیدن، با عمل، زمان یا استعداد راهی قدرمند برای زندگی در ایمان و آشکار نمودن شخصیت خدایی است که به او خدمت می کنیم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۳ مارس آماده شوید.

۲۵ فوریه

یکشنبه

«هر کجا گنج تو است»

متی باب ۶ آیات ۱۹ تا ۲۱ را بخوانید. اگر چه ما با این آیات بسیار آشنا هستیم، با این حال چگونه می توانیم از تاثیر قدرمندی که ثروت های زمینی می توانند بر ما داشته باشند، رهایی یابیم؟ کولسیان باب ۳ آیات ۱ و ۲ را ببینید.

«زیرا هر کجا گنج تو است، دل تو نیز در آنجا خواهد بود» (متی باب ۶ آیه ۲۱) بیانی از جانب عیسی است. قدرت کامل این بیانیه را می توان از دعای قبل مشاهده نمود که ذخیره کردن ثروت هاییمان در زمین را با آسمان مقایسه می کنند. سه واژه توصیف کننده زمین هستند: بید ها، زنگار و دزدان (متی باب ۶ آیه ۱۹ را ببینید)، حاکی از این که ثروت های زمینی ما بسیار موقتی و فانی می باشند. چه کسی درک نکرده است که چیزهای دنیوی می توانند به سرعت ناپدید شوند؟ «همه چیز بر روی زمین ناپایدار، متغیر و ناامن می باشد؛ زمین در معرض تباہی، نابودی، دزدی و از دست رفت قرار دارد. آسمان متنضاد با این است: همه چیز ابدی، بادوام، ایمن و فناناپذیر می باشند. در آسمان زیان وجود ندارد.» — سی. آدلینا الکس،

C. Adelina Alexe, "Where Your Heart Belongs", in *Beyond Blessings*, edited by Nikolaus Satelmajer, (Nampa, Idaho: Pacific Press Publishing Association, 2013), p. 22

به دارایی های خود توجه کنید. حتی اگر شما اموال بسیار کمی دارید، دیر یا زود اکثر آنها از بین خواهند رفت. یک استثنای ممکن است ارث باشد. اما یک مباشر خردمند باید نگران قرار دادن ثروت ها در آسمان برای حفاظت باشد. در آنجا برخلاف اینجا، شما نیاز نیست نگران بحران اقتصادی، دزدها و یا حتی گارتاگران باشید.

متی باب ۶ آیات ۱۹ تا ۲۱ شامل یکی از مهم ترین مفاهیم مربوط به مباحثت می باشد. ثروت شما جذاب، کشسان، جابر، طلبکار، تطمیع گر و شوق به چیزگی بر قلب شما را دارد. قلب شما در جهان مادی، دلتان از ثروتی که دارید پیروی می کند، بنابراین جایی که در آنجا ثروت اندوخته اید نقش مهمی برایتان ایفا می نماید. ما هر چه بیشتر

بر روی نیازها و منافع دنیوی مرکز کنیم، اندیشیدن به امور ملکوتی دشوارتر می‌شود. اعتراض به باور داشتن خدا و نگه داشتن ثروتمنان در اینجا بر روی زمین، ریاکارانه می‌باشد. اعمال ما باید با سخنان ما تطابق داشته باشند. به عبارت دیگر، ما ثروت‌های خود بر روی زمین را با چشم می‌بینیم اما باید هدایای خود را به عنوان ثروت‌های ملکوتی، با ایمان بینیم (دوم قرنتیان باب ۵ آیه ۷). البته اگر چه ما باید کار کنیم و نیازهایمان را بوطرف کنیم (حتی برای بازنشستگی)، نگه داشتن تصویر بزرگ، ابدیت در ذهن، همیشه بسیار مهم می‌باشد.

عبرانیان باب ۱۰ آیه ۳۴ را بخوانید. پولس در اینجا درباره تفاوت میان ثروت زمینی و آسمانی، چه نکته مهمی بیان می‌کند؟

۲۶ فوریه

دوشنبه

مباشرین فیض خدا

بر طبق افسسیان باب ۲ آیه ۸، چه چیزی دیگری از جانب خدا به ما داده شده است؟

فیض «لطف بدون شایستگی» است. هدیه‌ای است که سزاوار آن نیستید. خدا فیض خود را بر این زمین گستردۀ است و اگر ما آن را انکار نکنیم، فیض او پایین خواهد آمد و زندگی ما را اکنون و برای ابدیت تغییر خواهد داد. تمام ثروت و قدرت آسمان در عطیه فیض مجسم شده است (دوم قرنتیان باب ۸ آیه ۹). حتی فرشتگان از این عطیه آخرين شگفت زده اند (اول پطرس باب ۱ آیه ۱۲).

بدون هیچ تردید: از تمام چیزهایی که خدا به ما می‌دهد، فیضی که در عیسی مسیح به ما داده می‌شود، با ارزش ترین موهبت‌ها می‌باشد. بدون فیض، ما امیدی نخواهیم داشت. تاثیر معموم گناه بر بشریت بسیار بزرگ است که انسان‌ها هرگز نمی‌توانند خود را از آن رهایی دهند. حتی اطاعت از احکام خدا نمی‌تواند برای ما زندگی به ارمغان آورد. «بنابراین آیا شریعت با وعده‌های خدا تناقض دارد؟ ابدًا! زیرا اگر شریعتی داده شده بود که قادر به بخشیدن حیات بود البته نیکی مطلق نیز به وسیله شریعت میسر می‌شد» (غلاطیان باب ۳ آیه ۲۱). گذشته از هر چیز، اگر شریعتی می‌توانست ما را نجات دهد، آن شریعت خدا می‌بود. اما پولس می‌گوید که حتی آن نیز نمی‌تواند اینکار را انجام دهد. اگر قرار باشد ما نجات یابیم، باید بواسطه فیض باشد.

اول پطرس باب ۴ آیه ۱۰ را بخوانید. مبادرت چگونه به فیض مربوط می‌شود؟ توضیح دهید که چگونه پیشکش نمودن به خدا و دیگران نشان دهنده فیض می‌باشد.

پطرس گفت که از آنجایی که ما موهبت فیض خدا را دریافت کرده‌ایم، باید «در عوض وکلای امین فیض گوناگون خدا» (پطرس اول باب ۴ آیه ۱۰) باشیم. یعنی، خدا به ما موهبت‌هایی داده است؛ بنابراین، ما باید از آنچه به ما داده شده است، به او بازگردانیم. آنچه ما بواسطه فیض دریافت کرده‌ایم، تنها برای مسرت و منفعت خودمان نمی‌باشد بلکه برای پیشبرد انجیل است. به ما رایگان داده شد (که فیض کلاً در این مورد است)؛ پس ما نیز باید به هر روشنی که می‌توانیم رایگان ببخشیم.

درباره همه چیزهایی که توسط خدا به شما داده شده است، بیاندیشید. به چه روش‌هایی می‌توانید مباشر فیضی که به صورت رایگان به شما داده شده است، باشید؟

سه شنبه

بهترین پیشکش ما

لوقا باب ۷ آیات ۳۷ تا ۴۷ را بخوانید. این روایت چه چیزی درباره انگیزه مناسب برای پیشکش‌ها به خدا را تعلیم می‌دهد؟

مریم وارد اتاق شد و دید که عیسی بر میز تکیه داده است. او جعبه مرمر سفید روغن سنبل گران قیمت را شکست و آن را بر روی او افشارند. برخی فکر کردند عمل او نادرست بود به این جهت که زندگی وی نامشروع بود.

اما مریم از دیو‌ها رهایی یافته بود (لوقا باب ۸ آیه ۲). سپس، پس از مشاهده زندگان ایلعازر، او غرق در شکرگزاری شد. عطرش، با ارزش ترین دارایی او بود و این روش‌وی برای نشان دادن قدردانی از عیسی بود.

این روایت، آنچه که باید واقعاً انگیزه ما در دادن پیشکشی‌ها باشد را ارائه می‌دهد: قدردانی. گذشته از هر چیز، ما چه پاسخ دیگری باید در برابر موهبت گرانبهای فیض خدا داشته باشیم؟ سخاوت او همچنین ما را برمی‌انگیزد که ببخشیم و هنگامی که با قدردانی ما همراه شود، هر دو اجزای پیشکشی معنادار شامل، استعدادها، ثروت‌ها و بدن‌های ما را تشکیل می‌دهند.

خروج باب ۳۴ آیه ۲۶، لاویان باب ۲۲ آیات ۱۹ تا ۲۴ و اعداد باب ۱۸ آیه ۲۹ را بخوانید.
در حالی که زمینه کاملاً متفاوت از امروز می باشد، چه اصولی درباره پیشکشی هایمان
می توانیم از این آیات بدست آوریم؟

بهترین پیشکش ما ممکن است از نظر خودمان ناکافی باشد اما در نظر خدا کافی
هستند. دادن بهترین ها به خدا شان می دهد که ما او را در اولویت زندگیمان قرار می
دهیم. ما به منظور دریافت التفات، پیشکش نمی دهیم؛ در عوض، ما آنچه را که داریم از
روی قدردانی از آنچه در عیسی مسیح به ما داده شده است، ارزانی می داریم.

« از خود گذشتگی و خیرخواهی تمام و کمال که از سر شکرگزاری قلبی سرچشمه گرفته
باشد، به کوچکترین پیشکش ها که از روی فدایکاری رضامندانه باشد عطر و بوی الهی
خواهد بخشید، و هدیه ای گرانبها خواهد بود. اما، بعد از اینکه با میل و رغبت تسلیم
نجات دهنده خود شدیم، همه آنچه که می توانیم ببخشیم، حتی اگر برای ما بسیار
ارزشمند باشد، اگر ما بدھی قدرشناسی خود به خدا را چنان که واقعاً هست بینیم،
تمام آنچه که ممکن است ارائه داده باشیم، برای ما بسیار ناکافی و ناچیز به نظر خواهد
رسید. اما فرشتگان این پیشکشی ها را که در نظر ما کم هستند برداشته و آنها را به عنوان
یک پیشکش معطر در برابر سریر خدا ارائه می دهند و آنها پذیرفته می شوند.» —

Ellen G. White, *Testimonies for the Church*, vol. 3, p. 397

۲۸ فوریه

چهارشنبه

انگیزه های قلب

در درس های قبل، به روایت پیشکش سخاوندانه بیوه زن اشاره کردیم. اگر چه
در مقایسه با سایر پیشکش ها کوچک بود ولی سخاوندانه بود زیرا ماهیت واقعی
شخصیت و قلب او را نشان داد که باعث شد عیسی بگوید «این بیوه فقیر بیش از همه
پول داده است» (لوقا باب ۲۱ آیه ۳).

تنها خدا (یعقوب باب ۴ آیه ۱۲) انگیزه های حقیقی را می داند (امثال سلیمان باب
۱۶ آیه ۲؛ اول قرنطیان باب ۴ آیه ۵ را نیز بینید). این ممکن است که اقدامات مناسب
با انگیزه های نادرست وجود داشته باشد. بخشیدن در صورت داشتن نعمات زیاد، ایمان
زیادی نیاز ندارد، اما فدایکارانه برای خوبی دیگران بخشیدن، می تواند درواقع چیزی
بسیار قدرمند درباره قلب های ما بازگو کند.

دوم قرنتیان باب ۸ آیات ۸ تا ۱۵ را بخوانید. پولس در اینجا در مورد بخشیدن و انگیزه های آن چه چیزی می گوید؟ ما از این آیات در مورد مباشرت، چه اصولی می توانیم بدست آوریم؟

انگیزه شما برای بخشیدن هر چه که باشد، در زنجیره ای است که از خودپرستی تا بشر دوستی می تواند باشد. مبارزه در این زنجیره میان خودخواهی و بخشیدن، بیش از هر مبارزه روحانی دیگری اتفاق می افتد. خودخواهی، قلب را که زمانی برای خدا پر حرارت بود، سرد می کند. مشکل زمانی آغاز می شود که اجازه می دهیم خودخواهی وارد تجربه مسیحی ما بشود. یعنی، راه هایی پیدا می کنیم که خودخواهی خود را توجیه کنیم و آن را در نام مسیح انجام می دهیم.

ختم کلام به یک واژه می رسد: محبت. و محبت نمی تواند بدون انکار نفس، تمایل به بخشیدن حتی فدکارانه برای خوبی دیگران، نشان داده شود.

اگر محبت خدا در زندگی ما بازتاب نداشته باشد، بخشیدن ما محبت خدا را منعکس خواهد کرد. یک قلب خودخواه تمایل دارد که تنها خود را دوست داشته باشد. ما باید از خداوند بخواهیم که «قلب های ما را مطیع خود سازد» (تنیه باب ۱۰ آیه ۱۶) تا بتوانیم بیاموزیم آنگونه که مورد محبت قرار گرفته ایم، محبت کنیم.

محبت، اساس همه احسان و بخشش های حقیقی، مجموع خیرخواهی های همه مسیحیان را تشکیل می دهد. محبت خدا که به سوی ما هدایت شده است، ما را برمی انگیزد که در عوض، محبت کنیم و این واقعاً انگیزه عالی برای بخشیدن می باشد.

در صورتی که پیشکش با اراده آزاد بر پایه اجبار باشد تا محبت، چه مشکلی وجود دارد؟

۱ مارس

پنجشنبه

تجربه بخشیدن

اگر مسیح آمد تا شخصیت خدا را برای ما نمایان سازد، یک چیز باید تاکنون روشن شده باشد: خدا ما را دوست دارد و تنها بهترین ها را برای ما می خواهد. او از ما می خواهد تنها کاری را انجام بدهیم که به نفعمان و نه به ضرمان می باشد. این مطلب در برگیرنده دعوت او از ما به عنوان بخشندگانی سخاوقند و مسرور بودن از آنچه به ما داده شده است، می شود. گشاده دستی از روی اختیار و پیشکش سخاوقندانه که می بخشم به همان اندازه که

می توانند برای افرادی که آنها را دریافت می کنند منفعت داشته باشند، برای ما به عنوان ارزانی کننده نیز مفید می باشند. تنها کسانی که به این صورت می بخشنند، می توانند درک کنند که بخشیدن چقدر پربرکت تر از دریافت کردن می باشد.

دوم قرنطیان باب ۹ آیات ۶ و ۷ را بخوانید. این آیات چگونه بطور خلاصه مفهوم بخشیدن را توضیح می دهد؟

ارزانی داشتن هدیه سخاوتمندانه می تواند و باید عملی بسیار شخصی و روحانی باشد. عملی از روی ایمان و ابراز قدردانی برای آنچه در مسیح به ما داده شده است. و مانند هر عمل از روی ایمان، بخشیدن نیز ایمان را افزایش می دهد زیرا «ایمان بدون عمل باطل است» (یعقوب باب ۲ آیه ۲۰). و راهی بهتر از بکار بردن ایمان در زندگی برای افزایش ایمان وجود ندارد، که به معنی انجام کارهایی است که ایمان و هر چه از آن سرچشم می گیرد را پرورش می دهد. همانطور که ما آزادانه و سخاوتمندانه می بخشیم، به نوعی شخصیت مسیح را منعکس می کیم. ما با تجربه کردن خدا در اعمالمان، بیشتر درباره ماهیت خدا می آموزیم. از این رو تها بخشیدن مانند این، اطمینان در خدا و فرصت را بوجود می آورد تا «امتحان کنید و ببینید که خداوند چقدر نیکوست. خوشحال کسانی که به او پناه می آورند!» (مزامیر باب ۳۴ آیه ۸).

«دیده خواهد شد که درخشش جلال در چهره عیسی، اوج شکوه محبت فدآکارانه است. در نور تابیده شده از جلجتا دیده خواهد شد که قانون محبت فدآکارانه، قانون زندگی برای زمین و آسمان است؛ اینکه محبتی که بدنبال منفعت خود نیست، منبع آن در قلب خداست؛ و اینکه فرد حلیم و فروتن، شخصیت کسی را که در نوری ساکن است که هیچ انسانی نمی تواند نزدیک آن شود را آشکار می سازد.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *The Desire of Ages*, p. 20

به چه روش هایی واقعیت رشد ایمان از طریق بخشیدن آزادانه و سخاوتمندانه آنچه که به شما داده شده است، تجربه کرده اید؟

۲ مارس

جمعه

تفکری فراتر: «روح بخشایندگی، روح ملکوت است. در عوض، روح خودخواهی، روح شیطان است. محبت فدآکارانه مسیح بر روی صلیب نمایان شده است. او تمام چیزی را که

داشت داد و سپس خود را فدا نمود تا بشر نجات یابد. صلیب مسیح، سخاومندی همه پیروان نجات دهنده مبارک را می طلبد. اصلی که در آنجا نشان داده شد بخشیدن می باشد. این اگر در خیرخواهی واقعی و کارهای خوب انجام شود، ثمره حقیقی زندگی مسیحی می باشد. اصل دنیا پرستی دریافت کردن است و از این رو آنها انتظار دارند که شادی را تامین کنند؛ اما اگر در قمام جهات انجام شود، ثمره آن بدبختی و مرگ است.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, in *Advent Review and Sabbath Herald*, Oct. 17, 1882

سوالاتی برای بحث

۱. چه چیزی در مورد خودخواهی وجود دارد که آن را بسیار در تضاد با روح مسیح قرار می دهد؟ ما چه کارهای آگاهانه ای برای کمک به محافظت از خود در برابر چنین نگرش طبیعی برای یک انسان سقوط کرده می توانیم انجام دهیم؟
۲. «پس هر کس باید مطابق آنچه در دل خود تصمیم گرفته است بدهد و نه از روی بی میلی و اجبار، زیرا خدا کسی را دوست دارد که با شادی می بخشد» (دوم قرنتیان باب ۹ آیه ۷). واژه یونانی ترجمه شده به صورت «شادی»، تنها یکبار در عهد جدید دیده می شود و واژه ای است که از آن واژه انگلیسی *hilarious* را می گیریم. این باید درباره نگرش ما نسبت به بخشیدن، چه چیزی به ما بگوید؟
۳. فهرستی از تمام چیزهایی که در مسیح به شما داده شده است، تهیه کنید. درباره آنچه که می نویسید دعا کنید. این فهرست باید چه چیزی درباره اینکه چرا شما باید در پاسخ به آنچه که به شما داده شده است، ببخشید، بیاموزد؟ در عین حال، فهرست شما چه چیزی درباره اینکه حتی بهترین موهبت های ما داده شده برای بهترین انگیزه ها، می توانند در برابر آنچه که دریافت کرده ایم، جزوی به نظر برسند، چه چیزی تعلیم می دهد؟
۴. چرا خودخواهی راه تضمین شده بدبختی تان می باشد؟
۵. به فردی در خانواده کلیسا ای خود که اکنون به نوعی نیازمند است، بیاندیشید. شما حتی اکنون چه کاری می توانید انجام دهید که به این فرد یا افراد کمک کنید؟ چه کاری حتی در صورت نیاز به فدایکاری دردناک از جانب خود می توانید انجام دهید؟



تراژدی، کوکائین و عیسی

توسط اندرو مک چزنی، تبلیغ دینی ادونتیست

مروان جیکاران، یک متصدی ماشین آلات در یک کارخانه چوب در کشور کارائیب در ترینیداد و توباگو، پس از تصادف رانندگی شدید در سن ۷ سالگی به مدت چهار روز بی‌هوش و برای مدت سه ماه در بیمارستان بستری شد. جیکاران در حال راه رفتن در کنار جاده بود که کامیونی به او اصابت کرده و او را حدود ۴۵ متر با خود بر روی زمین کشید، نصف صورتش از بین رفت و دچار جراحت‌های شدید و عمیقی بر پشتش شد.

جیکاران که اکنون ۵۲ ساله و نیمی از صورتش دارای اثر زخم بدی است، گفت، «مامان می‌گوید که من مرده بودم و به زندگی باز گردانده شدم.» من می‌گوییم، «مامان من در گناه مرده بودم اما عیسی مرا به زندگی بازگرداند.» جیکاران، یکی از نه فرزند خانواده، توسط مادر ادونتیست روز هفتمی تنها، پس از اینکه پدرشان خانواده را ترک کرد، بزرگ شد. او در سن ۱۱ سالگی بدلیل آسیب مغزی بوجود آمده در تصادف که او را ناتوان از یادگیری کرد، مدرسه را ترک نمود. او در سن ۱۴ سالگی شروع به سیگار کشیدن و نوشیدن مشروبات الکلی نمود و در نهایت به ماری جوانا و کوکائین روی آورد. او در سن ۲۸ سالگی ازدواج کرد و پدر چهار فرزند شد.

اما جیکاران به مصرف مواد ادامه داد و همسرش در نهایت با فرزندانش وی را ترک نمود.

جیکاران گفت که به شدت خواهان تغییر کردن بود. یک روز، او فریاد زد: «عیسی، من می‌خواهم تغییر کنم. اما کمک همسرم را نمی‌خواهم. کمک مامانم را نمی‌خواهم. کمک تو را می‌خواهم.»

ساعت‌ها بعد، او تماسی از مدیر یک مرکز توانبخشی مواد مخدر تحت نظر کلیسای ادونتیست با نام مرکز محبت تا زمان آمادگی، دریافت نمود. او بعداً متوجه شد که خواهرش با یک شبان ادونتیست برای کمک تماس گرفته بود و آن شبان با مرکز توانبخشی تماس برقرار کرده بود.

جیکاران مشتاقانه در آن جا حضور یافت. او ۴۶ سال سن داشت.

پیشرفت آهسته بود، اما او روزانه وعده‌های کتاب مقدس را مطالبه می‌کرد. سه وعده مورد علاقه‌اش این‌ها بودند: «ای خداوند، صلح و آرامش کامل به آنایی که در اندیشه‌های خود راسخ‌اند و به تو توگل دارند، عطا فرما» (اشعیا باب ۲۶ آیه ۳)؛ «همیشه همراه تو خواهم بود و هرگز تو را ترک نخواهم کرد» (یوشع باب ۱ آیه ۵)؛ «و شما قبل از هر چیز برای به دست آوردن پادشاهی خدا و انجام خواسته‌های او بکوشید، آن وقت همه این چیزها نیز به شما داده خواهد شد» (متی باب ۶ آیه ۳۳).

او همچنین نزد خداوند دعا کرد که خانواده‌اش به هم بپیوندد و آن‌ها را به خدا وند نزدیک‌تر کند.

در پایان برنامه توانبخشی، همسر دلسرد جیکاران آمد تا او را به خانه مادرش ببرد. اما وقتی همسرش دید که او مرد جدیدی شده است، به طور غیرمنتظره ای او را به خانه برد. در نهایت هر دو تعیید گرفتند.

این روزها جیکاران به همه کسانی که می‌بیند، درباره علاقه‌ای به عیسی می‌گوید. او روزانه دعا می‌کند، «خداؤندا، اطلاعات بیشتری به من بده تا بتوانم درباره تو صحبت کم.»

او گفت، «من باور دارم که خداوند مرا به این جهان آورده است تا بتوانم شاهدی برای او باشم. هیچ چیز مربوط به من نیست. همه چیز به خدا مربوط است.»

نقش مبادرت



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: کولسیان باب ۱ آیات ۱۶ تا ۱۸؛ عبرانیان باب ۴ آیات ۱۴ تا ۱۶؛ سوم یوحنا آیه ۳؛ پیدایش باب ۶ آیات ۱۳ تا ۱۸؛ مکافه یوحنا باب ۱۴ آیات ۶ تا ۱۲؛ اول پطرس باب ۱ آیات ۱۵ و ۱۶.

آیه حفظی: «چنانکه سابقا نیز به شما گفته و حکم کردہ ایم، زیرا خدا ما را به ناپاکی نخوانده است، بلکه به قدوسیت» (اول تسالوونیکیان باب ۴ آیه ۷).

مبادرت پنهان عریض و طویلی را تحت پوشش خود قرار می‌دهد و گرفتار شدن در گوشه‌ای از این سیطره عظیم و به تبع آن راه گم کردن سهل است. مبادرت با وجود اینکه آسان است ولی پیچیده نیز می‌باشد و در نتیجه می‌تواند به راحتی درک نشود. با این حال، نه فرد مسیحی و نه کلیسا می‌توانند بدون آن وجود داشته با عمل کنند. مسیحی بودن به معنی یک مبادرت خوب بودن نیز می‌باشد.

«این یک نظریه و یک فلسفه نمی‌باشد بلکه یک برنامه کاری است. این در حقیقت قانون زندگی مسیحی است.... برای درک کافی از زندگی لازم است و برای یک تجربه مذهبی درست و حیاتی ضروری می‌باشد. در واقع مسئله رضایت فکری و روحی نیست، بلکه عملی از روی اراده و عمل قطعی و مسلم است که به همه طیف‌های زندگی پیرامونی مربوط می‌شود.» — لروی ئی. فروم،

LeRoy E. Froom, *Stewardship in Its Larger Aspects* (Mountain View: Calif., Pacific Press Publishing Association, 1929), p. 5

برخی از ارکان اصلی که مفهوم مبادرت مسیحی بودن را میرساند، کدامند؟ این هفته نگاهی بیشتر به نقش‌هایی که مبادرت در زندگی مسیحی ایفا می‌کند، خواهیم انداخت.

اگر چه این کار را از طریق یک تشبیه جالب انجام خواهیم داد: یک چرخ ارابه.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۰ مارس آماده شوید.

۴ مارس

یکشنبه

مسیح به عنوان کانون همه چیز

عیسی در سرتاسر کتاب مقدس، نقش چهره اصلی را ایفا می نماید (یوحنا باب ۵ آیه ۳۹). و ما باید خود را در ارتباط با او ببینیم. او جریمه گناه را پرداخت کرد و «جان خود را در راه بسیاری فدا کرد» (مرقس باب ۱۰ آیه ۴۵). قمام قدرت های زمین و آسمان از آن عیسی می باشد (متی باب ۲۸ آیه ۱۸) و همه چیز ها در دستان او هستند (یوحنا باب ۱۳ آیه ۳). نام او بالاتر از همه نام ها قرار دارد و روزی همه در برابر او زانو خواهند زد (فیلیپیان باب ۲ آیات ۹ تا ۱۱).

«عیسی کانون حیاتی همه چیز است.» — الن جی. وایت، *Evangelism*, p. 186.
مسیح قلب مباشرت و منبع قدرت ما می باشد. به خاطر او، زندگی ما با ارزش است و به همه نشان می دهد که او کانون اصلی زندگی ما می باشد. پولس ممکن است سختی های بسیاری تجربه کرده باشد اما مهم نیست که کجا بود و یا چه اتفاقی برای وی افتاد، او یک اولویت در زندگی خود داشت: «مقصود من از زندگی مسیح است و مردن نیز به سود من تمام می شود» (فیلیپیان باب ۱ آیه ۲۱).

کولسیان باب ۱ آیات ۱۶ تا ۱۸، رومیان باب ۸ آیه ۲۱ و دوم قرنطیان باب ۵ آیه ۱۷ را بخوانید.
این آیات درباره اینکه عیسی محور مرکزی همه چیز است چه به ما می گویند؟

اگر مسیح در هسته مرکزی نباشد، مباشرت اصلی وجود خواهد داشت (غلاظیان باب ۲ آیه ۲۰). او کانون «آن امید متبارک» می باشد (تیطوس باب ۲ آیه ۱۳) و «او قبل از همه چیز وجود داشت و همه چیز به وسیله او به هم می پیوندد و مربوط می شود» (کولسیان باب ۱ آیه ۱۷). درست همانطور که میله چرخ فرمان محور مرکز چرخ می باشد و در نتیجه وزن واگن را تحمل می کند، مسیح نیز مرکز زندگی مباشر می باشد. درست همانطور که محور محکم باعث پایداری می شود و به چرخ ها امکان چرخش می دهد، عیسی نیز مرکز وجود مسیحی ما را ثابت و پایدار می سازد (عبرانیان باب ۱۳ آیه ۸). تاثیر او باید در همه چیز که ما فکر می کنیم و انجام می دهیم، نفوذ کند. تمام جنبه های مباشرت در اطراف مسیح می چرخند و مرکزیت خود را در وی می یابند.

«چون شما نمی توانید جدا از من کاری انجام دهید» (یوحنا باب ۱۵ آیه ۵). مرکز

مباشرت تو خالی و پوچ نمی باشد بلکه واقعیت مسیح زنده است که در ما کار می کند. تا شخصیت ما را در حال حاضر و تا ابدیت شکل دهد.

گفتن اینکه عیسی هسته زندگی ماست، یک چیز است اما مانند او زندگی کردن چیز دیگریست. چگونه می توانید مطمئن باشید که عیسی درواقع آنگونه که وعده داده است، در زندگی شما وجود دارد؟

۵ مارس

دوشنبه

أصول تعالیم قدس

کسی معمولاً از قدس در محیط و محدوده مباشرت به تفکر نمی پردازد. با این حال، ارتباط وجود دارد زیرا قدس بسیار در نظام باوری ما حیاتی می باشد و مباشرت بخشی از این نظام است. «درک صحیح کهانت [مسیح] در قدس آسمانی، اساس ایمان ماست.» —

Ellen G. White, *Evangelism*, p. 221.

ضروری است که ما نقش مباشرت را در پرتو این مفهوم کتاب مقدس درک کنیم. اول پادشاهان باب ۷ آیه ۳۳، چرخ اربابه را توصیف می کند. ما اصول تعالیم قدس را به عنوان توپی چرخ نشان خواهیم داد. توپی چرخ به اکسل یا میله محور چرخ متصل می شود و ثبات بیشتری برای چرخ در هنگام چرخش فراهم می کند. مسیح که مرگ و رستاخیز پیروزمندانه را تجربه کرد (دوم تیموთائوس باب ۱ آیه ۱۰)، از طریق مرگ خویش، در کانون امور قدس قرار دارد (عبرانیان باب ۶ آیات ۱۹ و ۲۰) و برای زندگی ما ثبات به همراه دارد. و از معبد است که او در اینجا بر روی زمین از طرف ما شهادت می دهد (عبرانیان باب ۸ آیات ۱ و ۲ را ببینید).

«مکتب ادونتیستِ کتاب مقدسی که قائم به ذات اصول [کتاب مقدس بطور محضر] می باشد سیستم اصول تعالیمی خود را بر پایه دیدگاه اصول تعالیم قدس بنا نموده است.» — فرناندو کاناله،

Fernando Canale, *Secular Adventism? Exploring the Link Between Lifestyle and Salvation* (Lima: Peru, Peruvian Union University, 2013), pp. 104, 105

آیات زیر چه چیزی درباره خدمت عیسی در معبد به ما می گویند؟ اول یوحنا باب ۲ آیه ۱، عبرانیان باب ۴ آیات ۱۴ تا ۱۶، مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۷.

اصول تعالیمی قدس به آشکار شدن حقیقت بزرگ نجات و رستگاری کمک می کند که هسته کل الهیات مسیحی می باشد. ما در قدس نه تنها مرگ مسیح را در خودمان می بینیم، بلکه خدمت او در قدس آسمانی را نیز می بینیم. همچنین می توانیم در مقدس ترین مکان، اهمیت شریعت خدا و واقعیت داوری نهایی را ببینیم. در مرکزیت همه اینها، وعده نجات بواسطه خون ریخته شده عیسی، برای ما میسر شد.

نقش مباشرت منعکس کننده یک زندگی است که لنگر آن در حقیقت عظیم رستگاری محکم گردیده، آنگونه که در اصول تعالیم قدس نمایان شده است. هر چه عمیق تر آنچه را که مسیح برای ما انجام داده است و هم اکنون برایمان انجام می دهد، درک کنیم، به مسیح، به کهانت او، ماموریت او، تعالیم او و قصد او برای کسانی که اصول مباشرت را در زندگی خویش بکار می برنند، نزدیک تر می شویم.

عبرانیان باب ۴ آیات ۱۶ تا ۱۶ را بخوانید. در این آیات چه چیزی مربوط به مبارزه ما با گناه، نفس و خودخواهی وجود دارد؟ ما چگونه از آنچه در اینجا به ما وعده داده شده است، قدرت و امید می گیریم؟

۶ مارس

سه شنبه

اصول اعتقادی مسیح محور

قدس در کانون قرار دارد زیرا جایی است که حقیقت بزرگ نجات با قدرت زیاد بیان شده است و معنای صلیب آشکار شده است. و تمام اصول تعالیم ما به نحوی باید به وعده انجیل و نجات ارتباط داشته باشند. مانند پرهای چرخ، آموزه های دیگر از طریق حقیقت بزرگ نجات با ایمان در عیسی بوجود می آیند.

«جانسپاری مسیح به عنوان کفاره گناه، حقیقت بزرگی است که حقایق دیگر به دور آن جمع شده اند ... کسانی که فداکاری شگفت انگیز نجات دهنده را مطالعه می کنند، در فیض و معرفت رشد می کنند.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White Comments, *The SDA Bible Commentary*, vol. 5, p. 1137

عیسی با اشاره به خود به عنوان «حقیقت» در یوحنا باب ۱۶ آیه ۶، چه منظوری داشت؟ این آیه را با یوحنا باب ۱۷ آیه ۱۷ مقایسه کنید. ما باید با حقیقت چه کار کنیم؟ سوم یوحنا آیه ۳.

اصول اعتقادی تعلیمی ما بر آنکه هستیم و مسیری که در آن قرار داریم، تاثیر می‌گذارند. اصول تعلیم تنها ایده‌های خلاصه شده الهیاتی نیستند؛ اصول تعلیمی درست به مسیح مستحکم گردیده است و باید به شیوه‌های مختلف، بر نحوه زندگی ما تاثیر بگذارد. درواقع، می‌توان به حق گفت که هویت ما به عنوان ادونتیست‌های روز هفتم، بیشتر از هر چیز دیگری در اصول اعتقادی ما ریشه دارد. پس اصول تعلیمی که ما از کتاب مقدس بدست می‌آوریم، چیزهایی هستند که ما را به ادونتیست‌های روز هفتم تبدیل می‌کنند.

نقش مباشرت این است که با حقیقت تعالیم همانگونه که در عیسی وجود دارد زندگی کنیم و به روشی که بر کیفیت نحوه زندگی ما تاثیر مثبت بگذارد. «البته اگر واقعاً از مسیح با خبر شده اید و در اتحاد با او حقیقت را آن چنانکه در عیسی یافت می‌شود آموخته اید، شما باید از آن زندگی که در گذشته داشتید، دست بکشید و آن آدمی که در پیش بودید را از خود دور سازید، زیرا او فریب شهوات خود را خورد و در راه هلاکت است. دل و ذهن شما باید کاملاً نو شود و شخصیت تازه‌ای را که در نیکی و پاکی حقیقی و به صورت خدا آفریده شده است به خود بپوشانید» (افسیان باب ۴ آیات ۲۱ تا ۲۴). ما در این آیات نه تنها مفهوم حقیقت بلکه نحوه زندگی کردن آن را نیز در می‌یابیم. مباشر بودن تنها اعتقاد به اصول تعالیم هر چند هم که حقیقی باشند، نمی‌شود؛ مباشر بودن یعنی زندگی کردن آن حقایق در تعامل ما با دیگران.

۷ مارس

چهارشنبه

پیام سه فرشته

خدا تنها دوبار نسبت فرا رسیدن فاجعه جهانی هشدار داده بود: یکبار به نوح (پیدایش باب ۶ آیات ۱۳ تا ۱۸، متی باب ۲۴ آیه ۳۷) و بار دیگر از طریق پیام سه فرشته (مکافهه یوحنا باب ۱۶ آیات ۶ تا ۱۲). این پیام‌ها پرده‌ای را به کنار می‌کشند تا دیدگاه منحصر به فرد وقایع آینده را نمایان سازند. درک ما از این پیام‌ها در طول زمان کامل شده است، اما پیام و ماموریت همچنان عادل شمرده شدن از طریق ایمان در مسیح، «در حقیقت پیام فرشته سوم می‌باشد». — الن جی. وايت، *Evangelism*, p. 190.

به عبارت دیگر در حیطه پیام حقیقت کنونی ما، پیامی که ما فراخوانده شده ایم تا آن را به جهانیان اعلام داریم، عیسی و فداکاری بزرگش برای ما قرار دارند.

مکافهه یوحنا باب ۱۶ آیات ۶ تا ۱۲ را بخوانید. عصاره این پیام‌ها چیست؟ آنها به جهان چه چیزی می‌گویند؟ در مورد این پیام‌ها و متناسب بودن مباشرت، ما چه مسئولیتی بر عهده داریم؟

به عنوان ادونتیست های روز هفتم، ماموریت ما این است که حقیقت پیام سه فرشته را در آمادگی برای آمدن دوباره مسیح ارائه دهیم. مردم باید قادر باشند که در مورد ابدیت تصمیم بگیرند. نقش مباشرت، مشارکت با خدا در ماموریت می باشد (دوم قرنطیان باب ۵ آیه ۲۰، باب ۶ آیه ۴-۱).

«ادونتیست های روز هفتم در مفهومی خاص به عنوان نگهبانان و حاملان نور در این جهان قرار دارند. آخرین هشدار جهان رو به نابودی به ایشان داده شده است. نور شگفت انگیز کلام خدا بر ایشان می تابد. به ایشان با اهمیت ترین کار داده شده است — اعلام پیام های سه فرشته. کار دیگری با چنین اهمیتی وجود ندارد. آنها باید اجازه دهند چیز دیگری توجه ایشان را جلب کند.» — الن جی. وايت

Ellen G. White, *Testimonies for the Church*, vol. 9, p. 19

غلتشگاه چرخ، تماس با زمین می باشد و نشان دهنده ماموریت پیام های سه فرشته است. ماموریت آنها محافظت در برابر انحراف دینی و شناسایی مسئولیت ما در وقایع پایانی جهان می باشد. ما باید مبادرین این پیام باشیم و آن را به جهانیان اعلام کنیم.

وقتی به وقایع آخرزمان فکر می کنیم، درگیر نمودار ها و تاریخ ها شدن بسیار آسان است. آنها نقش خود را دارند اما، ما همچنان که به دنبال موعظه این پیام به جهانیان هستیم، چگونه می توانیم اطمینان یابیم که عیسی و فدایکاری او را در روپرتوی خود و در مرکزیت همه چیز قرار دهیم؟

۸ مارس

پنجشنبه

مباشرت

مسیح می خواهد که ما زندگی مقدسی داشته باشیم. زندگی او «قدوسیت» و بهترین نوع مبادرت را به تصویر می کشد (عبرانیان باب ۹ آیه ۱۴). ما باید زندگی خود را به گونه ای اداره کنیم که خوشایند خدا باشد که این شامل نحوه مدیریت هر آنچه که به ما سپرده شده است، می باشد. مبادرت ابرازی از آن تقدس است.

اول پطرس باب ۱ آیات ۱۵ و ۱۶ را با عبرانیان باب ۱۲ آیه ۱۴ مقایسه کنید. «قدس بودن» و «قدوسیت» به چه معنا هستند؟ این چگونه به مبادرت ما مربوط می شود؟

رومیان کشف نمودند که اگر یک نوار آهنی بر لبه چرخ قرار می دادند، چرخ ارابه مدت بیشتری کار می کرد. آهنگر فلز را حرارت می داد تا به اندازه کافی برای قرار گرفتن بر روی لبه چرخ جا بیفت. آب سرد آن را برای محکم شدن منقبض می نمود. سپس نوار آهنی در حین چرخش چرخ با زمین تماس برقرار می کرد.

نوار آهنی بر روی حاشیه یا کاسه چرخ می تواند مفهوم مباشرت را نشان دهد. این لحظه ای از حقیقت است، جایی که زندگی روحانی ما با زندگی عملی ما اصطکاک پیدا می کند. این جایی است که ایمان ما با فراز و نشیب های زندگی از طریق موفقیت و شکست روبرو می شود. این جایی است که باورهای ما در کشمکش بی نظم و ترتیب زندگی روزانه واقعی می شوند. مباشرت پوسته بیرونی هویت ماست و کاری که انجام می دهیم. شهادتی از رفتار و زندگی به خوبی مدیریت شده ما می باشد. کارهای روزانه ما که مسیح را نمایان می سازند، مانند آهن روی چرخ هستند که زمین را می کند. کارها قدرتمند هستند و باید از طریق تعهد ما به مسیح اداره شوند. ما باید با این اطمینان و وعده زندگی کنیم: «من به وسیله مسیح که مرا تقویت می کند، به انجام هر کار قادر هستم» (فیلیپیان باب ۴ آیه ۱۳).

تقدیس روح با کار روح القدس، قرار دادن طبیعت مسیح در بشر می باشد. دین مبتنی بر انجیل یعنی اینکه مسیح در زندگی ما وجود دارد - یک اصل زنده و فعال. این فیض مسیح است که در شخصیت نمایان شده است و در کارهای خوب تشکیل شده است. اصول انجیل نمی تواند از هیچ کدام از بخش های زندگی عملی جدا شوند. هر تجربه و کار مسیحی باید نشان دهنده زندگی مسیح باشد.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Christ's Object Lessons*, p. 384

به زندگی روزانه خود و وجودتان بنگرید. چه چیزی از آن، واقعیت مسیح در شما، کاری که در شما انجام می دهد و شما را به یک موجود جدید تبدیل می کند، نمایان می سازد؟ شما باید برای دیدن قدوسیت او نمایان شده در شما، چه انتخاب های آگاهانه ای بکنید؟

۹ مارس

جمعه

تفکری فراتر: هر چند وقت یکبار، نوار آهنی چرخ ارابه باید عوض می شد، زیرا بدليل اصطکاک نوار فلزی با جاده، گشاد می شد. این تعویض به ضربه و چکش زدن بر نوار آهنی نیاز داشت. این تعویض نوار آهنی نشان دهنده مباشرت به عنوان تقدیس عملی می باشد. این یعنی داشتن ذهن مسیح در هنگام پاسخ دادن به همه جنبه های بزرگ و کوچک زندگی، حتی زمانی که این فرایند می تواند سخت و دردناک باشد. این روند از استفاده ما از پول، روابط

خانوادگی یا اشتغال گرفته تا چیزهای دیگر، همگی باید طبق اراده مسیح پاسخ داده شوند. کاهی اوقات، همانطور که همگی به خوبی می‌دانیم، می‌توانیم این درس را تنها از طریق ضرباتی سخت بیاموزیم.

جا انداختن مجدد آهن آسان نیست. همچنین عوض کردن شخصیت انسان نیز آسان نمی‌باشد. به تجربه پطرس بیاندیشید. او همه جا با عیسی بود، اما انتظار این سخنان را از عیسی نداشت: «اما من برای تو دعا کردم که ایمانت از بین نرود و وقتی برگشتی باید برادرانت را استوار گردانی» (لوقا باب ۲۲ آیه ۳۲). کمی بعد، پس از انکار عیسی، پطرس زندگی اش تغییر یافت اما تنها پس از تجربه بسیار تلح و دشوار، به نوعی، مباشرت او از نو چیده شد. پطرس به فرد جدیدی تبدیل شد و زندگی اش جهتی تازه می‌یافت اما تنها پس از ضربه‌های بسیار واقعی.

سوالاتی برای بحث

۱. تقدیس عملی چه ارتباطی با دستورالعمل عیسی که گفت، «اگر کسی بخواهد پیرو من باشد باید دست از جان بشوید و همه روزه صلیب خود را بردارد و با من بیاید»، دارد؟ لوقا باب ۹ آیه ۲۳. چه چیزی مصلوب شده است؟ غلاطیان باب ۶ آیه ۱۴. این چگونه روند تقدیس را نشان می‌دهد؟ تقدیس عملی چگونه به ما در آموختن فکر کردن مانند خدا کمک می‌کند؟ اول قرنتیان باب ۲ آیه ۱۶.
۲. تجربه شما در مورد اینکه سختی‌های دردنگ چه درس‌های قدرتمندی درباره زندگی مسیحی و پیروی از خداوند می‌توانند تعلیم دهند، چه بوده است؟ کسانی که مایلند، در کلاس در مورد آن تجربه‌ها و آنچه از آنها آموخته‌اند، صحبت کنند. ما از تجربه یکدیگر نیز چه چیزهایی می‌توانیم بیاموزیم؟
۳. به باورهای دیگر ما به عنوان ادونتیست‌های روز هفتم از جمله روز سبت، وضعیت مردگان، خلق‌ت، آمدن دوباره مسیح و غیره بیاندیشید. این باورهای مختلف، به چه روش‌هایی باید بر نحوه زندگی ما به طور کلی تاثیر بگذارند؟



سگ مبلغ

توسط نلسون ارنست

گروهی از افراد جوان ادونتیست روز هفتم تصمیم گرفتند در یک عصر روز سبت، نشریات GLOW را در اجتماعی در ایالت هاوایی آمریکا پخش کنند.

این جوانان با یکدیگر دعا کردند و از خانه‌ای به خانه دیگر رفتند.

هنگامی که اولین در باز شد، مرد جوانی گفت: «سلام! ما از طرف کلیسای ادونتیست روز هفتم هستیم و برای شما هدیه‌ای داریم.»
صاحبخانه شگفت‌زده گفت، «برای من؟»

بازدید کننده چند تا از نشریات کوچک را به او داد و گفت، «بله، برای شما.»

وقتی که صاحبخانه نشریات را گرفت، مرد جوان پیشنهاد داد که برای آن زن دعا کند.

«آیا درخواست دعای خاصی دارید از خداوند خواسته شود؟»

و این روند از خانه‌ای به خانه دیگر تکرار شد.

«سلام! ما از طرف کلیسای ادونتیست روز هفتم هستیم و برای شما هدیه‌ای داریم. چگونه می‌توانیم برایتان دعا کنیم؟»

در برخی از خانه‌ها جوابی داده نمی‌شد. در تعداد کمی، صاحبخانه از بازدیدکنندگان می‌خواست که آنجا را ترک کنند.

سپس دو مرد جوان به خانه‌ای نزدیک شدند که دورش حصار داشت. پس از یافتن در، آن‌ها تلاش کردند آن را باز کنند که ناگهان صدای آژیر شنیده شد.

«گررررر... ووووو! گررررر... ووووو!»

آن‌ها از پشت حصارها سگی خشمگین را دیدند که به ایشان خیره شده بود.

یکی پرسید، «الان چه کار کنیم؟»

هیچ کدام نمی‌خواستند خطر کنند و برای در زدن از سگ عصبانی رد شوند. مرد جوانی نشریه را گرفت و آن را در آن طرف حصار نگه داشت. سگ به دقت نگاه می‌کرد.

سپس مرد جوان نشريه را انداخت. بر روی زمین افتاد. سگ به سمت آن دوید و آن را بو کشید. سپس کار عجیبی کرد. سگ با دهانش نشريه را برداشت. با سرعت به طرف در ورودی خانه دوید و آن را در جلوی در قرار داد. یکی از بنیانگذاران کلیسای ادونتیست، الن جی. وايت به ما می‌گوید: «خدا از روش‌ها و وسیله‌هایی استفاده خواهد کرد که دیده خواهد شد که افسار را در دستان خود می‌گیرد. خدمتگزاران از ابزار ساده‌ای که او برای انجام و کامل نمودن عمل عدالتیش استفاده خواهد کرد، شگفتزده خواهند شد» (*Testimonies to Ministers and Gospel Workers*, p. 300)

اگر فرشته‌ای می‌تواند یک میمون را به حرف آورد، چرا نمی‌تواند سگی عصبانی را به یک مبلغ در هاوایی تبدیل کند؟ و اگر یک سگ می‌تواند نشریات ادونتیست را به اشتراک بگذارد، چرا شما نتوانید؟

تلسون ارنست یکی از بنیانگذاران و مدیر GLOW، یک مرکز پخش نشریات ادونتیست است که در کالیفرنیا تأسیس شد و در سرتاسر جهان گسترش یافت.

بدهی — یک تصمیم روزانه



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: مزمایر باب ۳۷ آیه ۲۱؛ متی باب ۴ آیات ۳ تا ۱۰، باب ۶ آیه ۳۳؛
تثنیه باب ۲۸ آیه ۱۲؛ امثال سلیمان باب ۱۳ آیه ۱۱، باب ۲۱ آیه ۵؛ دوم قرنتیان باب ۴ آیه ۱۸.

آیه حفظی: «پس حق هر کس را به او ادا کنید: باج را به مستحق باج و جزیه را به مستحق جزیه و ترس را به مستحق ترس و عزت را به مستحق عزت. مدیون احدي به چیزی مشوید جز به محبت نمودن با یکدیگر، زیرا کسی که دیگری را محبت نماید، شریعت را بجا آورده باشد» (رومیان باب ۱۳ آیات ۷ و ۸).

گاهی اوقات ممکن است آنقدر خوش شانس باشید که کسی را پیدا کنید که مایل به قرض دادن پول به شما باشد. شاید آن فرد اینکار را با انگیزه خالص انجام دهد — یعنی او درواقع می خواهد به شما برای وضعیت تنگنای مالی تان کمک کند. اما در اکثر مواقع، مردم برپایه خوبی قلب هایشان به شما پول قرض نمی دهند. آنها به شما پول قرض می دهند زیرا می خواهند از بازگشت پول کسب درآمد کنند.

ما باید هر کاری می توانیم انجام دهیم تا زیر بار قرض نرویم. مطمئناً، در شرایط خاص مانند خرید خانه و یا ماشین، ساختن یک کلیسا یا تحصیل، نیاز به قرض گرفتن پول داریم. اما اینکار باید تا حد ممکن عاقلانه و با هدف خارج شدن از بدھی در اسرع وقت، انجام شود. در عین حال ما باید مراقب باشیم. خرج کردن پولی که نداریم، دروازه ای برای قوم خداست که «طمع و عشق به ثروت های زمینی را ویژگی حاکم شخصیت خود بکنند. تا زمانی که این ویژگی ها حاکم باشند، رستگاری و فیض حاصل نمی گردد.» — الن جی.

Ellen G. White, *Early Writings*, p. 267

ما باید مهارت ها و توانایی های خود را بهبود ببخشیم تا بتوانیم منظم باقی ہمانیم و

هر کاری می توانیم برای جلوگیری از بدھی انجام دهیم. این هفته به آنچه کتاب مقدس درباره بدھی می گوید، خواهیم پرداخت.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سیت در ۱۷ مارس آماده شوید.

۱۱ مارس

یکشنبه

قرض گرفتن و خرج کردن

انبیاء و الیشع در کتاب رودخانه اردن چوب جمع آوری می کردند زمانی که «تیغه تبر او در آب افتاد. او فریاد کرد و گفت ای سرورم، من این تبر را به امانت گرفته بودم» (دوم پادشاهان باب ۶ آیه ۵). فعل «به امانت گرفتن» به معنی استفاده از چیزی است که به فرد دیگری تعلق دارد و او اجازه از آن را داده است. این اجازه شامل ریسک و مسئولیت می باشد. پول قرض گرفته شده نیز تفاوتی با تبر به امانت گرفته شده ندارد، به جز اینکه می تواند در صورت استفاده نادرست از آن عواقب جدی تری داشته باشد.

تنها دلیلی که ما پول قرض می گیریم این است که آن را خرج کنیم. خطر مالی که برای ما وجود دارد این است که فرض می کنیم که توانایی باز پرداخت آن را داریم و اینکه در آینده هیچ غافلگیری مالی وجود نخواهد داشت. این در حالی است که آینده برای ما ناشناخته است (جامعه باب ۸ آیه ۷)؛ از این رو، قرض گرفتن پول همیشه با خطر همراه می باشد.

آیات زیر درباره بدھی چه چیزی می گویند؟

مزامیر باب ۳۷ آیه ۲۱

جامعه باب ۵ آیه ۵

تشنیه باب ۲۸ آیات ۴۴ و ۴۵

ما ممکن است با این اندیشه پول قرض کنیم که از آن عاقلانه استفاده می کنیم، اما وسوسه خرج کردن آنچه که داریم حتی پول قرض گرفته شده، می تواند به مشکلات بسیار دشواری منتهی شود. درواقع، خرج کردن پول قرض گرفته شده باعث می شود بسیاری از ما به شیوه ای زندگی کنیم که استطاعت آن را نداریم. وسوسه قرض گرفتن و خرج کردن، نهضت فرهنگی مصرف گرائی است که بر فقیر و ثرومند تاثیر می گذارد. هنگامی که وسوسه شدیم باید قوانین خدا را بطلیم (اول قرنتیان باب ۱۰ آیه ۱۳)، زیرا قرض کردن می تواند یک لعنت باشد (تشنیه باب ۲۸ آیات ۴۳ تا ۴۵).

عادت بد قرض گرفتن پول را شروع نکنید. اگر قبل از قرض گرفته اید، در اسرع وقت آن را پس بدهید. ما باید یاد بگیریم عاقلانه خرج کنیم و صاحبان پول خدا باشیم، و به جای آن، پول دنیوی ارباب ما نباشد.

بار دیگر، بعضی موقعیت‌ها وجود دارند که در آن مانیاز به قرض گرفتن پول داریم. اما این کار باید با احتیاط و هدف پس دادن همه پول در اسرع وقت انجام شود.

چه خطرات روحانی برای فردی که بسیار گرفتار بدھی می‌شود، وجود دارد؟

۱۲ مارس

دوشنبه

مباشرت و کیف و خوشی برای یک لحظه

«بعد از آن یعقوب مقداری خورشت عدس و ننان به او داد. او خورد و نوشید و بلند شد و رفت. عیسو برای نخست زادگی خود بیشتر از این ارزش قائل نشد» (پیدایش باب ۲۵ آیه ۳۴). عیسو یک مرد زمخت بود که اغلب اوقات در بیرون از خانه کار می‌کرد و بدنیال علایق خود بود. هنگامی که بوی خورشت برادرش به مشام او رسید، بلافصله دلش عدس خواست، با اینکه احتمال اینکه از گرسنگی رو به مرگ بود، بسیار بعيد بود. او که تحت کنترل احساسات و عواطف خود بود، اجازه داد که فشار لحظه بر عقلانیت او غلبه کند و حق نخست زادگی اش را برای کیف و خوشی یک لحظه مبارله نمود. زمانی که او خواهان باز پس گرفتن حق نخست زادگی خود بود، و «اگر چه او با ریختن اشک در پی آن بود» (عبرانیان باب ۱۲ آیه ۱۷)، آن را دریافت نکرد.

در مقابل، او نمونه‌ای از عیسی بود. عیسی پس از روزه به مدت ۴۰ روز و تقریباً نزدیک شدن به مرگ بدلیل گرسنگی، سه مرتبه توسط شیطان وسوسه شد (متی باب ۴ آیات ۳ تا ۱۰). اما عیسی متوجه وسوسه‌ها شد و حتی در ضعیف ترین حالت خود، تسلیم خوشگذرانی نشد. عیسی در تمام زندگی خود، لذت گناه و خوشگذرانی را انکار نمود و با این کار، نشان داد که ما نیز می‌توانیم قدرت غلبه بر گناه را داشته باشیم. او حق نخست زادگی خود را از دست نداد و آن را معامله نکرد، و از همه دعوت می‌کند که در وراثت با او شریک باشند (رومیان باب ۸ آیه ۱۷، تیطوس باب ۳ آیه ۷). ما حق نخست زادگی خود را با پیروی از مثال عیسی وقتی وسوسه شد، نگه داریم (اول قرنتیان باب ۱۰ آیه ۱۳).

بهترین چیزی که این جهان می‌تواند ارائه دهد، تجربه اکنون و اینجا است، زیرا نمی‌تواند تجربه آخرت را ارائه دهد. زندگی کردن برای خودتان در مقابل زندگی کردن برای خدا می‌باشد.

آیات زیر چه چیزی درباره خطرات احتمالی خوشی لحظه‌ای حتی برای افراد با ایمان تعلیم می‌دهند؟ دوم سموئیل باب ۱۱ آیات ۲ تا ۴، پیدایش باب ۳ آیه ۶، فیلیپیان باب ۳ آیه ۱۹، اول یوحنا باب ۲ آیه ۱۶، رومیان باب ۸ آیه ۸.

تمایل به لذت لحظه‌ای نشانه‌ای از یک ذهن غیر قابل کنترل می‌باشد؛ این هوس، دشمن صبر و شکیبایی است که اهداف بلند مدت را تضعیف می‌کند و به مسئولیت پذیری آسیب می‌رساند. به تاخیر انداختن لذت یک اصل آموخته شده می‌باشد؛ مانند مهارتی است که به ما کمک می‌کند فشارها و موقعیت‌ها را مدیریت کیم، به خصوص وسوسه‌هایی که جهان ارائه می‌دهد از جمله قرض گرفتن ناعاقلانه پول. اگر چه این ایده در جهانی که بر پایه زیاده روی در پاداش لحظه‌ای، درست کردن‌های سریع و طرح‌های به سرعت ثرومند شدن، محبوب نمی‌باشد. هنگامی که مالذت لحظه‌ای را تجربه نمی‌کنیم، احتمال اینکه پاداش کوتاه مدت را دوباره انتخاب کنیم بیشتر می‌باشد.... مبادرینِ عطا، خدا از ما خواسته است تا در آن دام نیفتیم.

سه شنبه

۱۳ مارس

زندگی کردن با بودجه‌تان

«خانه شخص دانا پر از ناز و نعمت است، اما نادان هر چه به دست می‌آورد، برباد می‌دهد» (امثال سلیمان باب ۲۱ آیه ۲۰). این آیه، مبادرت مسئولیت اقتصادی را با مدیریت زندگی مجلل و افراط گرایانه مقایسه می‌کند. افراد نادان برای زندگی کردن با درآمدشان برنامه ریزی نمی‌کنند. آنها حریصانه ثروت خود را هدرداده و حتی پول قرض گرفته شده را خرج می‌کنند و احساس می‌کنند که زندگی مقتضانه و خردمندانه مانند یک رژیم ناخواسته، دشوار است. با این وجود، حتی زمانی که ما نیاز داریم پول قرض کنیم، از جمله برای خرید خانه، باید با دقت نظر و درک اینکه باید با درآمد خود زندگی کنیم، آن را انجام دهیم.

ثرومندان می‌توانند با درآمد خود از ثروتشان زندگی کنند. مشکل آنها این است که همیشه نگران ثروتشان و نحوه نگه داشتن آن هستند. وقتی افراد دارایی کمی دارند و تنها با درآمد حقوق خود زندگی می‌کنند، آنها نگران حفظ زندگی هستند و نه ثروت. با این حال، کتاب مقدس، بدون در نظر گرفتن میزان دارایی‌ها، در مورد زندگی کردن با درآمدمان به ما مشورت می‌دهد. پولس آنچه را که ما ممکن است سادگی مفرط در نظر بگیریم، توصیه می‌کند: «پس اگر خوراک و پوشاش داشته باشیم، به آنها قناعت می‌کنیم» (اول تیموتائوس باب ۶ آیه ۸). پولس دارایی‌های دنیوی را چندان مهم در نظر نمی‌گیرد، زیرا برای او، زندگی در مسیح کافی است (فیلیپیان باب ۱ آیه ۲۱).

چه اصولی باید پیش از هر چیز دیگری در نظر گرفته شوند؟ متی باب ۶ آیه ۳۳. چگونه می‌توانیم مطمئن باشیم که اینگونه زندگی می‌کنیم؟

می توانیم بودجه خود را نه به عنوان درآمد بلکه به عنوان منابعی که مسئولیت مدیریت آن را بر عهده داریم، در نظر بگیریم. حساب درآمد و خرج، روشی است که باید برای انجام این وظیفه از آن استفاده کنیم. تنظیم بودجه ، مهارتی آموختنی است که باید اندیشمندانه مورد مطالعه قرار گیرد. عمل و تلاش منظم برای موفقیت در مدیریت یک طرح مالی متعادل الزامی است (امثال سلیمان باب ۱۴ آیه ۱۵). اگر ما متعهد بشویم که در طرح مباشرت مالی خود موفق شویم، قادر خواهیم بود از اشتباهات شرم آور مالی اجتناب کنیم. اگر شما با مدیریت پول مشکل دارید، یک بودجه مشخص کنید. لازم نیست پیچیده باشد. می تواند به این سادگی باشد که مجموع تمام هزینه های خود را به مدت چند ماه حساب کنید و سپس حد وسط هزینه های ماهیانه خود را بدست آورید. مهم این است که در محدوده بودجه خود زندگی کنید و در هر شرایطی، کاری بکنید که از بدھی اجتناب نمایید.

لوقا باب ۱۴ آیات ۲۷ تا ۳۰ را بخوانید. عیسی در اینجا هزینه شاگردی را با مثال سازنده ای که هزینه ساخت یک برج را تخمین می زند و اینکه اگر نتوانست آن را تمام کند، چه اتفاقی خواهد افتاد، نشان می دهد. ما از اینجا چه درسی در مورد مباشرت باید بیاموزیم؟

۱۴ مارس

چهارشنبه

گفتن نه به قرض و بدھی

ثنیه باب ۲۸ آیه ۱۲ را بخوانید. این آیه چه چیزی درباره بدھکار شدن به ما می آموزد؟ در اینجا چه اصولی در مدنظر هستند؟

اجتناب از بدھی تا حد امکان، حسی بر پایه عقل سليم می باشد. کلام ما را ضمانت و تعهد به قرض دیگران بر حذر می دارد. (امثال سلیمان باب ۱۷ آیه ۱۸، باب ۲۲ آیه ۲۶. بدھی، آینده را تحت تاثیر می گذارد و ما را ملزم به تسليم خواسته هایش از موضع ضعف مالی می کند. این یک اکسیر روان می باشد که مسیحیان در رد کردن و اداره آن مشکل دارند. بدھی ممکن است غیر اخلاقی نباشد اما زندگی روحانی ما را تقویت نمی کند.

«باید نسبت به اقتصاد توجه جدی داشت زیرا در غیر این صورت بدھی سنگین بوجود خواهد آمد. در محدوده دارایی تان زندگی کنید. از بوجود آمدن بدھی همانطور که از جذام اجتناب می کنید، جلوگیری نمایید.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Counsels on Stewardship*, p. 272

بدھی می تواند بھے یک اسارت مالی تبدیل شود کہ ما را «غلام قرض دھنندہ» می سازد (امثال سلیمان باب ۲۲ آیہ ۷). از آنجایی کہ بدھی بسیار با تار و پود جهان اقتصادی ما درهم پیچیده است، ما بھے آن بھے عنوان یک هنگار نگاھ می کنیم. گذشته از هر چیز، تمامی ملت ها بر پایہ وام و قرض دوام دارند؛ پس چرا افراد همان کار را انجام ندھند؟ داشتن این نگرش اشتباہ می باشد.

«یک عهد جدی با خدا ببندید کہ با برکاتش، بدھی ہائی خود را پرداخت خواهید کرد و سپس حتی اگر با نان و سوب زندگی کنید بدھکار کسی نباشید. آمادہ کردن میز غذا با پرداخت بیست و پنج سنت اضافہ از جیب خود آسان می باشد. شما مراقب سکھاءی خود باشید و پول ہائی درشت مراقب خود خواهند بود. خرج کردن مقدار کمی در اینجا و مقدار کمی در آنجا است کہ خیلی زود باعث ہزینہ کردن پول ہائی سنگین می شود. دست کم وقتی کہ بدھی زیادی دارید نفس خود را انکار کنید ... سست و دلسرب نشوید و بھے عقب باز نگردید. سلیقه خود، زیاد روی در امیال خود را انکار کنید، پول ہائی خود را صرف جویی کنید و بدھی ہائی خود را پرداخت کنید. بھے سریع ترین حد ممکن اینکار را انجام دھید. هنگامی کہ بتوانید بار دیگر فردی آزاد باشید، بھے ہیچ کس چیزی بدھکار نباشید، پیروزی بزرگی بدست خواهید آورد.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Counsels on Stewardship*, p. 257

بدھی شالودہ ای ضعیف برای مسیحیان می باشد تا بتوانند بر روی آن می باشد. می تواند بھے تجربہ روحانی ما صدمہ بزند و بھے توانایی ما برای تامین بودجه کار خدا تاثیر بگذارد. بدھی توانایی ما بھے بخشیدن با اعتماد بھے نفس بھے دیگران را از بین می برد و فرصت ہائی برکات خدا را می ربايد.

برخی از انتخاب ہائی کہ می توانید در حال حاضر بکنید کہ بھے شما در اجتناب از بدھی ہائی غیر ضروری کمک کنند، کدامند؟ بھے منظور اینکہ بدھی نداشته باشید، چہ چیزی ممکن است برای انکار خود نیاز داشته باشید؟

۱۵ مارس

پنجشنبہ

پس انداز و سرمایه گذاری

مورچہ ها کار می کنند تا برای زمستان آذوقہ جمع کنند (امثال سلیمان باب ۶ آیات ۶ تا ۸). ما اگر شیوه ہائی آنها را هنگامی کہ عاقلانہ برای هدف خاص پول پس انداز می کنیم، در نظر بگیریم، افرادی خردمند هستیم. منظور از پس انداز کردن، داشتن منابع موجود برای ہزینہ ہائی زندگی یا نیازهایمان در مقابل بھے هدر دادن و جمع آوری آنچہ بدست می آوریم، است. مدیریت پول مستلزم خردمندی، تنظیم بودجه و نظم و انضباط

می باشد. اگر تنها کاری که انجام می دهیم پس انداز برای خودمان باشد، بجای مباشرت بر دارایی های خدا، درواقع آنها را می دزدیم.

«خرج کردن بدون دلیل پول ضرری دو برابر است. نه تنها خود پول از دست رفته است بلکه توانایی درآمد زای آن نیز از دست رفته است. اگر ما آن را کنار می گذاشتیم از طریق پس انداز بر روی زمین دو برابر می شد و از طریق بخشش در آسمان دو برابر می شد پس انداز نظمی است که مدیریت بر پول را رشد و توسعه می دهد. در عوض اینکه به پول اجازه دهیم تا ما را به هر کجا که هوس کردیم ببرد، ما باید کنترل آن را بدست می گیریم.» — رندی سی. الکورن، Randy C. Alcorn, *Money, Possessions and Eternity* (Carol Stream: Illinois, Tyndale House Publishers, 2003), p. 328

امثال سلیمان باب ۱۳ آیه ۱۱، باب ۲۱ آیه ۵ و باب ۱۳ آیه ۱۸ را بخوانید. چه کلام عملی در اینجا وجود دارد که می تواند به ما در برخورد بهتر با مسائل مالی کمک کند؟

مباشران برای نیازهای خانواده پس انداز می کنند و هنگامی که دارایی های خدا را مدیریت می کنند، در آسمان سرمایه گذاری می کنند. میزان دارایی فرد مهم نیست، بلکه داشتن یک طرح مدیریت بر پایه کتاب مقدس، هر طور که وضعیت مالی تان باشد، اهمیت دارد. پس انداز کردن برای نیازهای خانواده باید عاقلانه انجام شود. برای به حداقل رساندن هر گونه ضرر، ریسک ها را به چند بخش تقسیم کنید تا خطر ضرر کمتر باشد (امثال سلیمان باب ۱۱ آیات ۱ و ۲). کار کردن با چنین حداقل رسانی ریسک پیش از نیاز و حاجت (امثال سلیمان باب ۲۴ آیه ۲۷) و سپس بدنبال نصیحت شایسته از دیگران بودن (امثال سلیمان باب ۱۵ آیه ۲۲)، دو ابزار موفق در این نمونه می باشند. همچنان که نیاز ها بر آورده می شوند و ثروت رشد می کند، ما باید «خداآنده خدایمان را همیشه به خاطر داشته باشیم، زیرا اوست که به ما قدرت و ثروت عطا می کند» (تشنیه باب ۸ آیه ۱۸).

امن ترین نمونه سرمایه گذاری برای مباشر خدا، سرمایه گذاری در «ملکوت آسمانی» می باشد (متی باب ۱۳ آیه ۴۴). هیچ بحران اقتصادی، ریسک، دزد یا رکود بازاری وجود ندارد. مانند داشتن کیف پولی است که هرگز فرسوده نمی شود (لوقا باب ۱۲ آیه ۳۳). پذیرفتن مسیح حساب را باز می کند و بازگرداندن ۵-یک و دادن پیشکش به منزله سپرده گذاری می باشند. یعنی هر چقدر هم که لازم باشد ما به چیزهای زمینی و دنیوی از جمله پرداخت قبض ها در اینجا رسیدگی کنیم، همچنان باید همیشه مرکز خود را بر حقایق ابدی نگه داریم.

دوم قرنطیان باب ۴ آیه ۱۸ را بخوانید. چگونه می توانیم همیشه این حقیقت را در پیش روی خود داشته باشیم در حالی که به عنوان مباشرانی مسئول در اینجا زندگی می کنیم؟

تفکری فراتر: هر توانایی، مهارت یا موهبت طبیعی از جانب خدا می‌آید، چه با آن متولد شده باشیم، تحت نفوذ آن قرار گرفته باشیم و یا از محیط آن را آموخته باشیم. بخش مهم معادله کاری است که ما با توانایی‌ها و مهارت‌های ایمان انجام می‌دهیم. خدا از مبادرین انتظار دارد که از طریق آموزش و تجربه عملی بیاموزند که ارباب مهارت‌ها و توانایی‌های خود باشند (جامعه باب ۱۰ آیه ۱۰).

بصل ئیل پر از «روح خدا و دارای لیاقت، ذکافت، دانش و هنر بود» (خروج باب ۳۵ آیه ۳۱).

او و اهولیاب (خروج باب ۳۵ آیه ۳۴) توانایی تعلیم مهارت‌های خود به دیگران را داشتند. ما می‌توانیم بیاموزیم مبادرین بهتری باشیم و بخصوص مادامی که در جهان مادی زندگی می‌کیم، بدھی را از بین ببریم. ما باید همیشه از طریق خواندن، همایش‌ها، آموزش رسمی (هر زمان که امکان دارد) و در نهایت تمرین آنچه که آموخته ایم. رشد مهارت‌های ایمان، ما را قادر می‌سازد که بهترین خود را به خدا بدهیم و مبادرین خوبی باشیم.

تمیل استعدادها نشان می‌دهد که هر خدمتگزار استعدادها را «به نسبت توانائیش» دریافت می‌کند (متی باب ۲۵ باب ۱۵). دو خدمتگزار دارایی خود را دو برابر کردند؛ نفر سوم مال خود را در زمین پنهان نمود. ما باید همیشه در تلاش برای بھبود آنچه که داریم، باشیم، اما دفن کردن استعداد هیچ توانایی و مهارتی نشان نداد. مدیریت پول، بیرون آمدن از زیر بدھی، ترویج نظم و انصباط و تجربه عملی، صلاحیت‌هایی را توسعه می‌دهند که توسط خدا برکت داده می‌شوند. برای موفقیت و خوب بودن در چیزی، باید آن را بارها تکرار کنیم.

«اگر درس‌های کتاب مقدس وارد زندگی روزانه بشوند، تاثیری عمیق و پایدار بر شخصیت دارند. تیموتائوس این درس‌ها را آموخت و بکار برد. او هیچ استعداد درخشنان خاصی نداشت، اما کارش با ارزش بود زیرا از توانایی‌های خدادادی خود در خدمت استاد استفاده می‌کرد.» — الن جی. وايت، *The Acts of the Apostles*, p. 205.

سوالاتی برای بحث

۱. اگر چه کنترل نفس همیشه برای مسیحیان مهم است، اما بخصوص زمانی که عدم کنترل نفس می‌تواند به مشکلات مالی و حتی نابودی منتهی شود، اهمیت می‌یابد. ما به عنوان کلیسا، چه زمانی می‌توانیم به کسانی که در خطر این مشکل قرار دارند، کمک کنیم؟

۲. رومیان باب ۱۳ آیات ۷ و ۸ را بخوانید. چگونه می‌توانیم این سخنان را در زندگی روزانه خود و تمام تعامل هایمان با دیگران اعمال کنیم؟

۳. برخی استدلال می‌کنند که ما نباید نگران افتادن در بدھی باشیم، زیرا عیسی به زودی برمنی گردد. شما چگونه به این ادعا پاسخ خواهید داد؟



شکنجه ذهنی برای سبت

توسط اندرو مک چزنی، مبلغ دینی ادونتیست

مادرش پیش از مدرسه سبت، او را با آب خیس می کرد.
پدرش وقتی او به سوی کلیسا پیاده می رفت او را تعقیب می کرد
— ولی او به کلیسا می دوید.

هر بار که او صدای تقد قفل جعبه تفنگ پدرش را می شنید، می ترسید
که پدرش برای کشتن او می آمد.

مارگارت ویلفرد که سال های پس از تعمید گرفتنش در کلیسای ادونتیست
را تعریف می کرد، گفت: «من واقعاً می ترسیدم. به شدت نگران بودم. و حتی
تا امروز بر من تأثیر گذاشته است.»

اما ویلفرد ۶۱ ساله، معلم بازنشسته مدرسه راهنمایی ادونتیست در
کشور کارائیب ترینیداد و توباگو هیچ پشیمانی نداشت. او گفت، «من
از قدم زدنم با خدالذت می برم. هر آنچه آرامش که می توانم
داشته باشم را دریافت می کنم.»

ویلفرد توسط والدینی که یکشنبه را نگه می داشتند، نزدیک به محوطه
دانشگاه ادونتیست کارائیب جنوبی در دره ماراکاس پرورش یافته بود. او از
کودکی، موسیقی که در روز سبت از محوطه دانشگاه به گوش می رسید را
دوست داشت. گروههای آواز سبت گاهی در صبح روزهای سبت از این در
بازدید می کردند. این موسیقی بود که ویلفرد را در سن ۱۹ سالگی جذب یک
مجموعه بشارتی ادونتیست نمود و او پس از جلسات تعمید داده شد.

او گفت، «این زمانی بود که شکنجه ذهنی آغاز شد.»

والدینش خشمگین بودند. پدرش او را تهدید نمود و در خانه را به روی
او بست. صدای قفل جعبه تفنگ پدرش او را می ترساند. او می ترسید
که کتک بخورد یا اتفاق بدتری بیافتد. یکبار پدرش او را تا نیمی از
مسیر کلیسا تعقیب نمود.

او گفت، «تمام مسیر را دویدم زیرا از آنچه ممکن بود انجام دهد،
می ترسیدم.»

مادرش بعد از اینکه برای رفتن به کلیسا لباس می‌پوشید، بر رویش آب می‌ریخت.

او گفت، «زندگی اصلاً برایم خوب نبود.»

اما ویلفرد هرگز به دست برداشتن از ایمانش فکر نکرد. او به مزامیر باب ۳۴ آیه ۷ متولّ شد که می‌گوید، «فرشته خداوند حافظ و رهاننده کسی است که از خداوند می‌ترسد و به او احترام می‌گذارد.» یکی دیگر از آیات مورد علاقه، مزامیر باب ۲۷ آیه ۱۰ می‌باشد: « حتّی اگر پدر و مادرم مرا ترک کنند، خداوند مرا ترک نخواهد کرد.»

درنهایت، تنش در خانه کاهش پیدا کرد. ویلفرد یک بورسیه دانشجویی برای ادامه تحصیل بدست آورد و در دانشگاه ادونتیست ثبت نام کرد. بعد در مدرسه ابتدایی ادونتیست روز هفتم در ماراکاس کاری را پذیرفت، جایی که به مدت ۳۵ سال کلاس اول و دوم را آموخت داد.

او گفت، «من می‌دانم که در چشم خدا عزیز هستم. او از پشت هر چیزی می‌تواند مرا ببیند.»

بخشی از هدایای سیزدهمین سبت در اولین فصل ۲۰۱۸ برای ساختن کلیسایی جدید برای دانشگاه کارائیب جنوبی که هرگز ساختمانی مخصوص کلیسا نداشته و در سالن اجتماعات مراسم عبادت برگزار می‌شد، فرستاده خواهد شد.

عادات یک مباشر



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: افسسیان باب ۵ آیات ۱۵ تا ۱۷؛ کولسیان باب ۳ آیه ۲۳؛ لوقا باب ۱۲ آیات ۳۵ تا ۴۸؛ یعقوب باب ۴ آیه ۱۴؛ اعمال رسولان باب ۳ آیه ۲۱؛ اول قرنیان باب ۹ آیات ۲۴ تا ۲۷.

آیه حفظی: «به چه چیز مرد جوان راه خود را پاک می‌سازد؟ به نگاه داشتنش موافق کلام تو. به تمامی دل تو را طلبیدم. مگذار که از اوامر تو گمراه شوم. کلام تو را در دل خود مخفی داشتم که مبادا به تو گناه ورزم» (مزامیر باب ۱۱۹ آیات ۹ تا ۱۱).

عادات شما، هدف و جهت زندگیتان را مایان می‌سازند. مباشرهایی که عادات خوب را پرورش می‌دهند، وفادارترین مباشرین هستند. دانیال عادت داشت روزانه دعا کند (دانیال باب ۶ آیه ۱۰). رسم پولس این بود که در کنیسه باشد (اعمال رسولان باب ۱۷ آیات ۱ و ۲). او همچنین می‌نویسد: «گول نخورید، معاشران بد، اخلاق خوب را فاسد می‌سازند» (اول قرنیان باب ۱۵ آیه ۳۳). ما باید عادات خوب را به منظور جایگزینی با عادات بد، رشد و نمو دهیم.

«عادات ما برای الان و همیشه، خالق شخصیت منحصر بفرد هر یک از ماست. زندگی کسانی که عادات درستی را شکل می‌دهند و در انجام همه وظایف وفادار هستند، مانند نورهای درخشان که راه دیگران را نورانی می‌کنند، خواهند بود.» — الن جی، وايت،

Ellen G. White, *Testimonies for the Church*, vol. 4, p. 452

معبری که یک عادت آنرا می‌سازد، سریع ترین راهی است که می‌توانیید برای بدست آوردن اجر و پاداشی که بدبالش هستید، انتخاب کنید. یک عادت، یک تصمیم ریشه دارد است. به عبارت دیگر، شما حتی لازم نیست در مورد آن فکر کنید؛ فقط آن را انجام می‌دهید. آن عادت می‌تواند با توجه به کاری که انجام می‌دهید، خیلی خوب یا خیلی بد

باشد. این هفته، به عادات قدرمندی که به یک مباشر در انجام کسب و کار خدا کمک خواهند کرد، می پردازیم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۴ مارس آماده شوید.

۱۸ مارس

یکشنبه

عادت: ابتدا خدا را جستجو کنید

همه ما دارای عاداتی هستیم. پرسش این است: آنها از چه نوعی هستند؟ خوب یا بد؟ از تمام عادات خوبی که مسیحیان می توانند داشته باشند، اولین چیزی که هر روز باید در اهم تمامی اولویت ها باشد جستجو کردن خدادست.

«هر روز صبح خودتان، قلب و وجдан، جسم و روحتان را برای خدا وقف کنید. عادات نیایش و توکل به منجی خود را بیشتر و بیشتر شکل و زینت دهید.» — الن جی. وايت، Ellen G. White, *Mind, Character and Personality*, vol. 1, p. 15

با چنان عادتی، مطمئناً از «در ... تنگ» عبور خواهیم کرد که به حیات رهنمون می سازد. (متى باب ۷ آيه ۱۴)

خدا فرمود، «خدای دیگری را غیر از من پرستش نکن» (خروج باب ۲۰ آيه ۳). عیسی در زمینه نیازهای اساسی ما فرمود، «قبل از هر چیز ملکوت خدا و عدالت وی را بطلبیبد» (متى باب ۶ آيه ۳۳) و همچنین به ما گفته شده است: «شما مرا خواهید طلبید و مرا خواهید یافت، چون از صمیم قلب خواهان من بوده اید» (ارمیا باب ۲۹ آيه ۱۳).

متى باب ۲۲ آيات ۳۷ و ۳۸، اعمال رسولان باب ۱۷ آيه ۲۸، افسسیان باب ۵ آیات ۱۵ تا ۱۷ و کولسیان باب ۳ آيه ۲۳ را بخوانید. چه چیزی در اینجا گفته شده است که می تواند به درگ ما از چگونگی قبل از هر چیز قرار دادن خدا در زندگیمان کمک کند؟

از میان تمام الگوهای برای طلبیدن خدا، البته هیچکدام بهتر از الگوی عیسی نیست. عیسی، پدر خود را مقدم بر هر چیز دیگری قرار می داد. ما این اولویت را در کودکی او ابتدا در خلال سفری که برای برگزاری عید پسح در اورشلیم داشت می بینیم. هنگامی که با مادرش که او را «در معبد» پیدا کرد روپرورد شد، به او گفت، «من باید در امور پدر خود باشم» (لوقا باب ۲ آیات ۴۶ و ۴۹).

عیسی در طول زندگی اش، مشتاق همدلی با پدرش بود همانطور که عادات دعا کردن در زندگی اش نشان می داد. این عادت چیزی بود که حواریون کاملاً درک نمی کردند. تمام نیروهای تاریکی نتوانستند عیسی را از پدر جدا کنند زیرا عیسی ارتباط کامل با او را تبدیل به یک عادت نمود.

ما می توانیم با تصمیم به دوست داشتن خدا با تمام قلب، ذهن و روحمن، مثال عیسی را بدنبال کنیم (متى باب ۲۲ آیه ۳۷). ما با دعا کردن مطالعه کلام خدا و بدنبال تقیید از شخصیت عیسی در همه کارهایمان بودند، عادت قرار دادن خدا قبل از هر چیز در زندگیمان را شکل خواهیم داد. و برای یک فرد مسیحی، چه عادتی بهتر از این می تواند وجود داشته باشد؟

از خود بپرسید: آیا من واقعاً خدا را مقدم بر هر چیز در زندگی ام قرار دادم؟
چگونه می توانید متوجه آن بشوید؟

۱۹ مارس

دوشنبه

عادت: بدنبال بازگشت عیسی باشد

لوقا باب ۱۲ آیات ۳۵ تا ۴۸ را بخوانید. این تمثیل درباره نحوه ارتباط ما با آمدن دوباره عیسی، چه چیزی به ما تعلیم می دهد؟ چرا قام کارهایی که ما همیشه انجام می دهیم باید در زمینه واقعیت آمدن عیسی باشند؟

مبادرت باید از روی عادت در پرتو بازگشت عیسی انجام شود. شخصیت مبادرین بی ایمان که مانند با ایمانان رفتار می کنند، در نهایت بواسطه اعمالشان آشکار خواهد شد؛ زیرا مبادرین حقیقی و وفادار، مسئولیت های خود را آنگونه که گویا اربابشان حضور دارد، انجام می دهند. آنها برای آینده زندگی می کنند و روز بروز صادقانه کار می کنند. «اما وطن ما در آسمان است که از آنجا نیز نجات دهند، یعنی عیسی مسیح خداوند را انتظار می کشیم» (فیلیپیان باب ۳ آیه ۲۰).

ابراهیم بدنبال یک شهر ابدی بود (عربانیان باب ۱۱ آیه ۱۰)، و پولس بدنبال بازگشت مسیح بود (عربانیان باب ۱۰ آیه ۲۵). آنها اندیشمندان پیشگام، پیش بینی کنندگان و برنامه ریزان بودند و به لحظه ای می نگریستند تا عیسی را ملاقات کنند. ما نیز باید این عادت نگاه کردن به دور دستها با نگاهی پایدار را برای به اوج رسیدن پیام انجیل [که همانا بازگشت دوباره عیسی می باشد] در خود پرورش دهیم (تیطوس باب ۲ آیه ۱۳). به جای اینکه تنها گوشه چشمی بیاندازیم و یا بطور زودگذر به نبوت نگاه کیم، باید همواره بدنبال آگاهی از ابدیت که در زمان بازگشت مسیح منتظر ماست، باشیم. در عین حال، باید از گمانه زنی های خود رو و پر اوهام در مورد وقایع آخر زمان اجتناب کنیم. وعده آمدن دوباره مسیح به ما در زندگی جهت می دهد و چشم اندازی مناسب به زمان

حال ارائه می دهد و به ما کمک می کند آنچه در زندگی مهم است را به یاد داشته باشیم. عادت بدنیال بازگشت عیسی بودن، مفهوم و هدف مباشر بودن را ارائه می دهد. صلیب، راه را برای ما هموار نموده است تا قرار ملاقاتی با نجات دهنده داشته باشیم. ما بدنیال نشانه های آشکار شده در کتاب مقدس هستیم که به آمدن مسیح با شکوه پدر و فرشتگان ملازم اشاره دارد (مرقس باب ۸ آیه ۳۸). «و در ضمن، ما به چیزهای نادیدنی چشم دوخته ایم نه به چیزهای دیدنی، زیرا آنچه به چشم می آید موقتی است، ولی چیزهای نادیدنی تا ابد دوام دارند» (دوم قرنتینا باب ۴ آیه ۱۸).

آری، مرگ و واقعیت همیشگی آن باید همواره به ما در درک میزان محدود و گذرا بودن زمامان در اینجا کمک کند. اما وعده آمدن دوباره نیز به ما نشان می دهد که مرگ خود موقتی و گذراست. پس جای تعجب نیست که ما باید در پرتو وعده بازگشت مسیح زندگی کنیم، وعده ای که باید بر نحوه زندگی همه مباشرین مسیحی تاثیر بگذارد. باید اکنون این موضوع را به یک عادت تبدیل کنیم که همیشه در انتظار بازگشت مسیح زندگی کنیم. نام واقعی ما، واقعیت آن انتظار را نمایان می سازد.

۲۰ مارس

سه شنبه

عادت: از زمان خردمندانه استفاده کنید

«زیرا ما مدت کوتاهی زندگی کرده ایم، معلومات ما بسیار کم است و عمر ما بر زمین همچون سایه ای زودگذر است» (ایوب باب ۸ آیه ۹). شما می توانید یک ساعت را نگه دارید، اما نمی توانیم زمان را از حرکت بازداریم. زمان منتظر نمی ماند؛ حتی اگر ما ثابت بمانیم و کاری انجام ندهیم، به حرکت رو به جلو ادامه می دهد.

آیات زیر چه چیزی درباره زمان ما در اینجا بر روی زمین در این زندگی تعلیم می دهند؟ یعقوب باب ۴ آیه ۱۶؛ مزامیر باب ۹۰ آیات ۱۰ و ۱۲؛ مزامیر باب ۳۹ آیات ۴ و ۵؛ جامعه باب ۳ آیات ۶ تا ۸. پیام اصلی که باید درباره با ارزش بودن زمامان در اینجا از این آیات بدست آوریم، چیست؟

با چیزی به محدودی و برگشت ناپذیری زمان، مهم است که مسیحیان مباشرین خوب آن باشند. از این رو، ما باید عادت استفاده خردمندانه از زمان را با تمرکز بر آنچه در این زندگی و زندگی بعدی مهم است، رشد دهیم. ما باید زمان را بر اساس آنچیزی که کلام خدا برای ما آشکار می کند بعنوان موضوعی مهم مدیریت کنیم، زیرا وقتی که زمان به پایان برسد، قابل تمدید نمی باشد.

اگر ما پولی را از دست بدهیم، می توانیم در نهایت بار دیگر حتی بیشتر از آنچه را که ابتداء از دست داده ایم ، بدست آوریم. اما در مورد زمان چنین نمی باشد. لحظه ای که از دست برود، برای همیشه از دست خواهد رفت. به نوعی می توان گفت بازگرداندن تخم مرغ شکسته به داخل پوسته اش آسان تر از بازگرداندن لحظه گذشته ای از زمان می باشد. بنابراین، زمان یکی از با ارزش ترین منابع های داده شده توسط خدا می باشد. پس چقدر مهم است که ما عادت استفاده بهینه از تمام زمانی که داریم را پرورش بدهیم.

«زمان ما به خدا تعلق دارد. هر لحظه از آن اوست و ما تحت تعهدی جدی هستیم تا زمان را برای جلال او ببهود دهیم. بیش از هر عطیه ای که او ارزانی داشته، او ما را به جدیت ملزم می دارد تا در باره زمان حساب پس بدهیم.

«ارزش زمان فراتر از محاسبات است. برای مسیح ارزش تمام لحظات یکسان بود و برای ما نیز باید چنین باشد. زندگی کوتاه تراز آن است که بیهوده بخواهد به هدر ببرود. ما وقتی بیش نداریم بجز تنها چند روز آزمون رفتار تا برای ابدیت آماده شویم. ما وقتی برای هدر دادن، اختصاص به لذت های خودخواهانه و زیاده روی در گناه نداریم.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Christ's Object Lessons*, p. 342

«پس شما باید دقت کنید که چگونه زندگی می کنید، مثل اشخاص عاقل زندگی کنید، نه مانند نادانان. از هر فرصتی که برای شما روی می آورد به بهترین نحوی استفاده کنید زیرا این ایام، ایام بدی است» (افسیان باب ۵ آیات ۱۵ و ۱۶). پولس در اینجا چه چیزی به ما می گوید و ما چگونه می توانیم این سخنان را در وضعیت کنونی خود اعمال کنیم؟

۲۱ مارس

چهارشنبه

عادت: ذهن، بدن و روحی سالم داشته باشید

ما در ابتداء از نظر ذهنی، جسمی و روحی، عالی خلق شدیم. البته، گناه همه این ها را خراب کرد. مژده خوب انجیل در میان سایر چیزها، این است که خدا در حال بازگرداندن ما به آن چیزی است که از ابتداء قرار بود باشیم. اعمال رسولان باب ۳ آیه ۲۱ و مکاففه یوحنا باب ۲۱ آیات ۱ تا ۵ را بخوانید. در این آیات چه امیدی برای ما یافت می شود؟ ما در حالی که منتظر این احیاء نهایی هستیم، چگونه باید زندگی کنیم؟

مسیح وقتی که در اینجا بود، برای متعالی ساختن بشر از نظر روحانی، ذهنی و جسمی بطور خستگی ناپذیر تلاش نمود، که همه موارد تشکیل دهنده احیاء در پایان زمان هستند. خدمت شفا دادن عیسی ثابت می کند که خدا می خواهد ما اکنون تا پایان زمان، تا حد ممکن سالم باشیم. از این دو، مبادرین برای ذهن، بدن و روح خود عاداتی را پرورش می دهند که شیوه زندگی سالم را ترویج می دهند.

نخست، هر چه از ذهن بیشتر استفاده شود، قوی تر خواهد شد. بر حسب عادت، ذهن خود را پر سازید از «هر آنچه راست، شریف، درست، پاک، دوست داشتنی، نیکنام و هر چه عالی و قابل ستایش است» (فیلیپیان باب ۴ آیه ۸). چنین افکاری آرامش به همراه دارند (اشعیا باب ۲۶ آیه ۳) و «آرامش فکری به بدن سلامتی می بخشد» (امثال سلیمان باب ۱۴ آیه ۳۰). عادات سالم ذهن، به دژ نیرو و توان اجازه می دهند در بهترین شرایط ممکن عمل کند.

دوم، عادات خوب سلامتی از جمله ورزش و رژیم غذایی مناسب نشان می دهند که ما به خودمان اهمیت می دهیم. برای مثال، ورزش استرس و فشار خون را کاهش می دهد، روحیه ما را بهبود می بخشد و اکسیری است که احتمالاً بیشتر از هر چیز موجود دیگر، ضد پیری می باشد.

سوم، یک مباشر برای تقویت روح خود، عادات خوب را توسعه خواهد داد. روح خود را برای رسیدن به خدا رفعت دهید (مزامیر باب ۸۶ آیات ۴ و ۵) و منتظر بمانید (مزامیر باب ۶۲ آیه ۵). روح شما رونق خواهد یافت «در حالی که مطابق حقیقت رفتار می کنید» (سوم یوحنایا باب ۱ آیه ۳) و «سام بماند تا وقت آمدن خداوند ما عیسی مسیح» (اول تسالوونیکیان باب ۵ آیه ۲۳).

به نوع عاداتی که دارید و نحوه تاثیرشان بر سلامت روحانی، ذهنی و جسمی خود، بیاندیشید. آیا نیاز هست تغییراتی ایجاد کنید تا به شما در برخی یا همه این موارد کمک کنند؟ چه انتخاب هایی می توانید بکنید و چه وعده هایی از کتاب مقدس را می توانید مطالبه کنید که به شما در بهبود کیفیت زندگی تان اکنون که منتظر احیاء نهایی خود هستید، کمک کنند؟

۲۲ مارس

پنجشنبه

عادت: تادیب نفس

تادیب نفس یکی از مهمترین ویژگی های شخصیتی است که یک مباشر می تواند داشته باشد. «زیرا روحی که خدا به ما بخشیده است ما را ترسان نمی سازد، بلکه روح او ما را از قدرت و محبت و تادیب نفس پر می کند» (دوم تیموتائوس باب ۱ آیه ۷).

واژه یونانی معادل تادیب، sophronismos، تنها در اینجا در این آیه در عهد جدید آمده است و شامل توانایی انجام آنچه که باید با ذهن متعادل و سلیم انجام شود، می باشد تا از اصول خدا منحرف نشود. تادیب نفس می تواند به ما کمک کند تا «خوب را از بد تشخیص دهیم» (عبرانیان باب ۵ آیه ۱۴)، شرایط کنونی را درک کنیم و در عین حال، با آرامش و ملایم در برابر فشارها و حواس پرتی ها بدون در نظر گرفتن نتیجه، مقاومت کنیم. دانیال با وجود شیرها، چیزی که درست بود را دنبال کرد، بر عکس سامسون که در افراط [خوشگذرانی] زندگی کرد و خویشتن داری و داوری درست کمی از خود نشان داد. یوسف در خانه فوطیفار، به آنچه که درست بود عمل کرد، بر خلاف سلیمان که خدایان دیگر را پرسش نمود (اول پادشاهان باب ۱۱ آیات ۴ و ۵).

اول قرنیان باب ۹ آیات ۲۶ تا ۲۷ را بخوانید. پولس در اینجا درباره تادیب نفس چه چیزی می گوید؟ او می گوید که چه چیزی در کل مسئله تادیب نفس، در معرض خطر قرار دارد؟

«جهان غرق در افراط و تفریط شده است. خطاهای و افسانه ها وجود دارند. دام های شیطان برای نابود کردن نفس ها چند برابر شده اند. همه کسانی که در ترس از خدا، تقدس را کامل خواهند کرد، باید درس های اعتدال و پرهیزگاری را بیاموزند. امیال و احساسات باید پیرو قدرت های برتر ذهن نگه داشته شوند. تادیب نفس برای آن قدرت ذهنی و بینش روحانی که ما را قادر خواهند ساخت تا حقایق مقدس کلام خدا را درک کنیم و بکار ببریم، حیاتی است.» — الن جی. وايت.

Ellen G. White, *The Desire of Ages*, p. 101

تادیب نفس از طریق کارهای بر حسب عادت، بهبود می یابد. خدا شما را فراخوانده است تا «در قم رفتاران پاک باشید» (اول پطرس باب ۱ آیه ۱۵) و «خود را در خدایپرستی تقویت کنید» (اول تیموتائوس باب ۴ آیه ۷). میاشرین باید مانند با استعدادترین ورزشکاران و موسیقی دان ها تمرين کنند و آموخت بیینند تا تادیب نفس داشته باشند. ما باید از طریق قدرت خدا و تلاش سخت کوشانه خود، در چیزهایی که واقعاً مهم هستند، خود را تادیب کنیم.

چگونه می توانیم بیاموزیم که تسلیم قدرت خدا بشویم، او که تنها می تواند به ما آن تادیب نفسی که برای زندگی کردن به عنوان مباشرینی وفادار و خداگونه در این جهان سقوط کرده و فاسد نیاز داریم را بدهد؟

۲۳ مارس

جمعه

تفکری فراتر: خنوج و نوح راه رفتن با خدا را در عصری که عده کمی در بحبوحه

مادیگرایی و خشونت بیش از حد وفادار مانده بودند، به یک عادت تبدیل کردند (پیدایش باب ۵ آیه ۲۴، باب ۶ آیه ۹). آنها فیض خدا را درک کرده و پذیرفتهند و از این رو، مبادرین خوب دارایی‌ها و ظایفی که به ایشان سپرده شده بود، بودند.

در طول اعصار، مردم مانند خنوخ و نوح در راه خدا قدم برداشتند. به عنوان مثال، دانیال و دوستانش «متوجه شدن به منظور نمایندگان دین حقیقی بودن در میان مذاهب دروغین کفر، باید سلامت عقل داشته باشند و شخصیت مسیحی را به کمال برسانند. و خدا خود معلم ایشان بود. آنها با دعای مداوم، مطالعه آگاهانه و در تماس بودن با عالم غیب، مانند خنوخ در راه خدا قدم برداشتند.» — الن جی. وايت، Ellen G. White

Prophets and Kings, p. 486

«گام برداشتن در راه خدا»، معرف کاری است که مبادر انجام می‌دهد، یعنی زندگی روزانه با خدا بر روی زمین. یک مبادر عاقل، گام برداشتن با خدا در جهانی فاسد را به یک عادت تبدیل می‌کند، زیرا تنها با این ارتباط با خدا، می‌توانیم در برابر سقوط در شرارت‌های غالب محافظت شویم.

یک مبادر وفادار بودن مستلزم همه جنبه‌های زندگی می‌باشد که با موفق خدا بودن شروع می‌شود (عاموس باب ۳ آیه ۳). ما باید در مسیح (کولسیان باب ۲ آیه ۶)، در تازگی حیات (رومیان باب ۶ آیه ۴)، در محبت (افسیان باب ۵ آیه ۲)، در حکمت (کولسیان باب ۴ آیه ۵)، در حقیقت (مزامیر باب ۸۶ آیه ۱۱)، در نور (اول یوحنا باب ۱ آیه ۷)، در کمال (امثال سلیمان باب ۱۹ آیه ۱)، در شریعت او (خروج باب ۱۶ آیه ۴)، در کارهای خوب (افسیان باب ۲ آیه ۱۰) و در راه راست (امثال سلیمان باب ۴ آیه ۲۶) گام برداریم.

سؤالاتی برای بحث

۱. تواضع را تعریف کنید و نقش آن را در شیوه زندگی مبادر توضیح دهید (متى باب ۱۱ آیه ۲۹، افسیان باب ۴ آیه ۲، فیلیپیان باب ۲ آیه ۳، یعقوب باب ۴ آیه ۱۰). چرا تواضع در قدم برداشتن ما با خدا مهم است؟ (میکا باب ۶ آیه ۸).
۲. در کلاس، درباره روش‌هایی که ما می‌توانیم به کسانی در میان خودمان که گرفتار بدی و یا حتی عادات مخرب افتاده اند کمک کنیم، صحبت کنید. شما به عنوان کلیساي محلی، چه کاری برای کمک به این افراد می‌توانید انجام دهید؟
۳. برخی از عادات خوب دیگر که مبادرین مسیحی باید داشته باشند، کدامند؟ برای مثال، تیطوس باب ۲ آیه ۷، مزمیر باب ۱۱۹ آیه ۱۷۲ و متى باب ۵ آیه ۸ را ببینید.
۴. در کلاس، درباره زمان و رمز و رموز آن صحبت کنید. چرا به نظر می‌رسد که به سرعت در حال سپری شدن است؟ ما اصلاً چگونه متوجه می‌شویم که زمان چیست؟ و مهم‌تر اینکه، چرا لازم است که ما مبادرین خوب مقدار نسبتاً کم آن که بر روی زمین داریم، باشیم؟



دختر ولخرج

توسط اندرو مک چزنی، تبلیغ دینی ادونتیست

استارلن پیترز کبود و با لباس پاره پس از یک شب مهمانی و در پی آن تصادف رانندگی به دلیل مستی، یک صبح روز سبت وارد کلیسا شد. او که عضو سابق کلیسای ادونتیست بود، مطمئن نبود اعضاً کلیسا که برای مدت‌ها آن‌ها را نادیده گرفته بود، نسبت به حضورش عکس‌العمل نشان خواهند داد. اما دوستش چند ساعت پیش بر اثر تصادف کشته شده بود و او نیاز داشت به دنبال خدا باشد.

پیترز ۳۲ ساله که اکنون مبلغ تمام وقت است، گفت، «من آن تصادف را به عنوان یک زنگ خطر دیدم. متوجه شدم که زندگی چقدر شکننده است.» پیترز توسط مادربزرگی ادونتیست در بندر اسپانیا، پایتخت کشور کارائیب ترینیداد و توباگو، بزرگ شد. او از سن کم باید در هر روز سبت در مراسم کلیسا شرکت می‌کرد. او پس از تعمیدش مقام‌های مختلف کلیسا را بر عهده داشت، اما گفت که خدمتش واقعی نبود. پیترز گفت، «بخش زیادی از کودکی‌ام، هیچ ارتباطی با خدا احساس نکردم.»

او در ۱۸ سالگی خانه و کلیسا را ترک کرد تا زندگی خوشگذرانه را آغاز کند. سپس تصادف رانندگی اتفاق افتاد. پیترز و دو تا از دوستانش بعد از یک مهمانی جمعه شب با ماشین به خانه بازمی‌گشتند و رانندگ که مست بود، تصادف کرد. پیترز و رانندگ با خراش‌هایی فرار کردند اما دوستش، زنی ۲۶ ساله کشته شد.

پیترز به سرعت از صحنه تصادف برای بررسی به بیمارستان انتقال داده شد. سپس پلیس از او در اداره پلیس پرس و جو نمود. پس از آن، پیترز مستقیم به کلیسا رفت.

پیترز لباس مهمانی به تن داشت: پیراهنی کوتاه، گوشواره و آرایش. نمی‌دانست چه انتظاری داشته باشد. او به مدت هفت سال بود که در کلیسا عبادت نکرده بود.

شبان در حال آماده شدن برای شروع موعظه بود که پیترز از در وارد شد.

تمام چشم‌ها به سمت او چرخید. سپس اعضای کلیسا ناگهان شروع به خواندن سرود کردند.

پیترز گفت، «آن‌ها مراسم را متوقف کرده و شروع به خواندن آواز نمودند، زیرا بسیار خوشحال بودند که من پس از سال‌های بسیار به کلیسا رفته بودم.»

این خوش‌آمدی شایسته پسر اسرافکار تمثیل عیسی در لوقا باب ۱۵ آیات ۱۱ تا ۳۲ بود.

در آن لحظه پیترز تصمیم گرفت زندگی خود را به عیسی بدهد و از نو شروع کد.

او گفت، «من با خدا قرار گذاشتم: همه چیز یا هیچ چیز. من با دیگر تعمید داده شدم و اینجا بود که زندگی ام آغاز شد.» درباره استارلن پیترز (سمت چپ) هفته بعد بیشتر بخوانید.

ثمرات مباشرت



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: دوم تیموتائوس باب ۳ آیات ۱ تا ۹؛ حزقیال باب ۱۴ آیه ۱۴؛ فیلیپیان باب ۴ آیات ۶ تا ۱۳؛ امثال سلیمان باب ۳ آیه ۵؛ اول پطرس باب ۲ آیات ۱۱ و ۱۲؛ متی باب ۷ آیه ۲۳، باب ۲۵ آیه ۲۱.

آیه حفظی: «و سیرت خود را در میان امت‌ها نیکو دارید تا در همان امری که شما را مثل بدکاران بد می‌گویند، از کارهای نیکوی شما که بینند، در روز تفقد، خدا را تمجید نمایند» (اول پطرس باب ۲ آیه ۱۲).

ما به عنوان مباشران، باید به عنوان شاهدان خدایی که به او خدمت می‌کنیم، زندگی کنیم، بدین معنی که باید تاثیر قدرتمند خوبی بر اطرافیان خود داشته باشیم. پس داستان ما باید از جهان اطراف ما جدا باشد. در عوض، ما امتیاز داریم تا شیوه بهتر زندگی را برای کسانی بازتاب دهیم که اطلاعی از آنچه به ما ارزانی شده، ندارند. مباشرت عمل پیشرفت است در حینی که فراخوان خدا را به داشتن زندگی الهی مدیریت می‌کنیم. خدا مهارت داشتن زندگی متفاوت با سایر نحوه‌های زندگی را بر روی زمین به ما عطا می‌کند (دوم قرنتیان باب ۶ آیه ۱۷) و این چیزی است که دیگران باید به آن توجه کنند و حتی در مورد آن بپرسند. از این رو، به ما گفته شده است: «اما ترس مسیح در دل های شما باشد و او را خداوند خود بدانید و اگر کسی علت امید شما را می‌پرسد، همیشه آماده جواب باشید» (اول پطرس باب ۳ آیه ۱۵).

این درس پایانی، به منافع شخصی، نتایج روحانی، پی آمدهای موفقیت آمیز، تاثیر ما و کلید رضایت در زندگی مباشرتی خواهد پرداخت، با علم به اینکه همگی در باره این موضوع است که «مسیح در شما ساکن می‌باشد و این حقیقت مایه امید شماست» (کولسیان باب ۱ آیه ۲۷).

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۳۱ مارس آماده شوید.

مباشرت و خداگونه بودن

خداگونه بودن موضوعی گستردگی است. مردم با خدا شیوه زندگی مقدسی دارند (تیطس باب ۱ آیه ۱) و با خلق و خوی سرسپرده‌گی و اعمالی که او را خشنود می‌سازد شبیه مسیح می‌شوند (مزامیر باب ۴ آیه ۳، تیطس باب ۲ آیه ۱۲). خدایی بودن، گواه مذهب حقیقی است و وعده زندگی ابدی را دریافت می‌کند. هیچ فلسفه، ثروت، شهرت، قدرت یا برتری بواسطه ولادت^۱، چنین وعده‌ای را ارائه نمی‌دهد.

بطور مثال: کودک با ولادت خود از والدین ارث می‌برد (گرچه والدین می‌توانند او را از ارث محروم و یا حتی یک فرزند خوانده را وارث خود بدانند)، ولی فردی بواسطه تولد در یک خانواده مسیحی نمی‌تواند ادعای مسیحی بودن را داشته باشد و خود را در استحصال رستگاری افضل بداند. [ویراستار]

دوم تیموتائوس باب ۳ آیات ۱ تا ۹ را بخوانید. پولس در اینجا نسبت به چه چیزی هشدار می‌دهد که مستقیماً با زندگی مباشر وفادار مرتبط است؟

کتاب ایوب، شرحی از شخصیت و کارهای ایوب را ارائه می‌دهد. این کتاب نشان می‌دهد که چگونه یک زندگی خدایی حتی از طریق رنج کشیدن نمایان می‌شود. این نشان می‌دهد که شیطان تا چه حد از این شیوه زندگی منتفر است. حتی خدا اذعان می‌کند که فرد دیگری مانند ایوب از نظر کیفیت ایمان و شیوه زندگی وجود نداشت (ایوب باب ۲ آیه ۳).

«در زمین عوص مردی بود به نام ایوب. او شخصی بی عیب و درستکار بود. از خدا می‌ترسید و از گناه دوری می‌کرد» (ایوب باب ۱ آیه ۱). بنابراین، مردی را می‌بینیم که ایمانش تنها از روی حرف و کلام یا آیین های مذهبی نبود، اگر چه این ها بخشی از زندگی وی بودند (ایوب باب ۱ آیه ۵). خدا ترسی او، در کل زندگی خداپرستی وی حتی در میان آزمونهای وحشتناک آشکار شد. خدایی و عابد بودن به این معنی نیست که ما کامل هستیم، بلکه تنها بدین معنی است که ما در اطراف خود کمال را انعکاس می‌دهیم.

حزقیال باب ۱۶ آیه ۱۶ را بخوانید. این آیه چه چیزی می‌گوید که بر شخصیت این مردان شهادت می‌دهد؟ آنها چه چیزی مشترک دارند که باید در همه ما دیده شود؟

مباشرت در واقع تجلی زندگی خداگونه است. مباشرین وفادار تنها شکل و شمایل

خدایی ندارند. آنها خدایی هستند و این شبیه به خدا بودن در نحوه زندگی ایشان و رسیدگی به آنچه خدایشان به آنها سپرده است، نمایان می‌شود. ایمان آنها نه تنها در کاری که انجام می‌دهند، بلکه در آنچه انجام نمی‌دهند نیز تجلی می‌یابد.

۲۶ مارس

دوشنبه

قناعت

«من به احتیاجات شخصی خود اشاره نمی‌کنم، زیرا یاد گرفته ام در هر وضعی که باشم، قناعت کنم» (فیلیپیان باب ۴ آیه ۱۱). اگر قرار باشد ما در هر وضعی که هستیم، قناعت کیم، این قناعت در نهایت باید از کجا بیاید؟

پولس زمانی که برای تیموთائوس می‌نویسد، گروه ناخوشایندی از مردم را توصیف می‌کند «که گمان می‌کنند خدایی بودن وسیله‌ای است برای کسب منفعت» (اول تیموتائوس باب ۶ آیه ۵). چه توصیف بهتری برای برخی از گویندگان تلویزیون می‌تواند وجود داشته باشد؟ آنها با گفتن این به شنوندگان خود که اگر آنها با ایمان باشند (و این «ایمانداری» شامل حمایت از خدمات میسیونری ایشان می‌شود)، آن شنوندگان ثرومند خواهند شد. برابر قرار دادن ثروت با ایمانداری، شکل و صورتی دیگر از مادیگرایی است که تحت پوشش مسیحیت خود را ظاهر نموده است.

واقعیت این است که خدآگونه بودن و تعبد هیچ ربطی به ثروت ندارد. اگر چنین بود، برخی از خبیث ترین افراد باید خدایپرست تلقی می‌شدند زیرا جزء ثرومندان هستند. در عوض، پولس پاسخ داد که «خدایپرستی همراه با قناعت، منفعت بسیار دارد» (اول تیموتائوس باب ۶ آیه ۶). خدایپرستی به همراه قناعت در هر شرایطی، بهترین نوع ثروت است زیرا فیض خدا بسیار با ارزش تر از منفعت مالی می‌باشد. از این رو، ما باید با «خوراک و پوشاک» (اول تیموتائوس باب ۶ آیه ۸) قانع باشیم. در پایان، ما هر چقدر دارایی داشته باشیم، اگر تمایل به اینگونه فکر کردن داشته باشیم، همیشه چیزهای بیشتری برای گرفتن خواهد بود.

«قناعت در هر شرایطی، یک هنر بزرگ و راز روحانی می‌باشد. باید آموخته شود و به عنوان یک راز آموخته شود.... قناعت مسیحی، در قابی دلپذیر، درونی، آرام و بخشنده روح جای دارد که آزادانه تسلیم خدا می‌شود و در هر شرایطی آزادانه در برابر حکمت خدا و حس پدرانه محظوظ گردیده و سر فرود می‌آورد.... مانند روغن و مرهمی گرانها و تسکین دهنده و مفید برای دل نگرانان در زمان‌ها و شرایط دشوار می‌باشد.». جرمایا بورو، Jeremiah Burroughs, *The Rare Jewel of Christian Contentment*, pp. 1, 3

رومیان باب ۸ آیه ۲۸، عبرانیان باب ۱۳ آیه ۵ و فیلیپیان باب ۴ آیات ۴ تا ۱۳ را بخوانید. ما در اینجا چه چیزی می‌توانیم بیابیم که به ما در داشتن زندگی قانع کمک کند؟

۲۷ مارس

سه شنبه

توکل

امثال سلیمان باب ۳ آیه ۵ را بخوانید. در این آیه به ویژه بخش آخر، چه پیام بسیار مهمی در مورد «تکیه نکردن» بر عقل خودمان، برای ما وجود دارد؟ (اشعیا باب ۵۵ آیه ۹، اول قرنتیان باب ۴ آیه ۵ و باب ۱۳ آیه ۱۲ را نیز ببینید.)

شعار و هدف مباشرين خدا «با دل و جان توکل کردن به خدا و تکیه نکردن بر عقل خود می باشد» (امثال سلیمان باب ۳ آیه ۵).

البته اغلب گفتن آسان تر از عمل می باشد. هر چند وقت یکبار ممکن است با عقلاستیت به خدا و محبت و توجه و دلنگرانی او برای خودمان ایمان داشته باشیم و با این حال خود را تا حد بیماری نگران چیزهایی کنیم که با آن روپرتو می شویم؟ گاهی اوقات آینده می تواند دست کم در تصور ما بسیار ترسناک به نظر برسد.

پس ما به عنوان مباشر چگونه می آموزیم که به خدا توکل کنیم؟ با قدم برداشتن در ایمان و اطاعت از خداوند در تمام کارهایی که انجام می دهیم. توکل عملی ذهنی است که در صورت استفاده به پایان نمی رسد؛ در مقابل، ما هر چه بیشتر به خداوند توکل کنیم، توکلمان بیشتر رشد می کند. زندگی کردن به عنوان مباشیرینی با ایمان، روشی برای ابراز توکلمان به خدا می باشد. این توکل، اساس و نیروی محرك مباشر می باشد و با آنچه انجام می دهیم، آشکار می شود.

«با تمام قلبتان به خداوند توکل کنید. عبارت قلبتان همیشه بصورت استعاری در کتاب مقدس بکار برده شده است. بدین معنی است که تصمیمات ما از یک نفس اخلاقی درونی می آیند که هویت ما را تعیین می کند» (متی باب ۲۲ آیه ۳۷). این شامل شخصیت، انگیزه ها و نیات ما می شود – هسته اصلی وجود ما.

توکل به خدا با چیزهایی که نمی توانید کنترل کنید، آسان تر می باشد. در این مفهوم ما چاره ای جز اعتماد به او نداریم. در عوض، توکل حقیقی «برآمده از قلب» زمانی وجود می آید که ما باید در مورد چیزی که می توانیم کنترل کنیم تصمیم بگیریم، و زمانی که توکلمان به خدا باعث می شود یک راه را انتخاب کنیم.

رسولان با تمام قلب خود توکل به خدا را شرح می دهند: «طبعیت آنها به ضعیفی و درماندگی همه کسانی که اکنون در کار خدا هستند بود، اما آنها بطور کامل به خداوند اطمینان کردند. آنها ثروت داشتند اما شامل فرهنگ ذهن و روح می شد؛ و همه کسانی که خدا را در ابتداء، انتها و بهترین همه چیز قرار دهند، آن را خواهند داشت.» — الن جی.

Ellen G. White, *Gospel Workers*, p. 25

این حقیقت دارد که اطمینان کردن به خدا در مورد چیزهایی که نمی توانید کنترل کنید، آسان تر می باشد. اما در مورد چیزهایی که می توانید کنترل کنید، چطور؟ چه تصمیماتی ممکن است لازم باشد بگیرید که بواسطه آنها، اعتمادتان به خدا تعیین کند چه راهی انتخاب می کنید؟

۲۸ مارس

چهارشنبه

تأثیر ما

«شما زمانی در تاریکی بودید اما اکنون با اتحاد خود با خداوند، در نور هستید» (افسیان باب ۵ آیه ۸). پولس تحول قلب را به عنوان عملی که به صورت کلی دیده می شود، توصیف می کند: همانطور که ما «در نور قدم بر می داریم» (اول یوحنا باب ۱ آیه ۷، اشعيا باب ۳۰ آیه ۲۱)، شهادت روزانه ما از مباشرت تحت مدیریت، نوری تاثیر گذار در جهان تاریک خواهد بود.

عیسی فرمود، «من نور این جهان هستم» (یوحنا باب ۸ آیه ۱۲). ما بواسطه ثبات شخصیت در رفتار اجتماعی روزانه خود، نور خدا را منعکس می کنیم.

مباشرت ما به روش هایی که خدا را جلال ببخشد، چگونه نشان داده می شود؟ کارهای ما چه تاثیری بر دیگران دارند؟ متی باب ۵ آیه ۱۶، تیطس باب ۲ آیه ۷، اول پطرس باب ۱۲ آیات ۱۱ و ۱۲.

مباشرت به مدیریت دارایی های خدا مربوط می شود، اما فراتر از این مسئولیت می باشد. مباشرت ما در برابر خانواده ها، جوامع، جهان و عالم ما آشکار است (اول قرنتیان باب ۴ آیه ۹). مباشرت در مشاغل ما نیز تاثیر اصول پادشاهی بر زندگی ما را نشان می دهد. و از این رو ما می توانیم بر دیگران تاثیر بگذاریم. ما با مهربانی و اخلاقیات، که تایید آفریدگار را بهمراه دارد مسیح را آشکار می سازیم.

اخلاق کاری مانیز باید با ارزش های مبادرت ما موافق باشد. شغل ما مرحله ای است که در آن مبادرت فرد عادل دیده می شود. «او بی گناهی تو را مانند روز روشن، آشکار خواهد نمود» (مزامیر باب ۳۷ آیه ۶). تاثیر یک مبادرت حتی در محل کار یا حرفه خود «پنهان نمی شود یا زیر تشت گذاشته نمی شود» (لوقا باب ۱۱ آیه ۳۳)، بلکه مانند شهری بر بلندای تپه دیده می شود (متی باب ۵ آیه ۱۴). در صورتی که شما اینگونه هدفمند در خانه و محل کار زندگی کنید، بر ذهن ها و قلب های اطرافیان خود تاثیر خواهید گذاشت.

«همه چیز در طبیعت برای کاری تعیین شده اند و از جایگاهشان ایراد نمی گیرند. همه مردان و زنان در امور روحانی، حدود و مسئولیت خاصی دارند. سودی که خدا خواستار آن است، متناسب با سرمایه سپرده شده و مطابق با میزان عطیه مسیح می باشد.... اکنون زمان و فرصت شماست که با ... ثبات شخصیتی نشان دهید که شما را از نظر اخلاقی واقعاً با ارزش کنند. مسیح حق دارد تا از خدمت شما بهره مند شود. از صمیم قلب تسلیم او شوید.» — الن جی. وايت، *This Day With God*, p. 243

اخلاق کاری شما چه نوع تاثیری بر همکاران یا کسانی که در خانه می بینند، دارد؟ شما در مورد ایمان خود، چه نوع پیامی به ایشان می رسانید؟

۲۹ مارس

پنجشنبه

سخنای که می خواهیم (و نمی خواهیم) بشنویم

ما بر روی زمین، غریبه ها و مسافرینی هستیم که — ملکوت اعلی که بی نقص، زیبا و آرام است — مقصد نهایی ماست (عبرانیان باب ۱۱ آیات ۱۳ و ۱۴). تا آن زمان، ما باید در اینجا زندگی کنیم. جهان بینی مسیحی، بویژه آنگونه که در جدال عظیم نمایان گردیده است، اجازه وجود هیچ گروهی طرفی را نمی دهد. ما یا برای خدا و یا برای دشمن زندگی می کنیم. «هر که با من نیست، برخلاف من است و هر که با من جمع نمی کند، پراکنده می سازد» (متی باب ۱۲ آیه ۳۰). زمانی که عیسی بازگردد، طرفی که ما در آن هستیم، به روشنی ووضوح نمایان خواهد شد.

زمانی پس از بازگشت مسیح، کسانی که ادعای پیروی از او را می کردند، یکی از دو جمله را خواهند شنید. آن دو جمله کدامند و معنای هر کدام چیست؟

متی باب ۲۵ آیه ۲۱

متی باب ۷ آیه ۲۳

این سخن مسیح، «آفرین»، دل انگیزترین و رضایت بخش ترین سخنی است که یک مباشر می‌تواند بشنود. داشتن تایید نامحدود الهی در مورد تلاش ما در مدیریت دارایی هایش، شادی غیر قابل وصفی برای انجام حداکثر توانایی مان و دانستن تمام مدت اینکه نجات ما ریشه در کارهای مسیح برای ما و نه کارهای ما برای او دارد، می‌باشد (رومیان باب ۳ آیه ۲۱ و باب ۴ آیه ۶ را ببینید).

زندگی یک مباشر با ایمان، بازتاب دهنده ایمان است. تلاش برای رستگاری بواسطه اعمال در کلام آنهایی دیده می‌شود که بدنبال عادل شمردن خود در مقابل خدا از طرق اعمالشان بودند (متی باب ۷ آیات ۲۱ و ۲۲ را ببینید). متی باب ۷ آیه ۲۳ نشان می‌دهد که راضی بودن از خود یا خود عادل شماری تا چه حد بی نتیجه است.

«هنگامی که پیروان مسیح، آنچه را که به او تعلق دارد به وی بازمی گردانند، گنجی را جمع می‌کنند که در زمان شنیدن عبارت آفرین، خدمتگزاران خوب و وفادار؛ ... وارد شادی خداوند خود بشوید، به ایشان داده خواهد شد.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *The Desire of Ages*, p. 523

در پایان، مبادرت نوعی زندگی است که در آن دو فرمان بزرگ محبت برای خدا و محبت به همسایگانمان، انگیزه و نیروی محرک همه کارها می‌باشد.

**زنگی شما و مبادرت نمایان شده در آن، تا چه حد به خوبی این دو فرمان
بزرگ را منعکس می‌کنند؟**

۳۰ مارس

جمعه

تفکری فراتر: «مسیح به این جهان آمد تا محبت خدا را نمایان سازد. پیروان او باید کاری را که او آغاز کرد، ادامه دهند. بیاید تلاش کنیم به یکدیگر کمک و یکدیگر را تقویت نماییم. بدنبال خوبی دیگران بودن، راهی است که بواسطه آن می‌توان شادی حقیقی را یافت. انسان با دوست داشتن خدا و انسان‌های دیگر، بر ضد منفعت خود کار نمی‌کند. هر چه روح از خود گذشته تر باشد، فرد خوشحال تر است، زیرا هدف خدا برای خود را کامل می‌کند.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Counsels on Stewardship*, pp. 24, 25

«هر کجا در کلیسا زندگی وجود داشته باشد، رشد و فزونی وجود دارد. همچنین یک مبادله دائمی وجود دارد، گرفتن و دادن، دریافت کردن و بازگرداندن به خود خداوند. خدا به هر مومن واقعی، نور و برکت می‌دهد و ایماندار آن را در کاری که برای خداوند انجام می‌دهد، به دیگران می‌رساند. همانطور که آنچه که دریافت می‌کند را می‌بخشد، ظرفیتش برای دریافت کردن بیشتر می‌شود. فضا برای تدارکات تازه فیض و حقیقت بوجود می‌آید. نور روشن

تر و دانش افزون تر از آن او خواهد بود. زندگی و رشد کلیسا به این بخشیدن و دریافت کردن وابسته است. کسی که دریافت می کند اما هرگز نمی بخشد، خیلی زود دیگر دریافت نخواهد کرد. اگر حقیقت از او به دیگران جریان نداشته باشد، او ظرفیت دریافت را از دست خواهد داد. اگر ما برکات تازه دریافت کیم، باید متعاهای آسمانی را با دیگران شهیم شویم.» — الن جی. وايت،

Ellen G. White, *Counsels on Stewardship*, p. 36

سؤالاتی برای بحث

۱. چگونه توکل به خداوند به تعهد منتهی می شود؟ برای اعتماد به خدا با تمام قلبتان در سطحی عقلانی، چه چیزی لازم است؟ دوم قرنتیان باب ۱۰ آیه ۵. چرا بسیار آسان است بگوییم، همه چیز برای خیریت با هم درکارند (رومیان باب ۸ آیه ۲۸) اما باورش دشوار است؟ یعنی، چرا می گوییم که به خدا اعتماد داریم و واقعاً از نظر عقلانی به او توکل داریم، و با این وجود از آینده می ترسیم؟
۲. در کلاس این سوال را بپرسید و سپس پاسخ ها را مقایسه کنید: «در حدود ۲۵ واژه، تعریف شما از مبادرت چیست؟» سپس این سوال را بپرسید: «در حدود ۲۵ واژه چرا مباشرت بخش مهمی از زندگی مسیحی است؟»
۳. متی باب ۷ آیات ۲۱ تا ۲۳ را بار دیگر بخوانید. در این آیات چه اتفاقی در حال رخ دادن است؟ چرا افراد چنین چیزهایی می گویند؟ سخنانشان چه چیزی در مورد ایشان می گوید؟ چگونه می توانیم مطمئن شویم که همچنان که بدبناول مباشر خوب بودن هستیم — حتی بدبناول داشتن زندگی با ایمان و اطاعت هستیم، و حتی بدبناول انجام کار خوب در نام خدا هستیم — در همان خود فربی سقوط نکنیم؟
۴. ما تمایل داریم تنها در سطح فردی به نفوذ مسیحی بیاندیشیم. اما در مورد در سطح کلیسای محلی تان چطور؟ کلیسای شما به عنوانیک مجموعه، چه نوع تاثیری بر جامعه دارد؟



به دنبال ۳ نشانه بودن

توسط اندرو مک چزنی، تبلیغ دینی ادونتیست

استارلن پیترز پس از گوش دادن به یک مبلغ کارآزموده آمریکایی در مجمع جوانان در سرزمین مادری او، ترینیداد و توباگو سخن گفت، مجاب شد که برای سفر مبلغی دو هفته‌ای به جنوب آمریکا ثبت نام کند.

اما این خواسته او را سراسیمه کرد. او به تازگی پس از هفت سال خوشگذرانی به کلیسای ادونتیست روز هفتم بازگشته بود و احساس نمی‌کرد واجد شرایط خدمت کردن به عنوان یک مبلغ باشد. پیترز که در آن زمان ۲۵ ساله بود، گفت، «به نظرم من از جنس مبلغ نبودم. پس تصمیم گرفتم دعا کنم.»

او از خدا نشانه‌ای درخواست کرد: اینکه افراد تصادفی حاضر در مجمع جوانان به او بگویند که یک مبلغ بشود. هیچ کس او را نمی‌شناخت، بنابراین فکر می‌کرد کسی به او نزدیک نشود. او گفت، «اما همان روز، چند نفر نزد من آمد و به من گفتند، آیا تا به حال به اینک یک مبلغ باشی، فکر کرده‌ای؟»

پیترز چنین استدلال کرد که مردم پس از سخنانی مبلغ آمریکایی به خدمت مبلغی فکر می‌کردند پس نشانه دومی از خدا خواست: اینکه پدرش به او بگوید که یک مبلغ بشود. پیترز گفت، «پدرم آدم اهل کلیسا رفتن نیست و من تنها دختر او هستم. از این رو، احتمالش بسیار کم یا صفر بود. فکر کردم خدا را گیر انداختم.»

روز بعد، پدرش به او زنگ زد و گفت، «شاید باید به جایی که خدا هدایت می‌کند، بروی.» او گفت که از تغییرات اخیر زندگی وی راضی بود.

پیترز آن شب با خشم دعا نمود. او نمی‌خواست شغلش را برای سفر بشارتی به گویان به خطر بیندازد. او خواهان نشانه سوم شد: اینکه خدا ۴۵۰ دلار هزینه لازم برای سفر را فراهم کند.

روز بعد، آخرین روز مجمع، غریبه‌ای یک پاکت سفید به پیترز داد و رفت.

او گفت، «وقتی داخل پاکت را نگاه کردم، چکی به مبلغ ۴۵۰ دلار در آن قرار داشت، میزان دقیقی که من برای سفر نیاز داشتم.»

پیترز در نهایت ۱ سال و نیم در گویان ماند و در یک مدرسه بشارتی تدریس نمود. از آن زمان، پیترز بی وقفه به سفرهای کوتاه و طولانی مدت بشارتی رفته است و تنها برای جمع‌آوری پول سفر بعدی توقد کرده است. در سال ۲۰۱۴، رئیس کلیسای ادونتیست، تد نیلسون به او برای فعالیتش در راستای برنامه بشارتی یک ساله، هدیه‌ای به وی اهدا نمود. پیترز که اکنون ۳۲ سال دارد گفت که هیچوقت برای به اشتراک گذاشتن عیسی خیلی دیر — یا خیلی زود نیست.

او گفت، «پیش از اولین سفر مأموریتی ام، تازه به کلیسا بازگشته بودم، بنابراین به اندازه کافی احساس مسیحی بودن نداشتم که به چنین سفری بروم. اکنون همیشه در حال سفر هستم. خدا تمام نیازهای مرا برآورده می‌کند.»

درباره استارلن پیترز (در تصویر در کنار رئیس کلیسای ادونتیست، تد ان. سی. ویلسون) در مطلب هفته گذشته بیشتر بخوانید.